



کوشیدیم پرده از روی یکی از رازهای نهان ابعاد انسانی برداریم
با استفاده از تحقیقات و پژوهش های علوم اجتماعی،
روانشناسی و استدلالات عقلی و علمی، منابع تاریخی، دینی و ملی و
داده های آماری و تجارب شخصی افراد که نوعی تحقیق میدانی است.

تقدیم به:

همسر فاضله ام که مشوق اصلی من در تهیه این کتاب بود.

با تشکر از:

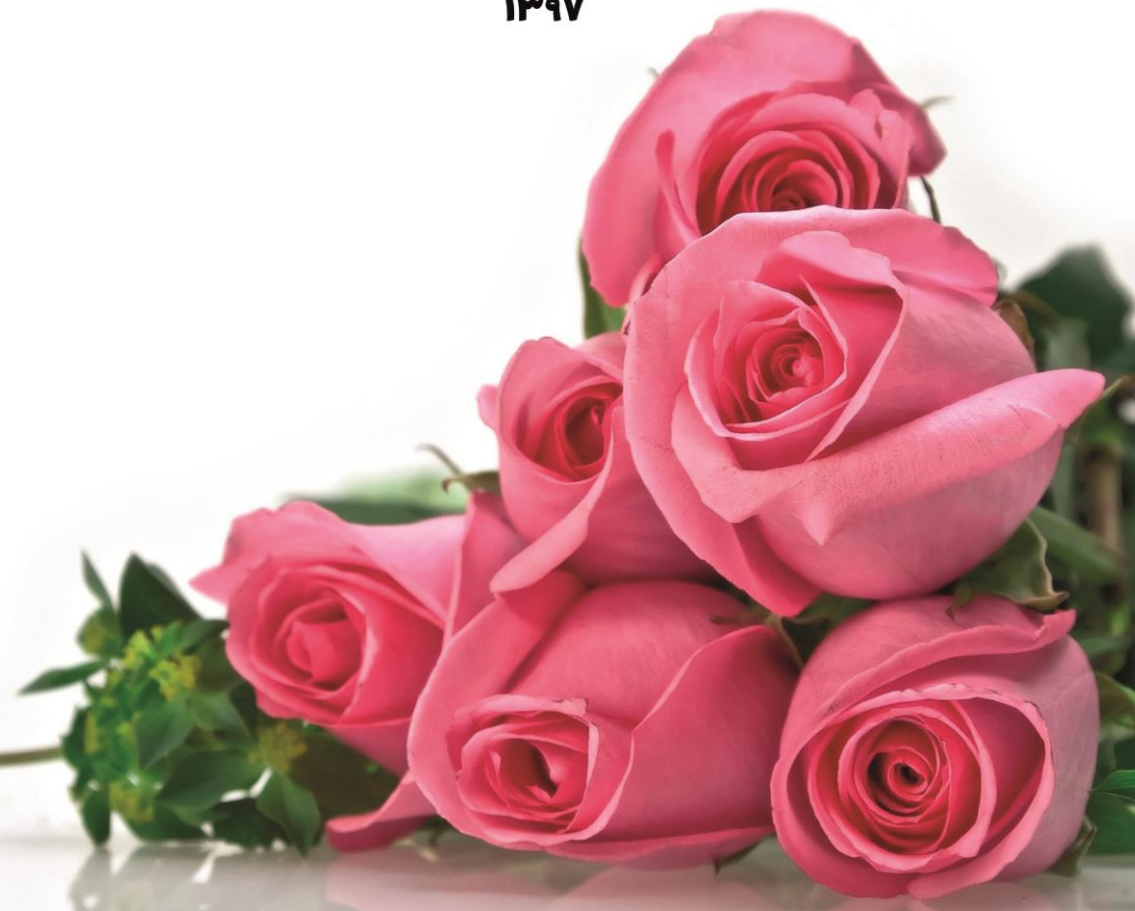
همه دوستانی که در تهیه این اثر کمک و نقش داشتند به ویژه دوست ارجمندم آقای حسین اکبریان و اساتید حوزه و دانشگاه که با مطالعه و بیان نظرات خود در بهبود مطالب کمک کار بوده اند.



راز پنهانی ماه

دانستنی هایی از حجاب

۱۳۹۷



سرشناسنامه	:	نصیری، محمد جواد-
عنوان و نام پدیدآور	:	راز پنهانی ماه، دانستنی هایی از حجاب/ مؤلف: محمد جواد نصیری.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۲ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۶۱۴۳-۰۵-۹
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا.
یادداشت	:	کتابنامه: ص. [۱۴۹] - ۱۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	:	حجاب
موضوع	:	حجاب -- جنبه های اجتماعی
رده بندی کنگره	:	BP۲۳۰/۱۷/ ۵ ۷۶۳ ن ۲ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۲۱۸۳۶۳

راز پنهانی ماه

دانستنی هایی از حجاب

مؤلف: محمد جواد نصیری
 طراح و صفحه آرایی: حسین اکبریان
 ویراستار: روح الله گائینی
 طراح جلد: گرافیک جوانه
 ناشر: محمد و آل محمد (ص)
 نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۴۳-۰۵-۹
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 مجری چاپ: حسن عرشیان
 قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر محفوظ و متعلق به مؤلف است



انتشارات محمد و آل محمد(ص)

آدرس: قم، خیابان معلم، روبروی جامعه المصطفی(ص) العالمیه
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۴۸۱، ۰۲۵-۳۷۸۳۳۳۲۲، فکس: ۰۲۵-۳۷۸۳۳۳۲۲ همراه: ۰۹۱۳۳۵۱۱۱۹۲

فهرست

۱۱..... مقدمه

۱۳..... فصل اول: بعضی از علل و فلسفه حجاب

۱۵..... ۱. حجاب، ابزاری برای مدیریت جاذبه زن

۱۷..... ۲. هنر عشق‌ورزی در پرتو حجاب

۱۷..... ۳. سلامت خانواده و جامعه، در گرو قانون یا اصل حجاب

۱۸..... ۴. حجاب، فرهنگ جنسی

۱۹..... ۵. حجاب، مخالفت با هوای نفس

۱۹..... ۶. حجاب، حقوق روانی و شهروندی مردم

۲۰..... حکمت وجوب و تأکید حجاب زنان در اسلام به نظر شهید مطهری

۲۰..... ۷. آرامش روانی

۲۱..... ۸. استحکام پیوند خانوادگی

۲۱..... ۹. استواری جامعه

۲۲..... ۱۰. ارزش و احترام زن

۲۳..... زنان تازه محجبه شده جهان از دلیل باحجاب شدنشان می‌گویند

۲۳..... ۱۱. ماشا الییکینا (باحجاب شدم تا به خدا برسم)

۲۵..... ۱۲. آلیسا حسینوا (باحجاب شدم تا مادر خوبی باشم)

۲۷..... ۱۳. امیلی فرانسوا (باحجاب شدم چون مسلمان شدم)

۲۹..... ۱۴. سارا بوکر (باحجاب شدم چون برده‌ی مد بودم)





۱۵. سوزان کارلاند (باحجاب شدم چون حجاب سنبل دین اسلام است) ۳۱
۱۶. حنان ترک (باحجاب شدم تا ستاره‌ی آسمان‌ها باشم) ۳۳
۱۷. فینا مالک (باحجاب شدم چون توبه کردم) ۳۴
۱۸. فلکسیا ییپ (باحجاب شدم چون حجاب نور است) ۳۴
- مصاحبه دختر دانشجوی بی‌حجابی که، چادری شد ۳۶
۱۹. حجابم حاصل یک دوره تغییر مستمر بود ۳۶
- علت حجاب دختران ایرانی محجبه ساکن خارج کشور ۴۲
۲۰. به دلایل شخصی و مذهبی حجاب دارم ۴۲
۲۱. حجاب اسلحه‌ای در دست من است ۴۳
۲۲. از مسیحیت به اسلام تغییر آیین دادم و با حجاب شدم ۴۴
۲۳. بیشتر از پنج سال تحقیق کردم، عاشق حجابم ۴۵
۲۴. حجاب، فطرت و خصلت ذاتی بشر ۴۶
- متد و روش علمی برای شناخت هر چیز چیست؟ ۴۶
۴۷. اسناد تاریخی پنجره‌ای به سوی حقایق ۴۷
- حجاب بانوان در ایران باستان ۴۹
- حجاب در شاهنامه فردوسی ۵۲
- مردان نمکی روایت گر ناگفته‌های تاریخ ایران باستان ۵۴
- پژوهشی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۵۵
- فرش پازیریک (دوران هخامنشیان) ۵۶
- پوشاک زنان اشکانی ۵۷



- ۵۸..... پوشاک زنان ساسانی
- ۵۸..... پوشاک زنان صفویه
- ۵۹..... پوشاک زنان افشار و قاجار
- ۵۹..... پوشش زن ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۶۰..... تاریخچه پوشش و عفاف در جهان
- ۶۱..... زنان سارتی
- ۶۲..... زن‌های تاتاری از کازان (روسیه آسیایی)
- ۶۳..... ترکیه
- ۶۴..... مردان و زنان ژاپن
- ۶۴..... پوشش زن در یونان و روم باستان
- ۶۶..... حجاب در انگلستان
- ۶۶..... انگلستان در دوران رنسانس (زمان شکسپیر)
- ۶۷..... نجا، قرن ۱۶ و ۱۷
- ۶۸..... انگلیس قرن ۱۹
- ۶۹..... پوشش زنان در لندن قدیم به روایت تصویر
- ۷۲..... نتیجه‌گیری تحقیق با متد اجتماعی
- ۷۳..... ۲۵. تأکید ادیان بر حجاب
- ۷۳..... حجاب در اسلام
- ۷۵..... حجاب در آیین مسیحیت
- ۷۷..... حجاب در آیین یهود



- حجاب در آیین زرتشت ۷۹
۲۶. حجاب، عامل آرامش ۸۱
۲۷. برهان شرطبندی یا برهان قماربازان پاسکال ۸۵
- فصل دوم: بعضی از علل بی‌حجابی ۸۷**
- علل بی‌حجابی غرب ۸۹
- اومانیسیم و انسان‌محوری ۹۰
- بی‌حجابی موجب ترویج مصرف‌گرایی ۹۰
- سینما و رسانه، ابزاری برای ترویج بی‌حجابی ۹۱
- نمونه‌ای از تغییر افکار و اذهان مردم توسط سردمداران فاسد ۹۴
- پوشش زن ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۹۸
- اندلس سازی ایران ۹۹
- داستان غم بار اندلس ۹۹
- بودجه‌های براندازی نظام ایران ۱۰۱
- آمار نشان از اثرگذاری تبلیغات ۱۰۱
- الگوسازی پوشش ناهنجار در کشور ۱۰۱
- بی‌توجهی بعضی از مسئولین به مقوله بی‌حجابی ۱۰۲
- بی‌حجابان، با دل‌های پاک و معصوم در خدمت اهداف استکبار ۱۰۳
- مواد مخدر و مشروبات الکلی ۱۰۳
- رسانه‌های عمومی ۱۰۴



بی‌حجابی، نافرمانی مدنی ۱۰۴

فصل سوم: آثار بی‌حجابی ۱۱۱

آثار بی‌حجابی در غرب ۱۱۳

آمار سازمان‌های بین‌المللی ۱۱۳

نمونه‌ای از واقعیت بی‌حجابی و اختلاط در غرب ۱۲۰

مکافات عمل ۱۲۳

بعضی دیگر از آثار بی‌حجابی ۱۲۵

مواظب نگاه‌های آلوده باشیم ۱۲۶

آثار بد پوششی و بی‌حجابی در جامعه ایران ۱۲۶

آثار بد پوششی و بی‌حجابی در آخرت ۱۳۱

عذاب شوهر خانم بد پوشش و بی‌حجاب ۱۳۲

حجاب و آزادی ۱۳۳

حجاب شما به ما ارتباط دارد ۱۳۴

مسیر بی‌حجابی با تجربه‌ای تلخ ۱۳۵

چند نکته ۱۳۶

فصل چهارم: چند راه‌کار ۱۳۹

اشتغال و ازدواج ۱۴۱

تحول در صدا و سیما ۱۴۱

بینش صحیح دادن به مردم و عمل به قانون ۱۴۲



۱۴۳..... دادن مدل‌های پوشش محجبه کاربردی در جامعه

۱۴۴..... روش امام موسی صدر در برخورد با زنان بی‌حجاب لبنان

۱۴۵..... دعوت دینی به‌طور غیرمستقیم

۱۴۷ سخن پایانی

۱۴۹ منابع و مآخذ

مقدمه

یکی از مطالب و مباحثی که همیشه چالش زا بوده و هست مسئله حجاب می‌باشد؛ یعنی پوشیده بودن یا پوشیده نبودن، منظور از پوشیده بودن چیست؟ آیا این مطالب فقط در مورد زنان است یا آقایان را نیز شامل می‌شود؟ آیا منظور پوشیده بودن بدن و موی زن است یا علاوه بر این صدا، رفتار، حرکات و سکنات هم منظور است؟ و مقدارش چیست؟ علت و دلیل حجاب چیست؟ آثار عمل به حجاب یا عدم عمل به حجاب چیست؟ و نفعش به ما چیست؟ و ضررش به ما چیست؟ آیا نفع و ضرر و آثار حجاب به شخص برمی‌گردد یا مسئله‌ای اجتماعی است و به دیگر افراد هم ارتباط دارد؟

از گذشته افرادی بودند که می‌پرسیدند چرا باید خودمان را در حجاب نگه داریم و خودمان را محدود کنیم؟ چرا و چراهای دیگر که جواب هر کدام مجالی را می‌طلبد.

ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که تعداد زیادی از دختران و مادران پاک و معصوم جامعه ما بی‌حجابی اختیار کرده‌اند ولی دوست دارند باحجاب شوند که نیازمند به تلنگر و جرقه‌ای کوچک هستند و همچنین افراد باحجاب معمولاً به خوبی نمی‌توانند از مبانی و دلایل حجاب خود دفاع کنند سعی شده است که به مقدار وسیع، مطالب و دانستنی‌هایی در مورد موضوع حجاب جمع و ارائه شود تا مفید هر دو گروه گرامی قرار گیرد.

نکته مهم این است که مطالب را دقیق و با ذهنی آزاد و عدم تقلید بخوانند. امید است مفید واقع شود.





فصل اول

بعضی از علل و فلسفه حجاب



۱. حجاب، ابزاری برای مدیریت جاذبه زن

بسیار ساده و بدیهی است که زنان قدرت جذب مردان را دارند و حجاب وسیله کنترل و مدیریت این قدرت جاذبه است تا همسر را جذب و غریبه‌ها را دفع کند و اگر کسی مقداری تأمل و فکر کند این مطلب را تصدیق می‌کند.

نخست باید گفت که وقتی ما به تاریخ گذشتگان و احوال انسان‌ها در گذر زمان می‌نگریم، می‌بینیم که زن و مرد هر دو خود را می‌پوشاندند. زنان به مقدار بیشتر چون عموماً زنان از مردان زیباتر و جذاب‌ترند که همین نیرو، مردان را به سوی خود می‌کشد؛ و مردان عموماً ذهنشان تصویری است، یعنی تصویر و اندام و حالات جنس مخالف را در ذهن مجسم می‌کنند بعد به او میل پیدا می‌کنند و به سمتش می‌روند. برخلاف خانم‌ها که سیستم شنیداری دارند.

به زبان واضح‌تر وقتی آب به شئی ای سرایت و برخورد می‌کند لازمه‌اش خیسی و نمناک شدن آن شئی است. وقتی زیبایی زن را مرد می‌بیند لازمه‌اش تحریک و به هیجان آمدن مرد است. این مطلب در وجود زن به صورت ذاتی است و قابل جدا شدن از او نیست. اگر شما تر کنندگی و خیس کنندگی را از آب بتوانید سلب



کنید. این حالت را از زن هم می‌توانید سلب کنید که برای فهمیدن مطلب این مثال بیان شد.

این مطلب از بدیهیات است و در تمام اعصار مردم توجه به این مطلب داشتند. لذا برای نم ندادن و خیس نکردن و حفظ آب، آن را در ظرف نگه می‌داشتند، همچنین برای حفظ بوی عطر، آن را در ظرف در بسته‌ای نگه می‌داشتند و هر آنچه برایشان قیمتی و با ارزش بود؛ از جواهرات و غیره را در مکان‌های پوشیده و در بسته می‌گذاشتند و حفظش می‌کردند. خلقت و ذات بانوان مثل عطر و گوهرهای گران‌بها باعث توجه و جذب غریبه‌ها می‌گردد. لذا وقتی مردی می‌دید که مردان غریبه با دیدن ناموسش به واکنش در می‌آیند، یا با دیدن جواهرات با ارزش و طلاهای گران‌قیمت، هوس دزدی و دست‌اندازی به آن‌ها دست می‌دهد، از همین ترفند استفاده می‌کرد و با پوشیده نگه داشتنش، جلوی اثر سوء آن را می‌گرفت. البته نکته مهمی که اینجا است این است که مثال‌هایی که ما زدیم فرقی با موضوع بحث ما دارند و آن با ارزش‌تر بودن بحث ما است چون بحث ما در مورد فلزات و اشیاء بی‌جان نیست. طلا و جواهر و دیگر اشیاء قیمتی هر چقدر با ارزش باشند بی‌روح‌اند و از جمادات و در مقابل انسان مقامشان پایین‌تر است. بلکه بحث ما درباره موجود زنده است؛ و این خیلی والاتر و با ارزش‌تر است. خود زنان هم متوجه این امر بودند و خود را پوشیده نگه می‌داشتند و از درونشان این مطلب را حس و درک می‌کردند که آرامش و امنیت آنان در حفظ خود از غیر است؛ و این جاذبه‌ابزاری دست‌آنان است که به خیر یا به شر، می‌توانند استفاده کنند که تعبیر ترس از مکر زنان اشاره به این مطلب نیز دارد.



۲. هنر عشق‌ورزی در پرتو حجاب

جامعه‌شناسان دینی معتقدند؛ مرد برخلاف آنچه نخست تصور می‌رود، در عمق روح خویش از ابتدال زن و از تسلیم و رایگانی او متنفر است. مرد همیشه عزت و استغنا و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است؛ یعنی عشق در زمینه فراق‌ها و دست‌نارسی‌ها می‌شکفتد و هنر و زیبایی در زمینه عشق رشد می‌یابد. امروز یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و آمریکا وجود دارد خلأ «عشق» است. در کلمات دانشمندان اروپائی زیاد این نکته به چشم می‌خورد که اولین قربانی آزادی و بی‌بندوباری امروز زنان و مردان، عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق‌هایی از نوع عشق‌های شرقی از قبیل عشق‌های مجنون و لیلی و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی‌کند. از داستان‌های اساطیری ایران چنین بر می‌آید که زن بر اثر دور نگاه‌داشتن خود از دسترسی مرد تا کجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است! قطعاً درک زن این حقیقت را در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز، تأثیر فراوان داشته است.

۳. سلامت خانواده و جامعه، در گرو قانون یا اصل حجاب

نشانه بودن «حجاب» برای «عفاف» گریزناپذیر است. پوشش، نشان عفاف است زیرا که عفت و حیا، خصلتی انسانی است و مورد پذیرش تمامی انسان‌ها بوده و هست؛ و انسان‌های بزرگ و ادیان آسمانی نیز بدان توصیه کرده‌اند. در شریعت اسلامی نیز بر آن تأکید فراوان شده است. همین خصلت انسانی یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی بوده است.

خانم «هایکی» از شهر «اولدنبورگ» آلمان فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد و علوم اجتماعی از دانشگاه Oldenbury می‌باشد وقتی مسلمان می‌شود مصاحبه‌ای انجام می‌دهد و می‌گوید: «اوایل بدون حجاب بوده‌ام، ولی به نتایجی رسیدم و قانون حجاب را نیز در اسلام پذیرفتم. من مطالعات زیادی داشتم. در این خصوص با



مطالعات دوره‌ای به این نتیجه رسیدیم که سلامت خانواده و جامعه در گرو پیدا شدن قانون یا اصل حجاب است. ترویج مصرف‌گرایی و مسائل جنسی و سکسی و عرضه زیبایی‌های زن در این راستا منجر به انحراف انسان از مسیر اصلی زندگی‌اش می‌شود. در جوامع به اصطلاح آزاد که تبلیغات مداوم، زنان را به سوی جلوه‌گری و عرضه و نمایش خویش می‌کشد و زیبایی‌های زن مرتب از طریق رسانه‌ها به جامعه عرضه می‌شود، در مردان که از احساس جنسی قوی‌تر برخوردار هستند یک نوع احساس عدم رضایت نسبت به همسر خودشان به وجود می‌آورد و همسرشان نمی‌تواند آنان را ارضا کند. عرضه انواع مختلف جلوه‌های زنان، آنان را از همسران خویش سیر کرده و در نتیجه به دنبال شخص دیگری می‌روند. حجاب محدودیتی در زمینه سلامت روانی جامعه و خانواده به وجود می‌آورد. البته حجاب، هم بایستی در لباس و هم در رفتار باشد».

۴. حجاب، فرهنگ جنسی

بعضی کارشناسان اعتقاد دارند که حجاب یک «فرهنگ جنسی» است که سبب گرم واقع شدن غریزه جنسی در سطح یک جامعه و هدایت ارضای آن در قالب خانواده می‌شود. نقش حجاب در حفظ نشاط جنسی مقاله‌ای است که ابراهیم فیاض، استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران مطرح کرده است و بیان می‌کند: «به همین دلیل امروزه شرق به علت محور قرار دادن ارضای جنسی و حجاب، جنسی‌تر از غرب قرار داده شده است و تاریخ شرق و غرب نیز مؤید مسئله است و شاید به همین دلیل است که عرفان شرقی در هند و عالم اسلام به زبان جنسی بیان می‌شود؛ مثل شعر حافظ و ابن عربی که فص محمدیه را فص نکاحیه و جنسی نامیده است؛ به همین دلیل است که معنویت از جنسیت جدا نیست و حجاب علاوه بر حفظ کرامت انسانی، سبب رشد انگیزه جنسی در جامعه و نیز رشد نشاط جامعه اسلامی می‌شود، بدون آنکه به سستی و لهو و لعب دچار شود».



۵. حجاب، مخالفت با هوای نفس

یک سؤالی از سفیر فرانسه پرسیده شد که زنان فرانسه تحت تأثیر جواب آن قرار گرفتند این سؤال استراتژیک، این است که شما چرا خلاف قانون اساسی تان باحجاب مخالفت می‌کنید؟ «وی پاسخ داد: حجاب یک نوع پوشش نیست بلکه پرچمی است برای یک مکتب، برای یک دین، که آن دین مبنایش مخالفت با هوای نفس است. تمدن غرب مبنای اش موافقت با هوای نفس است اگر بشود نشان دهید که یک دختر یا یک زن می‌خواهد با هوای نفس خود مخالفت کند. دلش می‌خواهد با دلم می‌خواهدهای خودش، مخالفت کند آغاز فروپاشی تمدن غرب است.»

۶. حجاب، حقوق روانی و شهروندی مردم

فلسفه حجاب را می‌توان در این جمله یافت که: حجاب به عنوان یک ارزش دینی اجباری نمی‌شود بلکه به خاطر حقوق مردم است (حقوق روانی مردم) که اجبار می‌شود و این نوعی حق الناس است.

رحم و شفقت در حجاب مطرح است، کسی که حجاب را رعایت می‌کند نسبت به دو قشر شفقت نشان می‌دهد، اول نسبت به دخترهای دیگر که آن‌ها را به چالش نمی‌کشد و آن‌ها را به رقابت‌های بی‌ارزش نمی‌کشاند. خانمی که اهل رحم و شفقت است و کوچک‌ترین حیا و نجابتی درونش وجود دارد، می‌بیند نزدیک شدنش به یک خانواده باعث می‌شود مرد آن خانواده نسبت به همسر خود دلسرد می‌شود به سرعت خودش را جمع می‌کند. اصلاً دین هم اگر در میان نباشد متین‌تر رفتار می‌کند. دومین گروهی که مورد شفقت قرار می‌دهد مردان است که ذهنشان را درگیر نمی‌کند.^۱



حکمت و جوب و تأکید حجاب زنان در اسلام به نظر شهید مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه در کتاب با ارزش مسئله حجاب، بعد از آنکه فلسفه‌ها و توجیهاتی را که مخالفین اسلام برای حجاب تراشیده‌اند با منطق نیرومند رد می‌کند، می‌فرماید: ما برای پوشش زن از نظر اسلام فلسفه‌ای خاصی قائل هستیم که از نظر عقلی آن را موجه می‌سازد و از نظر تحلیل می‌توان آن را مبنای حجاب در اسلام دانست.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است:

۱. بعضی از آن‌ها جنبه روانی دارد.
 ۲. بعضی جنبه خانه و خانوادگی دارد.
 ۳. بعضی دیگر جنبه اجتماعی دارد.
 ۴. بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.
- حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

اکنون به شرح چهار قسمت فوق می‌پردازیم:

۷. آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده در می‌آورد. غریزه‌ی جنسی غریزه‌ای نیرومند است همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود. لهذا

اسلام برای رام کردن این گریزه به زنان دستور داده است با پوشش در جامعه حاضر شوند.

۸. استحکام پیوند خانوادگی

شکی نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه‌ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانواده بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

۹. استواری جامعه

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. حقیقت این است که این وضع بی‌حجابی جوامع ما از مختصات جامعه‌های پلید سرمایه‌داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول‌پرستی‌ها و شهوت‌رانی‌های سرمایه‌داران غرب است.

اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف‌کننده‌ی لایقی برای سرمایه‌داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده‌ی آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.





۱۰. ارزش و احترام زن

مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد. از نظر مغز و فکر نیز تفوق مرد لاقابل قابل بحث است. زن در این دو جبهه در برابر مرد قدرت مقاومت ندارد، ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسایل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود.^۱ یکی از مسئولان غربی گفته که اگر به جای بمب بر سر مردم افغانستان دامن کوتاه می‌ریختیم تا الآن پیروز شده بودیم.

جالب است این مطالب را علنی می‌گویند و ابایی از افشای آن ندارند. لذا با کور کردن فطرت انسان‌ها آن‌ها را به سوی بی‌حجابی سوق می‌دهند و نتیجه این می‌شود که در ایران خودمان با وجود فطرت بیدار، رضاخان با زور و اجبار نتوانست بی‌حجابی را رواج دهد ولی می‌بینیم در زمان خودمان بعضاً، دختران و زنان باحجاب ما، به اختیار حجاب و عفت کناری می‌نهند اما زنانی که در غرب و بی‌حجابی‌اند، با بیدار شدن فطرت و تعقل حجاب اختیار می‌کنند به همین خاطر چند مورد را برای توجه بیشتر ذکر می‌کنیم؛ و دلایلی که برای انتخاب حجاب ذکر می‌کنند، جالب است.

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۵، همان.

۲. مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات: <http://www.jc313.ir/10224>

زنان تازه محجبه شده جهان از دليل باحجاب شدنشان می گویند

۱۱. ماشا الیلکینا (باحجاب شدم تا به خدا برسم)



زیبایی ماشا برای همه آشکار است... و همه نگاهها را جذب می کند!
این دختر روسی می گوید از جلوه های کاذب که همان بی حجابی و آرایش
است بدش می آید و الآن خوشبخت است...





می‌گوید: حتی لحظه‌ای به ذهنم خطور هم نمی‌کرد که روزی به حج بروم و از بهترین و گواراترین آب، یعنی آب زمزم بنوشم.

یک روز مطلع شدم که یکی از نزدیک‌ترین دوستانم بر اثر یک حادثه در شهری دیگر به حالت کما رفته است. من نمی‌دانستم که چطور می‌توانم به او کمک کنم. آن روز برای اولین بار نماز خواندم و دست به دعا برداشتم و از خدای بزرگ کمک خواستم.

روز بعد همان دوستم با من تماس گرفت و گفت: «در آن حالات بیهوشی من تو را می‌دیدم و تو خیلی زیاد به من کمک کردی!»، من در آن لحظه بسیار گریستم؛ زیرا برای اولین بار در زندگی‌ام بود که چیزی از خدا می‌خواستم.

من پنج زبان اروپایی بلد هستم و در حال حاضر در مدرسه و دانشگاه تدریس می‌کنم. ضمناً برخی از نت‌های مجاز شرعی را نیز می‌نویسم.

آن جلوه‌ها، پس از مسلمان شدن، برایم بی‌ارزش و منفور هستند. و می‌گوید از اینکه عکس‌های بی‌حجابش در همه‌جا است ناراحت نیست... دوست دارد مردم ببینند که در هر سطحی باشند باز هم می‌توانند به اسلام روی‌آورند و باحجاب شوند!

امضا: ماشا الیلکینا... باحجاب شدم تا به خدا برسم!



۱۲. آلیسا حسینووا (باحجاب شدم تا مادر خوبی باشم)

۲۵

فصل اول: بعضی از علل و فلسفه حجاب



مدت‌هاست که زنان با پوشش اسلامی (روسری) در جای‌جای شهر «قازان» - پایتخت جمهوری تاتارستان (از جمهوری‌های خودمختار کشور روسیه) - دیده می‌شوند. آن‌ها را در مغازه‌ها، دانشگاه‌ها، مترو و در تمام خیابان‌های شهر می‌توان دید.

او در سال ۲۰۰۴ آلبومی تولید نمود که در رده بهترین‌های موسیقی روسیه جای گرفت. وی تنها در روسیه شهرت پیدا نکرد، او را به فستیوال‌های موسیقی مهم خارجی دعوت می‌نمودند. موفقیت‌های بسیاری در انتظار این ستاره روس بود، اما او ناگهان از همه آن‌ها دست کشیده و صحنه نمایش را به کلی ترک گفت. همه اعضای خانواده آلیسا به دین اسلام مشرف شده‌اند: شوهر او «آحمد»، برادر کوچک‌تر او «بولات» و مادرش که در مدرسه عالی قازان به نام «محمدیه» درس می‌خواند.



او می‌گوید: «متولد شدن دخترم در جهان بینی من تأثیر به‌سزایی گذاشت. در گذشته، من می‌خواستم هر دو نقش مادری و خوانندگی را با هم ایفا کنم؛ اما پس از چندی متوجه شدم که چنین کاری به دلیل گرفتاری‌های زیاد کار خوانندگی امکان‌پذیر نیست».

پرستار گرفتن برای کودک هم اصلاً در خصوصیات یک تاتار نیست. حتی در زبان تاتاری نیز لغتی بنام «پرستار» دیده نمی‌شود. چون ملت تاتار به هیچ‌کس اعتماد ندارد تا فرزند خود را به او بسپارد.

هم اکنون وقت خود را صرف دخترم «مریم» می‌نمایم و به او یاد می‌دهم که آفریدگار خود را فراموش نکند.

آنچه برای من اهمیت دارد این است که هم اینک عضو یک خانواده با ارزش و پولادین هستم و در سایه شوهرم احساس آرامش و رضایت می‌کنم و همانند یک زن حقیقی، به فرزند خود رسیدگی می‌کنم.

می‌گوید: «می‌دانی! من دیگر نمی‌خواهم در مقابل جمعیت قرار بگیرم. من از موسیقی مأیوس شده‌ام و دیگر نمی‌خواهم برای جلب رضایت افراد معتاد به موسیقی، آواز بخوانم! و همچنین نمی‌خواهم سعی کنم که آن‌ها خوششان بیاید».

امضا: الیسا... باحجاب شدم تا مادر خوبی باشم!

۱۳. امیلی فرانسوا (باحجاب شدم چون مسلمان شدم)



برنده‌ی اُسکار ۱۹۹۵ هنگامی که او ۱۲ ساله بود. هشت سال بعد او مسلمان و محجبه شد.

آشنا شدن او با مسائل اسلامی و گفتگو کردن با دوستان مسلمان، باعث شد که نگرشی مثبت نسبت به اسلام پیدا کند. تمام سؤالات فلسفی او راجع به معاد، زندگی، اینکه برای چه به این دنیا آمده‌ایم، سرنوشت انسان‌ها چه خواهد بود و اینکه هر کس سرنوشت خودش را با اعمال خودش می‌سازد و.... همه و همه را با خواندن قرآن دریافت. او در این زمینه می‌گوید: «شروع مطالعه قرآن و مخاطب قرار دادن تمام بشریت از لحاظ روانی من را سر جایم می‌خکوب کرد».





محتوای قرآن حکایت از کتاب‌های مقدس پیشین می‌کرد، به‌گونه‌ای که من هم آن را متوجه می‌شدم و هم بسیاری از شک و تردیدهاییم را نسبت به مسیحیت از بین می‌برد. قرآن، من را به بلوغی رساند که متوجه شدم سرنوشت من در گروهی اعمالی است که مسئولیتش به عهده‌ی خود من است. در دنیایی که نسبی‌گرایی بر آن حاکم است، مطالعه قرآن که اهداف معنوی و بنیادهای اخلاقی را مطرح می‌کند برایم بسیار جذاب بود. به عنوان شخصی که به فلسفه علاقه‌مند بوده است، قرآن حد‌اعلای تمام تفکرات فلسفی است. به نحوی سازمان‌دهی شده است که به تمام سؤالات عمیق فلسفی که در طول قرن‌ها در مورد وجود انسان مطرح شده است و به اساسی‌ترین آن‌ها که «چرا ما اینجا هستیم؟» پاسخ می‌دهد. این‌ها باعث شد که امیلی، دیگر دست از خواندن و تفکر درباره قرآن بردارد؛ و بالاخره امیلی مسلمان شد و نام «مریم» را برای خود انتخاب کرد. مریم فرانسوا در حال حاضر جوانی ۲۸ ساله است و در حال کامل کردن دکترای خود در دانشگاه آکسفورد در زمینه مطالعات مربوط به مشرق زمین است. او مدرک کارشناسی‌اش را با درجه ممتاز در زمینه سیاست‌های خاورمیانه از دانشگاه جورج تاون و مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی و اجتماعی‌اش را از دانشگاه کمبریج دریافت کرده است.

امضا: مریم... باحجاب شدم چون مسلمان شدم!

۱۴. سارا بوکر (باحجاب شدم چون برده‌ی مد بودم)



دختری که یکی از مدل‌های بسیار معروف آمریکا است... به طور کلی باحجاب می‌شود و نقاب می‌زند!

من یک زن آمریکائی هستم که در مرکز آمریکا به دنیا آمده‌ام. من مانند هر دختر دیگری بزرگ شدم. با علاقه خاطر شدید به زرق و برق زندگی در «گران شهرها». در نهایت من به فلوریدا و از آنجا به ساحل جنوبی میامی نقل مکان کردم. یک منطقه برای آن‌هایی که در جستجوی «زندگی پر زرق و برق» هستند. طبیعتاً، من آنچه که یک دختر معمولی غربی انجام می‌دهد را انجام می‌دادم.

من به ظاهر و جذابیت و گیرائی خودم توجه داشتم. من مرتباً ورزش می‌کردم و یک مربی شخصی شدم. یک خانه شیک لب دریا خریدم و توانستم یک سبک زندگی «باکلاس» برای خود فراهم کنم.

سال‌ها گذشت تا متوجه شوم که هر چه بیشتر در جذابیت زنانگی‌ام پیشرفت می‌کنم درجه رضایت شخصی و خوشبختی‌ام پایین می‌آید.





من برده مد بودم. من گروگان ظاهرم بودم.

من در فرار از الکل و مهمانی‌ها (پارتی‌ها) به مراقبه (مدیتیشن) و مذاهب غیرمترعارف پناه می‌بردم؛ و در نهایت متوجه شدم که تمامی آن‌ها فقط یک مسکن هستند و نه یک درمان مؤثر!

یازده سپتامبر ۲۰۰۱، زمانی که من شاهد رگبار پی‌درپی اسلام، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی و اعلام شرم‌آور «جنگ صلیبی جدید» بودم، توجهم به چیزی به نام اسلام آغاز شد. تا آن زمان، تمام چیزهایی که برای من با اسلام تداعی می‌گردید عبارت بودند از: زنان پوشیده در «چادر» کتک زندگان زنان (همسران)، حرام‌ها و یک دنیا ترور و وحشت!

یک روز من با قرآن، کتابی که در غرب به‌طور منفی معرفی شده است برخورد کردم. در ابتدا سبک و نحوه برخورد قرآن مرا تحت تأثیر قرار داد و سپس نگاه آن به هستی، زندگی، آفرینش و ارتباط میان خالق و مخلوق مرا به شگفتی آورد. من قرآن را خطابه‌ای مملو از بصیرت و بینش برای قلب و روح، بدون نیاز به هیچ مترجم و کشیشی یافتم.

من یک چادر زیبای بلند و یک پوشش سر که شبیه لباس عرفی زنان مسلمان است خریداری کردم و در خیابان‌ها و محله‌هایی که روزهای پیشین با شلوار کوتاه و یا با لباس کار «شیک» سبک غربی در آن‌ها راه می‌رفتم، ظاهر شدم. اگرچه مردم، چهره‌ها و مغازه‌ها همه همان‌ها بودند، اما یک چیز به طرز چشمگیر و استثنائی متفاوت بود، من همان نبودم و آرامشی که من برای اولین بار در زن بودن تجربه کردم.

من احساس کردم که همه زنجیرها پاره شده‌اند و من بالاخره آزاد شده‌ام. من از چهره‌های حیرت زده جدید مردم، در مکانی که زمانی چهره‌های که پر از نگاه‌های شکارچی بر شکار بود را تجربه کرده بودم، لذت می‌بردم. ناگهان یک‌بار از



دوش من برداشته شد. من دیگر تمامی وقتم را صرف خرید، آرایش، درست کردن موهایم و تمرین بدنی برای خوش اندام شدن نمی کردم. سرانجام، من آزاد شدم! من نظر همسر مسلمانم را که پس از اسلام آوردن با او ازدواج کردم، درباره گذاشتن نقاب و یا بسنده کردن به حجاب را جويا شدم. به نظر او حجاب در اسلام امری واجب است، در حالی که نقاب نیست. در آن زمان، حجاب من شامل پوشش سری که تمامی سر مرا به جز صورتم رامی پوشاند و یک ردای سیاه بلند گشاد بنام «عبا» که تمامی بدن مرا از گردن تا نوک پا را می پوشاند، بود. بدین دلیل است که من استفاده از نقاب را انتخاب کرده ام و تا پای مرگ از پوشیدنش دفاع خواهم نمود.

به شما زنانی که مفاهیم زشت کلیشه‌ای علیه حجاب فروتنانه اسلامی را می پذیرید، می گویم که: شما نمی دانید که چه چیزی را دارید از دست می دهید!
امضا: سارا... باحجاب شدم چون برده‌ی مد بودم!

۱۵. سوزان کارلاند (باحجاب شدم چون حجاب سنبل دین اسلام است)

سوزان کارلاند، در منطقه فیرمونت استرالیا متولد شد. در ۱۲ سالگی به سوی موسیقی کشیده شد و دروس مذهبی را کنار گذاشت ولی در ۱۴ سالگی دوباره به کلیسا پیوست، کلیسایی که به گفته خود او افرادی ادعا می کردند که شب‌ها خدا با آن‌ها صحبت می کند او دیگر نمی توانست این چیزها را تحمل کند و برخلاف سابق همانند دیگر نوجوانان هم سن و سال خود به جشن‌های شبانه و مسافرت‌های طولانی نمی رفت. در سن ۱۷ سالگی تصمیم گرفت که در مورد ادیان تحقیق کند که صد البته اسلام شامل این لیست نبود. به گفته او دین اسلام طوری برایش ترسیم شده بود که نشان می داد دینی خشونت طلب است!



او در این باره می‌گوید: «دین اسلام توجه مرا به خود جلب کرد. در تلویزیون برنامه‌های مستندی را در مورد دین اسلام می‌دیدم و یا مقالاتی را راجع به دین اسلام در روزنامه‌ها می‌خواندم؛ تصمیم گرفتم در این مورد نیز به تحقیق بپردازم. اسلام ما را به رحمت و مودت بین همدیگر دعوت می‌کرد و از همه مهم‌تر مسئله‌ای که مرا به خود جذب کرد مسئله عقل و جسد و روح است که در مسیحیت هر کدام به مانند یکی از ارکان است، اما در اسلام این سه عامل از هم جدا نیست. یادم می‌آید هنگامی که می‌خواستم مسلمان شوم تمام دوستان و خانواده‌ام را از این اتفاق با خبر ساختم. علی‌الخصوص مادرم که بر حسب اتفاق شبی که من مسلمان شدم مادرم گوشت خوک سرخ کرده بود تا برای شام مصرف کنیم اما وقتی مادرم متوجه شد که من دیگر مسلمان هستم ونمی‌توانم دست‌پخت او را بخورم به گریه افتاد و مرا در آغوش کشید. بعد از چند روز من محجبه شدم».

به نظر من در مورد مسئله حجاب کمی بزرگنمایی شده است؛ حجاب برای من مانند این است که به خدا نزدیک شده‌ام و سمبلی برای زن مسلمان به شمار می‌رود و یک زن به این طریق اعلام می‌کند که او نماینده دینش است.

متأسفانه بعد از اینکه حجاب گذاشتم در خیابان‌ها با تنگ‌نظری مواجه شدم و بعضی از دوستانم با من قطع رابطه کردند؛ اما اینک که بعد از پنج سال از اسلام من گذشته است و من به سن بیست‌و‌چهارسالگی رسیدم دوستان زیادی أعم از مسلمان و غیرمسلمان دارم. شوهرم نیز مسلمان است که در استرالیا به دنیا آمده است.

من اکنون عضو فعالی در جامعه هستم که به اسم اسلام در کلیساها و مدارس غیر اسلامی به سخنرانی می‌پردازم کما اینکه به کمک پناهندگان نیز می‌پردازم. من به عنوان مسلمان نمونه سال در استرالیا انتخاب شدم، جایزه‌ام را که بالغ بر

۲۰۰۰ دلار بود را به این شرط تحویل گرفتیم که بتوانیم آن را در استرالیا بر سازمان‌های اسلامی و غیر اسلامی بشر دوستانه توزیع کنیم.

اما من هیچ‌گاه تسلیم نشده‌ام و هرگز نیز از اینکه مسلمان شده‌ام پشیمان نیستم.

امضا: سوزان... باحجاب شدم چون حجاب سنبل دین اسلام است!۱

۱۶. حنان ترک (باحجاب شدم تا ستاره‌ی آسمان‌ها باشم)

«حنان ترک» بازیگر مصری که چندی پیش بعد از مدت‌ها حجاب را اختیار کرده است، از اینکه دیر هنگام حجاب را برگزیده است، اظهار پشیمانی کرد.

به گزارش باشگاه خبری فارس به نقل از پایگاه خبری نورت مصر، حنان ترک بازیگر مصری با اشاره به هفت سال تفکر برای انتخاب حجاب، گفت: این دوران، دوران زیانباری بود و ای کاش از روز اول حجاب را انتخاب کرده بودم.

وی در پاسخ به این سؤال که پیش از این در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی بدون حجاب بوده و اینک اگر آن فیلم‌ها را ببیند چه احساسی دارد گفت: حنان ترک اول، یک بازیگر بود و حنان ترک دوم، یک زن محجبه است.

این خواننده مصری در پاسخ به این سؤال که باحجابت به کجا می‌خواهی برسی؟ گفت: مدتی ستاره اهل زمین بودم و از خدا می‌خواهم تا مرا به ستاره آسمان‌ها تبدیل کند.

وی افزود: برای روز قیامت با اطاعت خدا و عمل خیر و کمک به ایتم تلاش خواهم کرد.

وی همچنین با رد هرگونه پیشنهاد بازیگری بدون حجاب گفت: ۸۰ درصد از مردم مصر محجبه هستند و چه کسی باید اینان را نمایندگی کند؟

امضا: حنان ترک... باحجاب شدم تا ستاره‌ی آسمان‌ها باشم!۲

۱. همان.

۲. همان.





۱۷. فینا مالک (باحجاب شدم چون توبه کردم)

فینا همان دختری است که بدن بی لباسش همیشه بازیچه مردم، روی مجلات بود.

این مانکن و بازیگر پاکستانی با دعوت یکی از روحانیون مسلمان برای گذراندن ماه‌عسل با همسرش به مکه رفت و پس از انجام مناسک حج از این شغل کناره‌گیری کرد و همه را شگفت‌زده کرد.

فینا مالک گفت: در مکه توبه کردم و از خداوند خواستم که مرا پاک گرداند و به پروردگارم قول دادم که برای همیشه:

- از این شغل کناره‌گیری کنم.

- از این پس پوشش حجاب را رعایت می‌کنم و به نماز توجه ویژه‌ای

خواهم داشت.

- از برنامه‌های دینی و اجتماعی حمایت خواهم کرد و فقط در

فیلم‌هایی بازی می‌کنم که به مسائل دینی و اجتماعی اهمیت داده شود.

فینا گفت که می‌خواهد یک برنامه‌ی اسلامی را تولید کند تا به جوانانی که به

راه‌های انحرافی می‌روند کمک کند.

امضا: فینا... باحجاب شدم چون توبه کردم!

۱۸. فلکسیا ییب (باحجاب شدم چون حجاب نور است)

فلکسیا سال پیش هنوز به دین اسلام وارد نشده بود که محجبه بودنش را

اعلام کرد، علت محجبه شدنش این بود که گفته بود: ارزش من بیشتر از آن است

که بدن خود را به دیگران نشان دهم و حجاب احساس امنیت و شادی و محافظت

را به من می‌دهد.



اما در سال ۲۰۱۴ میلادی، فلکسیا با گذاشتن عکس محجبه‌اش در شبکه اجتماعی‌اش به طور رسمی مسلمان شدنش را اعلام کرد. این روز که روز تولد وی بود برایش یک روز تاریخی است.

این مدل زیبا درباره اسلام آوردنش گفت که: دوستانش با وی مخالف بودند اما مادرش از بابت پیشرفت زندگی او خوشحال است.

فلکسیای ۲۷ ساله گفت که با محجبه شدنش همچنان به فعالیتش در مدلینگ ادامه خواهد داد و وی در شبکه اجتماعی خود نوشت: «حجاب تاریکی نیست... بلکه نور است!»

امضا: فلکسیا...باحجاب شدم چون حجاب نور است!^۱

قهрман زندگی خود باشید...^۲

۱. همان.

۲. همان.



مصاحبه دختر دانشجوی بی حجابی که، چادری شد

۱۹. حجابم حاصل یک دوره تغییر مستمر بود

سرویس اجتماعی «فردا»: ز- ف یکی از دانشجویان درس خوان و باهوش در دانشگاه تهران است. او از بچگی در یک خانواده متوسط تهرانی زندگی کرده است. خانواده او اگر چه به مسائل دینی و اعتقادی بی توجه نبوده‌اند، اما چنان که باید به مسئله حجاب و پوشش توجه نداشته و چون در اطرافیان خود کمتر محجبه داشته‌اند، ریسک حجاب کامل و برخوردهای متفاوت اطرافیان را به راحتی نمی‌پذیرفتند.

او پس از مدتی آشنایی و دوستی با یکی از دوستان چادری خود تصمیم می‌گیرد حجاب کامل و چادر را برگزیند، وی که قبل از آن مانند اکثر مانتویی‌ها، اهل آرایش و پوشیدن لباس‌های جذاب در بیرون از منزل بوده است برای ما از تجربیات پس از چادری شدن خود می‌گوید:

چند وقت می‌شود که از این انتخاب می‌گذرد؟

الآن که این سال‌ها را می‌شمارم باورم نمی‌شوم که ۷ سال گذشته است. بله ۷ سال.

چطور شد که فکر کردید باید در پوشش خود تغییر ایجاد کنید و

چگونه این اتفاق افتاد؟

راستش این تصمیم ناگهانی و یک‌شبه نبود. حاصل یک دوره تغییر مستمر بود. اول با دوستی با یک خانم محجبه، مؤمن و خوش‌برخورد و ارتباط دوستانه و صمیمی با او مشتاق شدم به اینکه در خودم تغییر ایجاد کنم. هرچند به خاطر ندارم او مستقیماً حرفی به من در زمینه حجاب زده باشد. کم‌کم خودم به جای مانتوهای کوتاه از مانتوهای بلندتر و ساده‌تر خوشم آمد.

بعد حجاب موهایم مرحله به مرحله کامل‌تر شد، سپس تصمیم گرفتم چادر سر کنم دنبال بهانه می‌گشتم مثلاً برنامه‌ریزی کردم به سفر مشهد بروم و بعد از

این که از حرم بیرون آمدم دیگر چادرم را در نیاورم و به همه اعلام کنم چادری هستم.

اما در همان مدتی که تا سفر مانده بود نتوانستم صبر کنم و یک روز صبح چادر سرم کردم و بیرون رفتم. واقعاً کار آسانی نبود ولی هر چه بود ارزشش را داشت و من خیلی زود شیرینی‌اش را حس کردم.

چه چیزش خیلی آسان نبود؟

درگیر شدن با خانواده و به‌ویژه مادرم. چون خانواده‌ام با چادری بودنم موافق نبودند. تا وقتی چادر سر نکرده بودم ولی با مانتو حجابم کامل بود استقبال هم می‌کردند و خیلی راضی بودند اما با چادر مشکل داشتند چون می‌دانستند ممکن است در خانواده موجب شود من را مورد تمسخر قرار دهند.

این اتفاق خوشایند ایشان نبود و من از طرفی به شدت دوست داشتم چادر سرم کنم و از طرف دیگر می‌خواستم رضایت پدر و مادرم را جلب کنم چون رضایت خداوند در گرو رضایت آنان بود.

واکنش بقیه نسبت به این انتخاب چه بود؟

خانواده‌ام در مرحله اول استقبال نکردند و ناراحت بودند، ولی حتی مادرم که اصلاً موافق نبود با گذر یک سال آن‌قدر از این اتفاق خوشحال بود که مدام به آن در جمع و خلوت افتخار می‌کرد و آن را مایه مباهات خودش می‌دانست. حالا هم دوست دارد خواهر کوچک‌ترم چادر سر کند ولی او را مجبور نمی‌کند و به نظر من کار درستی می‌کند.

بقیه اعضا خانواده هم اولش کمی با نگاه‌های عجیب و غریب به من نگاه می‌کردند و هر از گاهی متلک‌هایی هم می‌انداختند. ولی به یک سال نکشیده دو سه نفر از دخترهای دیگر فامیل هم چادر را انتخاب کردند و به نظر من این اتفاق به سختی نگاه‌ها و طعنه‌ها می‌چربید.





در غیر از محیط خانواده چطور؟

در دانشگاه خیلی جالب بود دوستان قدیمی فکر می‌کردند من از اول نفوذی بسیج بوده‌ام و در مرحله اول احساس خود من این بود که دوستان تازه‌ام در بسیج و تشکل‌هایی که تازه در حال جذب شدن به آن بودم حس می‌کنند من نفوذی‌ام؛ اما بعداً همه چیز حل شد ولی روزهای سختی بود احساس می‌کردم اساتید، دانشجویان چه دختر و چه پسر، همه یک‌جور خاص به من نگاه می‌کنند اما بعداً فهمیدم خیلی هم این‌طور نبوده یکی از اساتید هم چادری شدنم را به من تبریک گفت و من خیلی خوشحال شدم.

حس خود شما چه تغییری کرده بود نسبت به خودت؟

وقتی کسی چیزی می‌گفت که ناراحت می‌شدم در خلوت خودم با خدا می‌گفتم خدایا به خاطر رضای تو و نزدیک‌تر شدن به تو همه چیز را تحمل می‌کنم و بعد چراغی از شادی و شرف در دلم روشن می‌شد. انگار خداوند مرا در آغوش می‌کشید و من آرام و شاد می‌شدم.

علاوه بر این نوعی حس کامل شدن قد کشیدن و بلندتر شدن در درونم احساس می‌کردم. کم‌کم غیر از چادری شدن خیلی از کارهای دیگر را انجام نمی‌دادم با خود می‌گفتم این کار را انجام بدهم اگر اشتباه باشد به اسم همه دختر چادری‌ها تمام می‌شود پس باید مراقب رفتارهای کوچکم هم باشم. چون خودم همیشه مراقب رفتار چادری‌ها بودم.

ضمناً با گذر زمان کم‌کم نوع واکنش مردم به من باعث شد حس بهتری نسبت به خودم داشته باشم. مثلاً من می‌دیدم که یک مغازه‌دار نوع حرف زدنش و برخوردش با من با یک بی‌حجاب چقدر متفاوت است.

با هر دختر بی‌حجابی گرم می‌گیرد و راحت نگاه می‌کند و می‌خندد، اما به من که می‌رسد خودش را جمع می‌کند، سرش را پایین می‌اندازد و خیلی با احتیاط حرف می‌زند و من در این لحظه بسیار احساس غرور می‌کنم.

شما گفتید که ازدواج کردید؟ بیشتر در مورد این اتفاق و نسبتش به باحجاب شدنتان بگویید؟

این مسئله برای من خیلی مهم بود و خوشحالم از آن پرسیدید؛ چون خیلی از دختران بی حجاب فکر می کنند با آشکار کردن زیبایی شان بیشتر مورد جلب توجه قرار می گیرند و فرصت های بیشتری برای انتخاب بهتر دارند. ولی واقعیت خیلی با این تصور متفاوت است.

بله شما وقتی پوشیده نیستی بیشتر دیده می شوی؛ اما کمتر انتخاب می شوی. اگر هم انتخاب شوی باید با خود بگویی کسی که مرا به خاطر صورت آرایش کرده ام و زیبایی ظاهری ام انتخاب می کند، هر لحظه ممکن است صورتی زیباتر ببیند و تازه تر و جوان تر.

وقتی همسرم من را انتخاب کرد، مطمئن بودم برای چیزهای با ثبات و ماندگارتری مرا انتخاب کرده است. من از زندگی و همسرم بسیار راضی ام. همسرم فردی مذهبی و از خانواده ای مذهبی است و همسرم به من گفت اتفاقاً به خاطر حجاب کاملم مرا انتخاب کرده است. می خواهم بگویم من با خدا معامله کردم و در این معامله من یک قدم آمدم و خدا صد قدم آمد. این انتخاب برکاتی در زندگی ام داشت که خیلی هایش اصلاً در کلام نمی آید.

در روزهای اولی که چادر را انتخاب کرده بودید، شد که برای لحظه ای پشیمان شوید و با خود بگویید کاش این کار را نکرده بودم؟

هرگز، من اشاره کردم که با سختی هایی در این مسیر روبرو شدم ولی من به خاطر خدا این کار را کردم و کاری که برای خدا باشد پشیمانی ندارد. من شاید چیزهایی را از دست داده باشم ولی چیزهایی که به دست آوردم خیلی بیشتر و ارزشمندتر بود.





چه چیزهایی را از دست دادید؟

برخی راحتی‌های زودگذر، خب چادر سر کردن علاوه بر مصونیت محدودیت‌هایی هم دارد مثل سختی پوشیدن آن در گرمای هوا. یا برای ما که از ابتدا چادری نبودیم جمع کردن و کنترل چادر کار آسانی نبود. یا داشتن حجاب کامل در گرما کار سخت‌تری است نسبت به پوشیده نبودن. البته منظورم این نیست که این چیزها ارزشمند است ولی خب نمی‌توان انکار کرد که حجاب با خود حد و حدود و محدودیت‌هایی هم دارد.

شما اگر قرار باشد کسی را به این انتخاب تشویق و ترغیب کنید چه

می‌کنید؟

به نظر من نمی‌شود کسی از لحاظ اعتقادی مشکل داشته باشد و در مبانی اعتقادی‌اش حفره‌های جدی داشته باشد و از آن انتظار داشته باشی حجابش را حفظ کند. کسی که کلاً وجود چیز غیرمادی را منکر می‌شود و به نظرش همه چیز این دنیا خالی از روح و معنویت است را نمی‌توان با تذکر زبانی متقاعد کرد. حتی کسی را که معتقد است خدا و دین و امام و انقلاب سر جایشان هستند ولی حجاب مسئله ریشه‌ای نیست و مهم نیست، را نمی‌شود این‌طور متقاعد کرد. مسئله ریشه‌ای‌تر است. متأسفانه جای توجه عمیق و ریشه‌ای به این مسئله خالی است و همه می‌خواهند با یک تذکر یک‌باره آن‌هم در خیابان و کوچه و بازار، همه را محجبه کنند.

با این حساب شما خیلی به امر به معروف و نهی از منکر در این خصوص

معتقد نیستید؟

نه این‌طور نیست من معتقد نیستم باید هرکس با هر جور لباسی که دلش خواست به مراکز عمومی بیاید و کسی هم هیچ نگوید. ولی انتظار زیادی نباید برای تأثیرپذیری عمیق داشت.



پس راه حل به نظر شما چیست؟

به نظر من اول باید این افراد را متقاعد کرد که نه تنها کسانی که خود را مسلمان می‌دانند ولی به حجاب معتقد نیستند بلکه کسانی که دین دیگری هم دارند طبق قانون موظف به حفظ حجاب‌اند و همان‌طور که هر عمل غیرقانونی چون دزدی، کلاهبرداری و رد کردن چراغ‌قرمز کاری غیرقانونی است و باید به این خاطر قبیح دانسته شود این نیز قبیح است و در گام بعد باید اینان را متوجه این کرد که حجاب اینان در فضای عمومی امری نیست که فقط به خودشان ربط داشته باشد. چون پیامدهایی دارد که نتیجه‌اش گریبان همه را می‌گیرد.

اگر دختر شما نخواهد چادری باشد چه می‌کنید؟

من هنوز دختردار نشده‌ام، اما باید بگویم سعی می‌کنم از کودکی آن‌قدر در مبانی اعتقادی‌اش قوی بار بیاید که خود این مسیر را انتخاب کند. البته من، او را در انتخاب چادر کاملاً آزاد می‌گذارم، ولی حجاب کاملش برای من مهم است و مسلماً نسبت به آن حساسیت بیشتری نشان خواهم داد، ولی هرگز او را به چیزی وادار نمی‌کنم.

چون خودم دیده‌ام که بسیاری که به اجبار پدر و مادرشان و فضای خانواده چادر سر کرده‌اند و خود متقاعد نشده‌اند و بعداً در اولین فرصت که برایشان پیش آمده حجاب را کاملاً کنار گذاشته‌اند.^۱

۱. به نقل از الهه شمس | خبرنگار مجله اینترنتی حجاب ایرانی:



علت حجاب دختران ایرانی محجبه ساکن خارج کشور

تا حالا این سؤال برای شما پیش آمده که چرا بعضی از دخترهای ایرانی ای که قسمت اعظم عمرشان یا همه آن را خارج از ایران زندگی کرده‌اند، باحجاب هستند؟ آیا واقعاً حجاب انتخاب خودشان است یا نزدیکانشان مجبورشان کرده‌اند؟ حالا که حجاب دارند، واکنش مردم کشوری که در آن زندگی می‌کنند چگونه است؟ رفتارهایشان فرق می‌کند؟

این سؤالات را «الهه شمسی» نویسنده گاهنامه فرهنگی و اجتماعی بانوان ایرانی در یکی از انجمن‌های ایرانیان خارج نشین مطرح کرده است. ۴ نفر به این سؤالات جواب داده‌اند: ۳ ایرانی و ۱ آمریکایی. جواب‌های ۳ نفر رو از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است و چهارمی رو از پینگلیش به فارسی!

نفر اول

۲۰. به دلایل شخصی و مذهبی حجاب دارم

اسم: رؤیا

سن: ۲۰

کشور: کانادا

بنا به دلایل مذهبی و شخصی حجاب دارم. راستش بیشتر مردم کانادا به من احترام می‌گذارند ولی گاهی از من می‌پرسن که چرا روسری سر می‌کنم و توضیح می‌دهم که این کار جزو دستورات دینمه و به عنوان یک دختر مسلمان باید جلوی نامحرم‌ها موهایم را بپوشانم. ولی متأسفانه بعضی از ایرانی‌ها بد رفتاری می‌کنند. می‌دونم، سیاست و مذهب رو قاطی می‌کنن. به نظر من هر کسی حق داره که راه خودشو تو زندگیش انتخاب کنه و هیچ کس حق نداره که به عقاید دیگران توهین کنه. همون جور که ما به دیگران احترام می‌ذاریم، دیگران هم باید به ما احترام بذارن.



نفر دوم

۲۱. حجاب اسلحه ای در دست من است

اسم: الهه

سن: ۱۶

کشور: کانادا

من خانواده‌ام زیاد مذهبی نیستن. مادرم نسبتاً مذهبی اما بیشتر کلاً سنتی‌اند تا مذهبی. از اون موقع که یادمه سعی کردم با قانون خدا یا این آدم‌ها پیش برم چون می‌دونم اگه این طوری نکنم به ضررم تموم میشه. می‌دونم فرق آدم با دین با بی‌دین اینه که اونمی که دین داره همیشه به اسلحه دستشه حتی اگه اون اسلحه اضافی باشه یا سنگینی کنه.

مثل این می‌مونه که ۲ تا آدمو بفرستن تو یه جنگلی که نمی‌شناسی بگن ترجیح می‌دی این اسلحه سنگین دستت باشه که اگه یه موقع موجودات بهت حمله کنن بتونی باهاشون مقابله کنی یا بدون اسلحه بری چون فکر می‌کنی این جنگل خطرناک نیست. من چون شخصاً به بهشت و جهنم و خدا اعتقاد دارم، همیشه سعی کردم این اسلحه تو دستم باشه. البته شاید حجابم کامل نباشه، شاید اخلاقم کاملاً درست نباشه، شاید دلم شیشه‌ای نباشه اما می‌دونم یه خدایی اون بالاست که آنقدر بخشنده اس که به خاطر سعی‌ای که من می‌کنم گناهامو می‌بخشه و آنقدر مهربانه که مهر و تو دلای تک‌تک ما گذاشته تا به هم محبت کنیم.

من در مورد دین‌های مختلف قبلاً تحقیق کردم و حتی حق انتخاب هم داشتم، اما در آخر دیدم که همین اسلام از همشون بهتره. شاید این حجاب باعث بشه که مردم به درون و قلبت بیشتر توجه کنن تا... بعدشم اگه طرف مقابل خدا رو قبول داشته باشه دیگه چرا نمیگه و اگر هم گفت مطمئناً دلیلش حتماً به نفعته... اینجا یهودیا یه سریاشون حجاب می‌ذارن اما خیلی پوشیده‌ان و مسلمونا هم خوب یه



سرباشون میذارن. تقریباً ۹۹٪ آدمایی که من میشناسم خیلی احترام میذارن و خیلی‌ها هم تشویق می‌کنن.

نفر سوم

۲۲. از مسیحیت به اسلام تغییر آیین دادم و با حجاب شدم

اسم: لوری

سن: ۲۸

کشور: آمریکا

از ۱۹ سالگی که به اسلام تغییر مذهب دادم حجاب دارم. انتخاب خودم بود و والدینم چون مسیحی بودند از من چنین چیزی نخواستند. ازدواج هم نکرده بودم که شوهرم از من بخواهد تا حجاب داشته باشم و کسی نیز در مسجد این حس را به من القاء نکرد که مجبورم باحجاب باشم. اوایل که حجاب داشتم دلیل آن را درک نمی‌کردم به جز اینکه برای عفاف است و این که کار خوبی به نظر می‌رسید. کم‌کم که در مورد دین جدیدم یاد می‌گرفتم پرمعناتر شد و الآن خوشحالم که محجبه هستم.

از زمانی که حجاب دارم تا به حال در نقاط مختلفی زندگی کرده‌ام: یک شهر دانشگاهی، دو شهر بزرگ در شمال آمریکا، شهر کوچکی در شمال و شهری متوسط در جنوب که نزدیک یک پایگاه نظامی بود. چند وقتی هم در اکراین و اسپانیا بودم. انتظار داشتم که در این شهر جنوبی که الآن زندگی می‌کنم و بسیار محافظه‌کار و طرفدار بوش و جنگ و غیره هستند و مسلمان کمی ساکن و مسلمان کمتری محجبه‌اند، سخت بگذرد. فکر کنم کمتر از ۱۵ زن، شاید کمتر از ۱۰ زن حجاب دارند. شگفت‌زده شدم وقتی دیدم اغلب مردم خیلی با من مهربان هستند. فکر کنم که دلیلش این باشه که از بچگی به جنوبی‌ها یاد می‌دهند که خیلی مؤدب و مردم‌دار باشند حتی اگر از کسی خوششون نمی‌آد. کسی چه می‌دونه شاید ذهنشون بازتر از اینیه که من فکر می‌کنم. از یک موضوع دیگه هم دلواپس



بودم و اون وجود پایگاه نظامی بود، اما سربازان توجه چندانی به من نمی‌کردند. شاید هم دلیلش این بود که چندان جلب توجه نمی‌کردم چون که به جز روسری، لباس‌های آمریکایی مثل دامن و بلوز و شلوار یا پیراهن می‌پوشم. جلباب یا سراپا مشکی نمی‌پوشم.

مردم شهرها و شهرک دانشجویی خوش برخورد بودند و هیچ مشکلی حتی حول و حوش ۱۱ سپتامبر نداشتیم. شهر شمالی که زادگاهم نیز هست جای طاقت‌فرسایی است. مسلمانان انگشت‌شماری آنجا هستند و هیچ مسجدی وجود ندارد و هیچ زن باحجابی نیز تا به حال ندیده‌ام. مردم آنجا به خونگرمی جنوبی‌ها نیستند و گاهی به آدم خیره می‌شوند. فقط برای دیدن پدرم به آنجا می‌روم. در اکراین مردم خیلی به من خیره می‌شدند ولی مردم نامهربانی نبودند و فهمیدم که اصولاً مردمشان به خارجی خیره می‌شوند هر چه که می‌خواهد تنش باشد. در شهر کوچکی انگلیسی تدریس می‌کردم و جوانی آفریقایی نیز آنجا بود که مردم دائماً به او خیره می‌شدند چون به غیر از تلویزیون تا آن موقع سیاه‌پوست ندیده بودند. اسپانیا هم خوش گذشت. مردم خیلی با من دوستانه برخورد می‌کردند. تنها یک مرد به من توهین کرد که او هم مست بود بنابراین چندان توجهی به او نکردم.

نفر چهارم

۲۳. بیشتر از پنج سال تحقیق کردم، عاشق حجابم

اسم: مونا

سن: ۱۸

کشور: کانادا

اون اوایل زورکی حجاب داشتم و نمی‌تونستم با والدینی که منو مجبور می‌کردن تا برای همیشه یک تکه پارچه رو سرم بندازم زندگی کنم و کلاً برام سؤال بود که چرا اغلب مسلمان‌ها حجاب دارند. ۵ سال یا بیشتر تحقیق کردم و



الآن هم از حجابم راضی‌ام. الآن کسی مرا مجبور به داشتن حجاب نمی‌کند و تنها کسی که مجبورم می‌کند خودم هستم به جای اینکه از این اجبار متنفر باشم، عاشقشم!

۲۴. حجاب، فطرت و خصلت ذاتی بشر

برای علت پوشیدگی و حجاب جواب داده‌اند که در ناخودآگاه و غریزه و فطرت انسان پوشیدگی هست و همان‌طور که جان آدم به بعضی چیزها علاقه دارد و خواهان آن است حجاب هم این‌طور است، همان‌طور که باور به خدا فطری است. آیا این حرف علمی است؟

متد و روش علمی برای شناخت هر چیز چیست؟

برای تحقیق کار مذهبی یا جامعه‌شناسی یا انسان‌شناسی و یا هر چیز دیگر، دو متد وجود دارد: یکی متد «اکرونیک» است و یک متد «دیاکرونیک» مثلاً اگر بخواهیم بفهمیم که شعر غریزه است یا پدیده‌ای که بعداً از بین می‌رود و جزء غرایز انسان نیست. یک‌مرتبه اکرونیکمان (Echronigument) بررسی می‌کنیم و یک‌مرتبه دیاکرونیکمان (diechronigument) اگر هر دو روش وجود شعر را تأیید کرده‌اند. از لحاظ علمی می‌توانیم بگوییم که شعر جزء فطرت آدمی است و به این ترتیب عمل می‌کنیم که یک‌مرتبه شعر را به طور افقی در نظر می‌گیریم یعنی در همه ملت‌ها و جامعه‌ها در حال حاضر، بررسی می‌کنیم (که در این صورت زمان واحد است اما زمینه‌ها متعدد) بعد می‌بینیم که الآن شعر در ایران و ترکیه و بین عرب‌ها و ژاپنی‌ها و آمریکایی‌ها و کشورهای اروپایی و بدوی‌ها هست. همه‌جا هست. نتیجه می‌گیریم که به صورت افقی در همه‌جا هست. بعد ایران تنها را می‌گیریم (زمینه واحد اما در ادوار زمان) می‌بینیم که در دوره صفویه شعر و

۱. | نویسنده: الهه شمسی | گاهنامه فرهنگی و اجتماعی بانوان ایرانی | تأسیس: ۱۳۸۷.



شاعری هست. در دوره هخامنشی هم هست. در دوره ساسانی و اشکانی و مادی هم هست؛ و پیش از آن هم هست. پس به صورت عمودی هم در نظر می‌گیریم و باز می‌بینیم در همه وقت هست. از اینجا نتیجه می‌گیریم که شعر پدیده ایست در روح آدمی، برای اینکه هم آکرونیکمان بررسی کردیم و هم دیاکرونیکمان و دیدیم در همه دوره‌ها هست. این دو متد تحقیق علمی است برای همه مسائل انسانی! به همین طریق می‌توان تحقیق کرد و با این متد جامعه‌شناسی نتیجه گرفت که حجاب و پوشیده بودن انسان در روح آدمی است یا نیست.

اسناد تاریخی پنجره‌ای به سوی حقایق

برای صحبت از تاریخ و اینکه در گذشته افراد چگونه بودند باید به اسناد تاریخی رجوع کرد. برای فهمیدن اینکه مثلاً اولین عمل جراحی استخوان جمجمه انسان در طول تاریخ چه زمانی اتفاق افتاده به آثار باستانی مراجعه می‌شود و باستان شناسان می‌گویند: در چند هزار سال قبل اولین عمل جراحی مغز اتفاق افتاده است چون ما اسکلت انسانی را یافته‌ایم که با تحقیق و تفحص دریافتیم که قدیمی‌ترین عمل جراحی بر روی سر او انجام گرفته است؛ و اینکه قبل‌تر از او این عمل انجام شده یا نه دسترسی نداریم. چون دلیل علمی و تاریخی نداریم و نفیاً و اثباتاً ساکتیم؛ و نه می‌توانیم بگوییم قبل‌تر عمل جراحی مغز بوده یا نبوده است. ولی یقیناً می‌گوییم که این دانش و عمل جراحی در نیاکان ما در چند هزار سال قبل موجود بوده است.



اگر به آن بریدگی مثلثی شکل نگاه کنید، آثار اولین جراحی مغز در تاریخ را می‌بینید. این جمجمه متعلق به دختر ۱۳ ساله‌ای است که ۴۸۰۰ سال پیش در شهر سوخته در سیستان زندگی می‌کرده. بیماری او باعث زیاد شدن فشار بر مغز می‌شده که برای درمان، جمجمه را سوراخ کرده‌اند. ترمیم استخوان‌ها نشان می‌دهد که دختر بعد از جراحی زنده مانده و عمل موفقیت‌آمیز بود^۱.

ایسنا - باستان شناسان چینی بعد از کشف جسد مومیایی شده یک زن که ۳۶۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده در جریان تحقیق و آزمایش پی بردند که این زن ۴۰ ساله تحت عمل جراحی مغز قرار داشته است.

پزشکان باستانی با ایجاد حفره روی مغز بیماران خود بیماری‌هایی چون تشنج، سردرد و اختلالات روانی را درمان می‌کردند و این عمل جراحی بسیار دشوار و دردآور بوده است^۲.

۱. <http://sharesokhteh.blogfa.com/post/4>

۲. <http://www.asriran.com/>

همچنین علاوه بر مومیایی و استخوان جمجمه به جا مانده در قدیمی‌ترین نوشته‌های مکتوب در نسخ (پاپيروس) مصری به این نوع عمل جراحی اشاره شده است.

حجاب بانوان در ایران باستان

حال طبق همین روش برای مبحث حجاب به اسناد تاریخی به‌جامانده از گذشتگان رجوع می‌کنیم. منابع مورد استفاده در این تحقیق، کتیبه‌ها، نقوش و تصاویر بر جای مانده از این دوران، مطالب تاریخ‌نگاران و محققان و نیز شاهنامه حکیم فردوسی است. البته ما تعدادی از هر کدام را به انتخاب و گاهی با تلخیص ذکر می‌کنیم تا کلام طولانی‌تر از حاضر نشود.





کتیبه‌ها و تصاویر به جا مانده در آثار باستانی نشان می‌دهد حجاب بانوان در ایران باستان، یکی از کامل‌ترین پوشش‌ها در جهان باستان بوده است. حجاب بانوان کاملاً در تصاویر نقش برجسته‌ها هویدا است.

ویل دورانت در «تاریخ تمدن» پس از بیان آزادی نسبی زنان در برهه‌ای از زمان، درباره‌ی دوران پس از داریوش هخامنشی در ایران می‌نویسد: «زنان طبقات بالای اجتماع جرئت آن نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند و زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زن دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد. کنیزکان آزادی بیشتری داشتند، چه لازم بود از مهمانان خواجه‌ی خود پذیرایی کنند».



هانری رونه دالمنی، دانشمند فرانسوی، متوفای ۱۹۵۰ میلادی، پژوهشگر عرصه‌ی فرهنگ و تاریخ ایران در «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» می‌نویسد: «اگر به تاریخ مراجعه کنیم می‌بینیم که این رسم در زمان‌های پیشین هم در ایران معمول بود. زن زرتشتی با لباس بیرون بوده و مستوری - پوشیدگی و حجاب - زنان علامت شأن و شوکت و احترام محسوب می‌شده است»^۱.

استاد مرتضی راوندی در «تاریخ اجتماعی ایران» پوشش زنان ایرانی زرتشتی را از قول «پیتر دلاواله» خاورشناس ایتالیایی چنین بیان می‌دارد: «لباس زنان نیز یکسان است و بیش از آن که به لباس زن‌های ایرانی فعلی شباهت داشته باشد، شبیه عرب‌ها و کلدانی‌ها و همانند ردایی است که من از ناپل به قصد اورشلیم همراه آوردم، یعنی بدون کمر پوشیده می‌شود و بر تن فراخ است. چیزی که به لباس زن‌های گبر، لطف و ملاحظت خاصی می‌بخشد، روسری آنان است که رنگی بین سبز و زرد دارد ولی بیشتر مایل به زرد است، زن‌های گبران، دستار را مانند عرب‌ها و کلدانی‌ها دور صورت خود می‌بندند، درحالی که یک سر آن از جلو تا کمر و انتهای دیگر آن از عقب به طرف زمین آویزان است و مجموعاً نمای خوشی دارد»^۲.

دن گارسیا دسیلوا فیگویروا، متوفای ۱۶۲۱ میلادی، ایران‌شناس و پژوهشگر عرصه‌ی تاریخ، سیاستمدار و سفیر پادشاه اسپانیا در دربار صفوی می‌نویسد: «هومر هر جا در تروا از زنان آسیائی سخن به میان می‌آورد آن‌ها را کاملاً مستور و ملبس به لباس‌های بلند و آراسته توصیف می‌کند. اگرچه پوشش زنان مشرق زمین در قرون اخیر بسیار بد و نامطبوع است»^۳ نکته اینجا است که ایشان پوشش اصیل

۱. هانری رونه دالمنی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره وش، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۵ هـ.ش، صفحه ۲۹۵.

۲. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات نگاه، تهران، چاپ دوم، ج ۷، ص ۱۰۱.

۳. سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگویروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران، چاپ اول، صفحه ۱۸۷.



زنان آسیایی (مخصوصاً زنان ایرانی که در طول تاریخ دائماً با یونانی‌ها و رومی‌ها مرتبط بودند) را پوششی کامل معرفی می‌کند. گزنفون در «کوروش نامه» از قول آراسپ مادی ماجرای یک زن ایرانی را تعریف می‌کند که شوهرش در جنگ کشته شد. آراسپ به کوروش گفت که: وقتی خبر مرگ شوهر را به زن رساندند، «هنوز این جمله تمام نشده بود که زن شیون کنان، پرده از سر بدرید و کلیه خدمه ناله و زاری کردند و به شدت بر سر خویش کوبیدند. ما در این حال تضرع آمیز، قسمت اعظم صورت و گردن و بازوی بلورینش را دیدیم، دست‌هایش از حجاب بیرون افتاده و مانند قطعه‌ای جواهر شفاف درخشیدن گرفت»^۱ که همین نشان می‌دهد زنان ایرانی و مخصوصاً این زن در حجاب و در پرده بود.

حجاب در شاهنامه فردوسی

و اما حکیم ابوالقاسم فردوسی و بیان کیفیت حجاب بانوان در ایران باستان. سخن گفتن شیرین با مهتران در شاهنامه:

که باشند زیبای تخت مهی	به سه چیز باشد زنان را بهی
که جفتش بدو خانه آراسته است	یکی آنکه با شرم و با خواسته است

...

به پوشیدگی نیز مویش بود	سه دیگر که بالا و رویش بود
به پوشیدگی در جهان نو شدم	بدان گه که من جفت خسرو شدم

...

همه روی ماه و همه مشک موی	بگفت این و بگشاد چادر ز روی
یکی گر دروغ است بنمای دست	و دیگر چنین هست رویم که هست
که آن را ندیدی کس اندر جهان	مرا از هنر موی بد در نهان

۱. کوروش نامه، نویسنده: گزنفون (قرن ۴ پیش از میلاد) ترجمه: رضا مشایخی، انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران، چاپ ششم.



...

نه کس موی او پیش از این دیده بود نه از مهتران نیز بشنیده بود^۱

همچنین در ماجرای سخن گفتن تهمینه با رستم، تهمینه چنین می‌گوید:

ز پرده برون کس ندیده مرا نه هرگز کس آوا شنیده مرا^۲

همچنین در ماجرای آمدن منیژه نزد رستم، منیژه می‌گوید که تا به حال آفتاب

به بدن من نرسیده است:

منیژه منم دخت افراسیاب برهنه ندیده تنم آفتاب^۳

همچنین در شاهنامه؛ همسران جمشید، پوشیده روی نامیده شدند؛ یعنی پوشیده و محجبه بودند.

ز پوشیده رویان یکی شهرناز دگر ماهرویی بنام ارنواز^۴

سپاهیان ایران وقتی با هم حرف می‌زدند و از اسیر شدن زن و فرزندان سخن

می‌گفتند، زنان را پوشیده رویان خطاب کردند:

چو پوشیده رویان ایران سپاه اسیران شوند از بد کینه خواه^۵.

شاهنامه حجاب زنان را، با چادر و پوشیدگی بدن و موی و نوع سخن گفتن،

همراه با شرم و حیا و عفت معرفی می‌کند.

۱. شاهنامه فردوسی، در فهرست: کشتن شیرین خود را و کشته شدن شیروی، ص ۷۱۱۸-۷۱۱۹-۷۱۲۰.

۲. همان، در فهرست: آمدن تهمینه دختر شاه سمنگان به نزد رستم، ص ۱۱۰۱/ شاهنامه، با مقدمه و کشف الابیات سید محمد دبیر سیاقی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳. همان، در فهرست: آمدن منیژه به پیش رستم، ص ۲۷۸۴// شاهنامه، با مقدمه و کشف الابیات سید محمد دبیر سیاقی، ج ۲، ص ۹۶۰.

۴. همان، در فهرست: پادشاهی ضحاک، ص ۸۵/ شاهنامه، با مقدمه و کشف الابیات سید محمد دبیر سیاقی، ج ۱، ص ۳۹.

۵. همان، ص ۶۵۹، جنگ نوذر با افراسیاب بار سوم/ شاهنامه، با مقدمه و کشف الابیات سید محمد دبیر سیاقی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۶. <http://bastan4.parsiblog.com>



مردان نمکی روایت گر ناگفته‌های تاریخ ایران باستان


به صورت اتفاقی از یک معدن نمک واقع در استان زنجان مردان مومیایی نمکی کشف شد.

پوشینه‌های طرح دار رنگی، چاقوی بسته شد به کمر مرد نمکی، پا پوش‌ها بیانگر تمدن کهن این سرزمین است.

مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان در این باره گفته است: بر اساس مطالعات صورت گرفته این منسوجات متعلق به دوره هخامنشی و ساسانی بوده است که در بافت آن‌ها از تکنیک‌های متفاوتی در آن دوره استفاده شده است از جنس‌های مختلف مو، پشم و نمدی بوده و وجود نقوش مختلف و طرح‌های زیبا در بافت این پارچه‌ها از ویژگی‌های بارز آن‌ها به شمار می‌رود.

یحیی رحمتی در گفتگو با خبرنگار مهر، افزود: بر اساس بررسی‌های به عمل آمده منسوجات کشف شده متعلق به ۲ هزار و ۳۵۰ سال قبل بوده است.





از ویژگی‌های بسیار مهم این مومیایی طبیعی، لباس کامل است که بر تن او دیده می‌شود. این لباس از بالاپوشی بلند، یک شلوار و کفش چرمی تشکیل شده است.^۱

پژوهشی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در پژوهشی تاریخی، حجاب زنان در ایران باستان بررسی شد. این پژوهش در سال ۸۹ انجام شده و در نشریه پژوهشنامه زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پاییز و زمستان سال ۱۳۸۹ منتشر شده است.

به گزارش مهرخانه، در این تحقیق سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که زنان ایرانی در باستان حجاب داشتند یا خیر؟

در سلسله‌های مختلف ایران باستان، در دوره ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، حجاب در میان زنان معمول بوده است و این حقیقت روشن می‌شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد نشده است و حجاب آنان با توجه به شرایط اقلیمی، اجتماعی، کار و پیشه، سبک و اسلوب خاص داشت. آنچه بر صحت این ادعا گواهی دارد، نوع پوشش آنهاست که می‌توان آن را در دوران باستان از روی کتیبه‌های به جا مانده در مکان‌های باستانی (نقش رستم، تحت جمشید، نقش رجب و...)، ظروف، تندیس‌ها و مجسمه‌های محافظت‌شده در موزه‌ها و در دوران بعد از اسلام از طریق منابع و کتاب‌های معتبر مانند شاهنامه فردوسی که آینه تمام نمای فرهنگ ایران زمین است، مشاهده کرد.



فرش پازیریک (دوران هخامنشیان)

شاهد برای تأیید این گفته، نقش فرشی است که در پازیریک سیبری به دست آمده است. این فرش متعلق به دوران هخامنشیان بوده و تصویر زنانی را نشان می‌دهد که لباسی چون لباس مردان پارسی، به تن دارند و کفش‌هایشان نیز همان است که پارسیان به پا می‌کردند. فقط اختلافی که در لباس زنان با مردان است، تزئینات پیش سینه و شکل یقه آن است که در برخی موارد به صورت زیگزاگ است.



چادر زنان پارسی نیز پارچه چهارگوش نازکی بود که بر سر و لباس‌های خود می‌انداختند و شبیه چادرهای امروزی بوده است. لباس زنان درباری، تنوع و مدل‌های زیادی داشت؛ ملکه‌ها از شنل یا شارپ بلندی که پوشاننده بدن و به خصوص سینه‌ها بود نیز استفاده می‌کردند.

پوشاک زنان اشکانی

نقش برجسته‌ای که از پالمیر در موزه لوور موجود است زنی از دوره اشکانی را نشان می‌دهد که این زن چادری بر سر دارد و از زیر آن عمامه‌اش که به طرز مشخصی بافته‌های آن مشخص است، به چشم می‌خورد.



مجسمه اشکانی زنی از پالمیر نیز در موزه دمشق است که پوشش زنان این دوره را روشن‌تر می‌سازد. این بانو نشسته و چادری او را پوشانده است.





پوشاک زنان ساسانی

زنان ساسانی از پوششی استفاده می‌کردند که شبیه چادرهای امروزی بوده و این را از نقوشی که بر روی ظروف باقیمانده از آن دوره به دست آمده، می‌توان فهمید.

نتیجه‌گیری

با توجه به اسناد و مدارک تاریخی، حجاب در فارس قدیم وجود داشته است؛ به عبارت دیگر قبل از اسلام حجاب هر چند نوع آن تفاوت داشته، در میان زنان وجود داشته است!

این سیر حجاب از زمانی که تاریخ می‌تواند نشان دهد تا عصر حاضر وجود داشته است. به عنوان نمونه چند دوره تاریخی اسلامی را هم ذکر می‌کنیم

پوشاک زنان صفویه



در زمان صفویه زنان هنگام بیرون رفتن از خانه چادر بزرگ سفید یا بنفش رنگی، به سر می‌کردند که تمامی بدن آنان را می‌پوشاند و فقط جلوی صورت باز می‌ماند که به وسیله آن می‌توانستند پیش روی خود را ببینند.



پوشاک زنان افشار و قاجار

در دوره نادرشاه افشار و خاندان او از تجملات لباس‌ها کاسته شد و جامه‌ها فرمی ساده‌تر به خود گرفتند.



در زمان قاجار زنان هنگام خروج از منزل چادر سیاه یا بنفش یا نیلی تند به سر می‌کردند و روی خود را با روبنده، کاملاً می‌پوشاندند. لباس مردان در دوره قاجار هم زیرپیراهنی و پیراهن رو، جلیقه، قبا یا جبه، شال کمر و کمر بند، سرداری، عبا و شتل و کلاه معروف قجری که استوانه‌ای کوتاه بود.

پوشش زن ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی شکوهمند انقلاب و گفتمان اسلامی و تحول خواه در جریان انقلاب سال ۵۷، تحولی اساسی در جایگاه و مقام زنان در جامعه به وجود آمد که بی شک این تغییر و تحولات اساسی، در ظاهر زنان ایرانی نیز بی‌تأثیر نبود. مانند به عنوان



یک لباس ایرانی زنانه از همان ابتدای انقلاب، در کنار چادر به عنوان پوشش رسمی زنان ایرانی مطرح بود و با گذشتن از سال‌های ابتدایی انقلاب، در دهه ۶۰ به تن‌پوش غالب زنان ایرانی تبدیل شد.^۱

علاوه بر مطالب فوق که نشان داد در تمام ادوار حجاب در ایران وجود داشته است، گذری بر مقوله حجاب در سایر کشورهای جهان می‌کنیم.

تاریخچه پوشش و عفاف در جهان

بنا بر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند.

از لابه‌لای متون تاریخی، چنین به دست می‌آید که زنان اعراب قبل از اسلام دارای حجاب بوده‌اند: دایرة‌المعارف لاروس، عرب را از جمله ملت‌هایی که از قدیم، حجاب در آن ریشه داشته، شمرده است.^۲

داستان «فجار» و جنگی که بین قبیله قریش و قبیله هوازن بر سر روپوش بلند زنی که جوان‌ها خواستند وی صورت خود را نشان دهد، اتفاق افتاد مؤید این مطلب است.^۳ (نقل کامل این جریان در کتاب حجاب در اسلام قوام و شنوه ای آمده است).

دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل از تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند، کتاب «زن در آینه تاریخ» پس از طرح مفصل علل و عوامل

۱. <http://www.bultannnews.com/fa/news/20901>

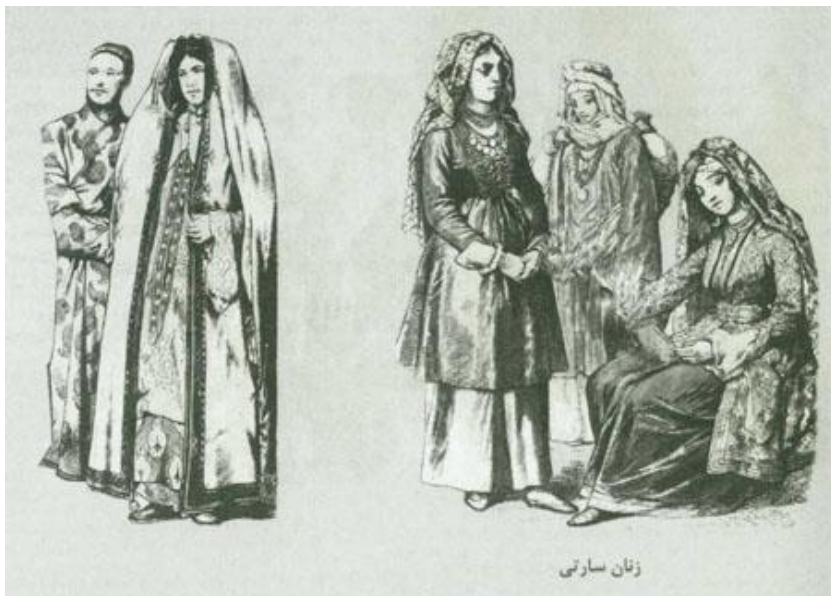
۲. وجدی، محمد فرید، دائرة‌المعارف فرن ۱۴ تا ۲۰، مصر، چاپ چهارم. جلد ۳، صفحه ۳۳۶.

۳. وشنوه ای، قوام، حجاب در اسلام، ترجمه: احمد محسنی گرگانی، صفحه ۵۸.

تاریخی حجاب، می‌نویسد: با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود و به این دلیل، عقیده عده‌ای که می‌گویند «مذهب» موجد حجاب می‌باشد، صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار مؤثر بوده است!

زنان سارتی

بر اساس مجسمه‌های برجای مانده، کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های تاریخی چنین استنتاج کرده‌اند که گرما و سرما عامل اصلی اختیار پوشاک نبوده بلکه علت آن حیا بوده است.^۱

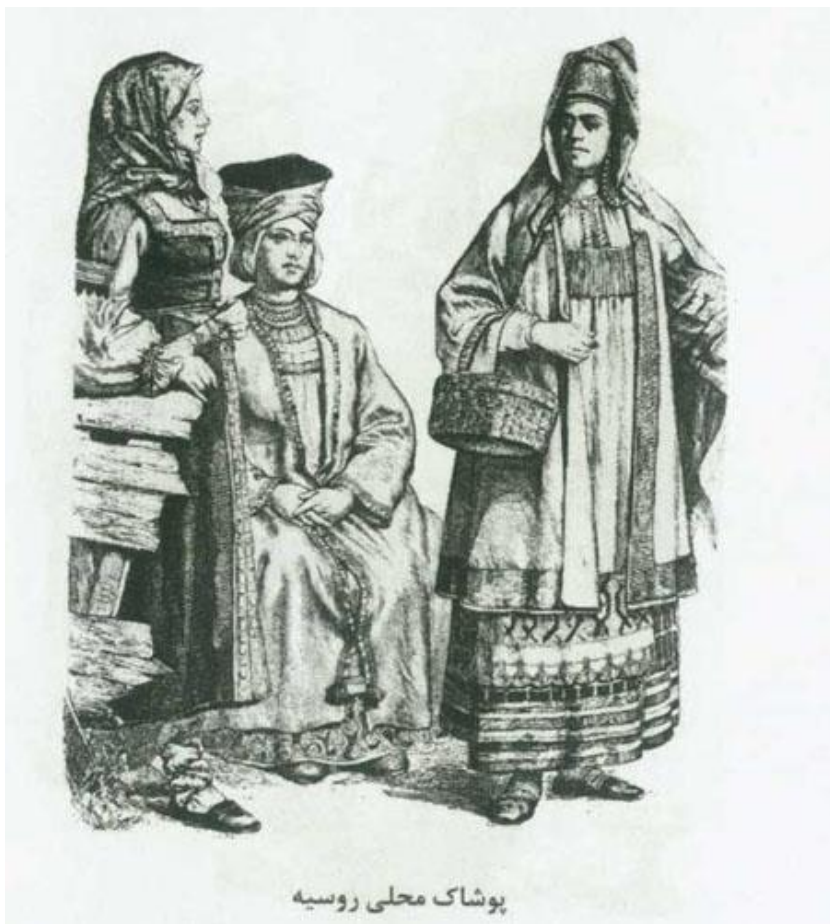


۱. ر.ک: شمیم یاس، شماره ۳۲ - عباس رجیبی، به نقل از علی‌اکبر علویقی زن در آینه تاریخ.

۲. مجله پیام زن، مقاله انسان، پوشش و ریشه‌های تاریخی، ش ۱۹، ص ۶۹.



زن‌های تاتاری از کازان (روسیه آسیایی)

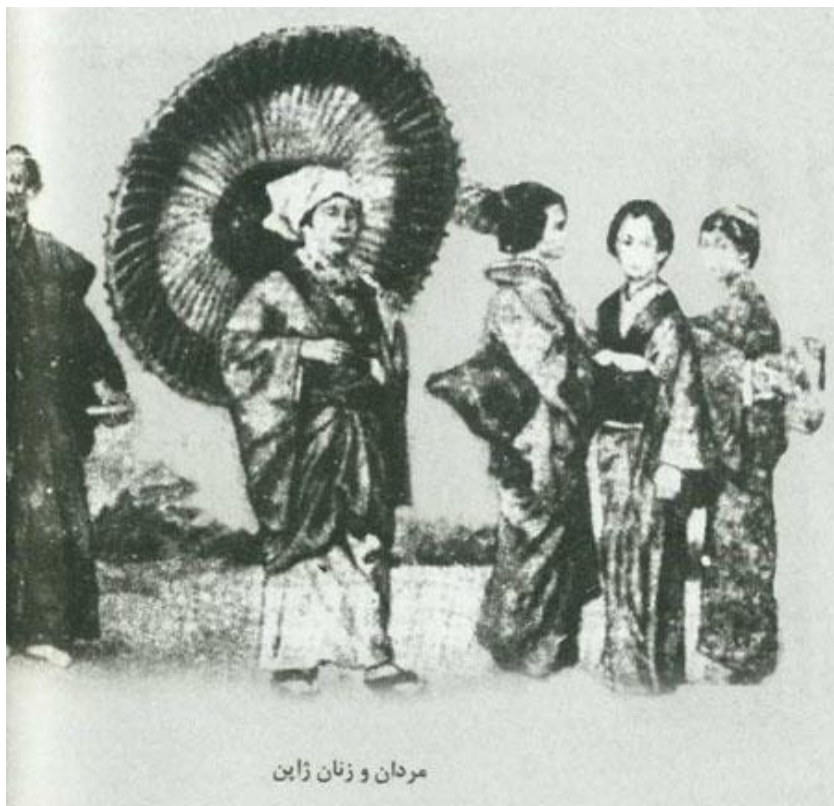


پوشاک محلی روسیه



به نظر می‌رسد از وجود حجاب در میان دیگر امت‌ها و رعایت آن به گونه‌ای نزدیک به آنچه اسلام آورده، می‌توان نتیجه گرفت که این سنت دینی ریشه‌ای در فطرت و ساختار وجودی انسان دارد!





اگر تنها سرما و گرما انگیزه پوشش بود، تفاوت پوشش زنان و مردان قابل تحلیل نبود.

پوشش زن در یونان و روم باستان

دایره المعارف لاروی درباره پوشش زنان یونان باستان می گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر ساخته می شد.



زنان فنیقی نیز دارای پوششی سرخ بودند. سخن درباره حجاب، در لابه‌لای کلمات قدیمی‌ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد، حتی «بنیلوب» (همسر پادشاه عولیس فرمانروای ایதாக) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «تیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند، بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با «تکه» می‌پوشاندند. این «تکه» دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. نقش‌هایی که بر جای مانده، حکایت می‌کند که زنان سر را می‌پوشانده، ولی صورت‌هایشان باز بوده است و وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت‌هایشان را بپوشانند، خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد.^۱

همچنین درباره مردم یکی از قبائلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می‌کرده‌اند، آورده است: بالاتر از ارمیان و در کنار دریای سیاه، «سکاها» بیابان‌گردی می‌کردند. آن‌ها مردم درشت‌اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می‌بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند.^۲

زنان فقط در صورتی می‌توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند.^۳

۱. همان - به نقل از دایره‌ی المعارف القرن العشرين، ۱۹۳۲.

۲. همان ص ۳۳۶.

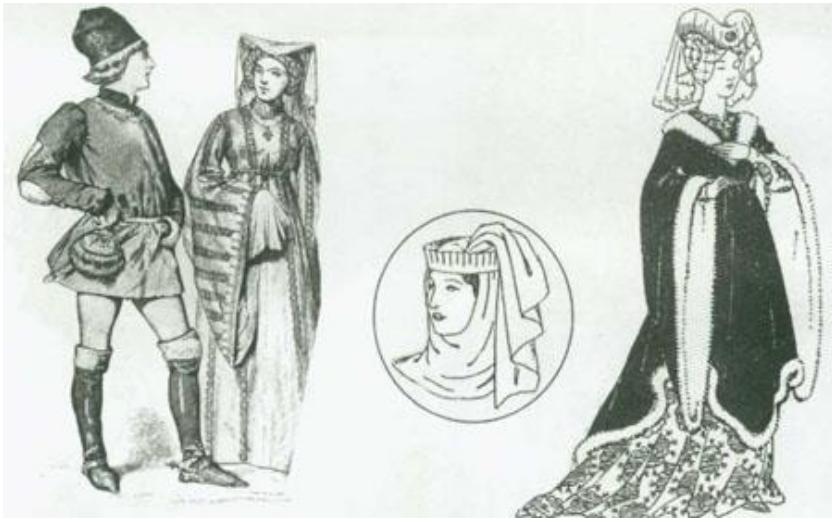
۳. همان ص ۳۴۰.



حجاب در انگلستان

انگلستان قرون میانه

در اوایل این دوران مردان و زنان انگلیسی همچنان سه لباس اصلی، استولا، یا لباس زیر، بلیاد یا لباس رو و پالا یا شنل که همگی همان پوشاک اصلی یونانی - رومی بود، می پوشیدند.^۱



انگلستان در دوران رنسانس (زمان شکسپیر)

در زمان شکسپیر زن حق نداشت که روی صحنه بیاید، نقش زنان را پسران بازی می کردند و گاهی تماشاگر عهد الیزابت پسری را در صحنه می دید که در نقش زنی بازی می کند که با جامه پسر یا مردی در آمده است.^۲

۱. همان، ص ۹۱

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن - ج ۷، ص ۹۵.

جامه‌های بلند زنان که از پارچه‌های لطیف ساخته شده دارای طرح پیچیده‌ای بودند، ساق پاها را می‌پوشاندند، پوشیدن جوراب‌های ابریشمی به وسیله ملکه (الیزابت) مرسوم شد و زن‌ها دامن‌ها را روی زمین می‌کشیدند!

نجا، قرن ۱۶ و ۱۷



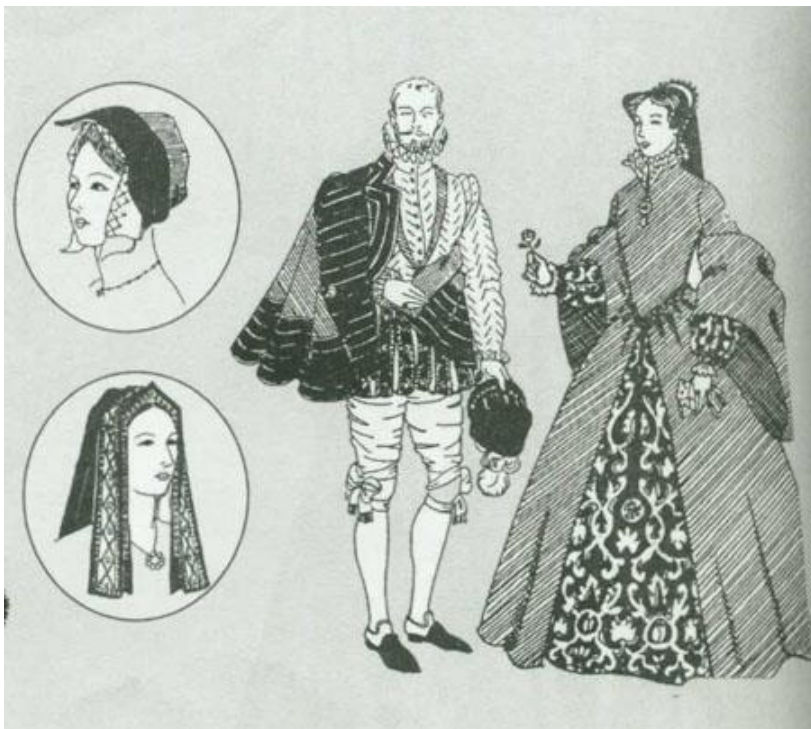
نجا، قرن ۱۶ و ۱۷





انگلیس قرن ۱۹

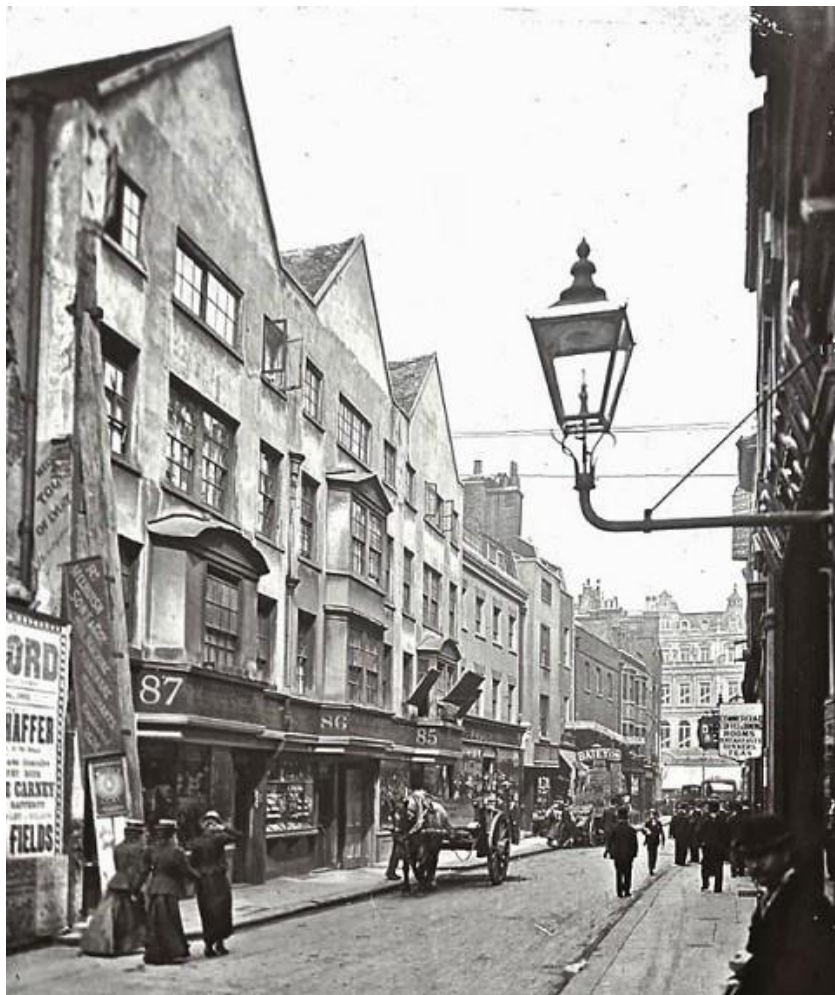
زنان انگلیسی محافظه‌کار برای اینکه اندامشان از زیر پیراهن نمایان نشود، چندین زیردامنی از پارچه کتان و ململ با حاشیه‌های توردوزی می‌پوشیدند. روی پیراهن‌های یقه‌باز خود، یقه‌های متشکل از چندین ردیف تور چین‌دار یا بتسی یادگار ملکه الیزابت می‌پوشیدند.^۱



۱. همان، ص ۳۰۹.

۲. حریم ریحانه، <http://rasekhoon.net/article/show/203183/>

پوشش زنان در لندن قدیم به روایت تصویر^۱





نوع لباس پوشیدن زنان اروپایی در قدیم بسیار نزدیک به حجابی است که ملل مختلف و ادیان توحیدی بیان می‌کنند.^۱

تصویری جالب از لحاظ نوع پوشش مردم مربوط به ساحل دایتونا در

فلوریدای آمریکا؛ ۱۹۰۴



از سایر اقوام و ملل هم در مورد با حجاب بودن مردان و علی‌الخصوص زنان مطالب و عکس‌ها و اسناد زیادی موجود می‌باشد که به علت اینکه این نوشته طولانی‌تر از این مقدار نشود، آن‌ها را ذکر نکردیم. با توجه به مطالب فوق متوجه می‌شویم که اصل حجاب در تمام ادوار و اقوام بشر موجود بوده و تا الآن هم هست. طبیعی است که کیفیت پوشش‌ها با توجه به زمان و مکان و ویژگی‌های قومی و





ملی و سایر شرایط تفاوت دارد. البته بعضاً تصاویری از زنان بی حجاب دیده می شود ولی این استثناها ضرری به قاعده نمی زند کما اینکه در طول تاریخ افرادی بوده اند که دزدی کرده اند ولی ما عموم مردم را دزد فرض نمی کنیم.

نتیجه‌گیری تحقیق با متد اجتماعی

با این متد جامعه‌شناسی نتیجه گرفتیم که حجاب و پوشیده بودن در تمام ادوار تاریخی و مکانی وجود داشته هر چند تعداد کمی همیشه مخالف فطرت عمل کرده‌اند ولی این مقدار اندک، ضرری به قاعده نمی‌زند. حجاب انسان‌ها خصلتی در روح آدمی و فطری است که نام آن را غریزه معنوی می‌گوییم.



۲۵. تأکید ادیان بر حجاب

خداوند پیامبران مختلف را مطابق فطرت بشر و متناسب زمان مخاطبان فرستاده است تا آن‌ها را، از غفلتی که بر جان آن‌ها عارض شده، بیدار کنند، لاجرم باید حجاب در ادیان مختلف، نفی نشده باشد. بلکه تأکید شده باشد. خداوند مسائلی را که عقل می‌فهمد، یا فطری است را، از باب تأکید بیان می‌کند و اگر بیان نمی‌کرد هم بشر آن را می‌فهمید. البته انسانی که پاک است و نور عقلش را هوا و هوس تاریک نکرده باشد.

حجاب در اسلام

لزوم پوشش زن در برابر مرد بیگانه، یکی از مسائل مهم اسلامی و امری مسلم در میان مسلمانان بوده و هست. در خود قرآن کریم درباره این مطلب تصریح شده است؛ بنابراین در اصل مطلب از جنبه‌ی اسلامی نمی‌توان تردید کرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر به همسرانت و زنان مؤمنین بگو چادرهای خود را به دور خود بگیرند. این کار برای آن‌ها بهتر است. تا (به عفت و حجاب و حیا) شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند»^۱.

ام سلمه می‌گوید: هنگامی که آیات حجاب نازل شد زنان انصار از منزل بیرون آمدند در حالی که عباى مشکى بر سر داشتند^۲.

«به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را فرو بندند و دامان خود را حفظ کنند و زینت خود را آشکار نکنند جز آنچه به طور طبیعی آشکار شود و روسری‌های خود را بر سینه بیفکنند؛ و پای خود را طوری به زمین نزنند که زینت‌های مخفی آن‌ها آشکار شود. صدای پایشان شنیده شود.»^۳

۱. سوره احزاب، آیه ۵۹.

۲. الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۰۴.

۳. سوره مبارکه نور، آیه ۳۱.



«اگر تقوی دارید هنگام صحبت با نرمی و با ناز و کرشمه صحبت نکنید که این گونه آنکه دلش مریض است. طمع می‌کند.»^۱

«... به روش دوران جاهلیت نخستین، اندام و زینت‌ها و زیبایی‌های خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید»^۲

نظر معصومین (علیهم‌السلام):

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): هلاکت زنان امت من به دو چیز است، حرص به جمع نمودن طلا و پوشیدن لباس‌های نازک.^۳

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): زنان در نزد نامحرم باید چهار لباس داشته باشید، پیراهن، مقنعه، چادر و شلوار.^۴

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): ای اسماء همین که دختر به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود. مگر مچ دست به پایین و صورتش.^۵

امام صادق (علیه‌السلام): از جمله عهد و پیمان‌هایی که رسول خدا از زنان امت خود گرفت این است که لباس‌های خود را به بدن نچسبانند و با مردان در جای خلوت ننشینند.^۶

در تاریخ آمده است: چون خبر غصب فدک به حضرت زهرا (علیها‌السلام) رسید، روسری بر سر گذاشتند و چادری پوشیده و با گروهی از زنان به مسجد رفتند.

عده‌ای گمان می‌کنند که حجاب مخصوص دین مقدس اسلام و بعضی از ادیان الهی است، در حالی که این توهم و گمان، صحیح و شایسته نیست؛ زیرا آنچه که از فرهنگ ملت‌های گذشته تا امروز به دست می‌آید این است که: زنان تمام ملل و مردم جهان دارای حجاب بوده‌اند اگرچه در کیفیت پوشش فرق

۱. سوره مبارکه احزاب آیه ۳۲.

۲. سوره مبارکه احزاب آیه ۳۳.

۳. ارشاد القلوب ۱/۱۸۳.

۴. تفسیر صافی ۳/۴۳۰، تفسیر مجمع‌البیان ۷/۲۷۱.

۵. میزان الحکمه/ باب حجاب. سنن ابی داوود، ج ۴ ص ۶۲.

۶. کافی، ۵/۱۹۵.

داشته‌اند. اکنون برای ثابت شدن این موضوع و به تناسب سؤال، حجاب در ادیان مختلف را بررسی می‌کنیم.

حجاب در آیین مسیحیت

انجیل نه تنها در مواضع متعدّد و جوب حجاب و پوشش را تذکر داده است بلکه در برخی از آیات خود کوشیده است، درون انسان را نیز از تمایلات شهوانی منزّه سازد و بدین‌وسیله عفت درون را پشتوانه‌ی مستحکم حجاب برون قرار دهد. در انجیل مواردی درباره حجاب و مسائل مربوط به آن آمده که فرازهای ذیل از آن دسته‌اند.

۱. لزوم عفت و خانه‌نشینی^۱.
 ۲. لزوم پوشاندن موی سر به‌ویژه در مراسم عبادی^۲.
 ۳. ساکت و مطیع بودن زن^۳.
 ۴. نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان^۴.
 ۵. زن باید باوقار باشد، خویشتندار و قابل اعتماد^۵.
- در کتاب «زن از نظر حقوق اسلامی» این‌گونه آمده است که: در میان مسیحیان و اروپائیان، حجاب معمول و متعارف بود و این عادت تا قرن سیزدهم سخت رایج بود و از آن تاریخ به بعد رو به تخفیف گذاشت^۶.
- و نیز در کتاب «زن و رهایی نیروهای تولید» آمده است که در تورات و انجیل به این مطلب که زنان از روزگار قدیم چهره خود را با بُرّقع می‌پوشانید اشاره شده است^۷.

۱. کتاب مقدس، رساله پولس به تیتوس، باب دوم، فقره ۱ - ۶.

۲. کتاب مقدس، رساله اول پولس ل به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱ - ۱۷.

۳. همان، باب چهاردهم، فقره ۳۴ - ۳۶.

۴. انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸ - ۳۰ و باب ۱۸ فقره ۹.

۵. کتاب مقدس، نامه اول به تیموتائوس، باب ۳، فقره ۱۰.

۶. حادقی، ابوالفضل، زن از نظر حقوق اسلامی، تهران، ۱۳۴۲ هجری شمسی، صفحه ۱۶۰.

۷. افشار نیا، علیرضا، زن و رهایی نیروهای تولید، تهران ۱۳۵۷ هجری شمسی، صفحه ۱۹۸.





جرجی زیدان دانشمند معروف مسیحی می گوید: اگر مقصود از حجاب پوشاندن بدن به وسیله چادر و روسری و نقاب و امثال آن است، این موضوع قبل از اسلام و حتی پیش از دین مسیح بوده است و مسیحیت هم در آن تغییری نداده است و تا قرون وسطا در اروپا حجاب معمول بوده است و تا به امروز هم آثار حجاب در اروپا باقی است.^۱

دو مرجع دینی مسیحیت به نام‌های کلمنت و ترتولیان در مورد حجاب چنین می گویند: زن باید کاملاً در حجاب پوشیده باشد و یا آنکه در خانه باشد، زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید.

برای زن مؤمن عیسوی در نظر خداوند پسندیده نیست که به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن باید با اختفا و فراموشی آن، از بین برده شود. زیرا برای بینندگان خطرناک است.^۲



حجاب بعضی از زنان متدین مسیحی در عصر حاضر

۱. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۹۴۳. انتشارات امیرکبیر، چ ششم، سال ۱۳۶۹.

۲. زن و آزادی، ص ۵۲، به نقل از: محمدی نیا، اسدالله، بهشت جوانان، ص ۲۸۳. چ ۱۹، انتشارات سبط اکبر، ۱۳۸۳.

حجاب در آیین یهود

بدون شک باید ریشه و خواستگاه رعایت حجاب از سوی زنان یهود در ادوار تاریخ را در متون مذهبی آنان جستجو نمود.

تورات، کتاب مقدس یهودیان، در موارد متعددی به طور صریح و یا ضمنی، حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن را مورد تأکید قرار داده و در برخی از آیات، از واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است نامبرده است. کاربرد این الفاظ نشانگر کیفیت پوشش زنان یهودی در آن عصر می‌باشد.

در سفر پیدایش چنین می‌خوانیم: و «رفقه» چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا که از خادم خود پرسید این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟ خادم گفت: آقای من است، پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید^۱.

به گفته‌ی برخی از مراجع دینی یهودیان ایران، منشأ وجوب حجاب در شریعت یهود مستند به همین فقره است^۲. در تورات همچنین آیاتی در رابطه با «عدم تشبیه مرد و زن به یکدیگر در نوع پوشش بدن»، «در عدم آرایش و غمزه دختران و زنان»، «پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه»، «نهی از لمس و تماس با نامحرم»، «حد و کیفیت پوشش زنان یهود»، «وجوب پوشاندن موی سر» آمده است^۳.

«تلمود» یکی از کتاب‌های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است از جمله قوانینی که در این کتاب در رابطه با ارتباط زن و مرد مسئله حجاب آمده موارد زیر می‌باشند.

۱. لزوم پوشاندن سر از نامحرم.
۲. لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش.
۳. پرهیز از نگاه به مردان بیگانه.

۱. سفر پیدایش باب ۲۴ فقره ۶۴ و ۶۵.

۲. حجاب در ادیان الهی، همان صفحه ۱۴۳ همراه با پاورقی.

۳. همان، صفحه ۱۴۲ - ۱۴۸.





۴. لزوم پرهیز از حرام تحریک‌آمیز.
۵. اجتناب از نگاه به نامحرم توسط مردان.^۱



حجاب بعضی از زنان متدین یهودی در عصر حاضر

۱. حجاب در ادیان الهی به نقل از کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت جلد ۱۲ صفحه ۲۸ - ۳۴.

حجاب در آیین زرتشت

با کندوکاو در تاریخ ایران باستان و آثار بجای مانده از آن دوران که اغلب مردمشان کیش زرتشت داشتند چنین به دست می‌آید که زنان ایران از دیرباز حجاب و اخلاق نیکو و پاکدامنی‌شان زبانزد همه بوده است و این حقیقت نیز روشن می‌شود که با ورود اسلام به ایران، حجاب وارد ایران نشده است بلکه بانوان ایران از قدیم‌الایام حجاب داشته‌اند. در تاریخ آمده است که:

هنگامی که سه تن از دختران کسری (شاهنشاه ساسانی) را به همراه غنائم فراوان نزد عمر آوردند وی دستور داد با آوازی بلند روی آنان فریاد کشند که پوشش از چهره بگیرند تا مسلمانان آن‌ها را ببینند و خریداران بیشتر با پول زیادتری پیدا شوند.

دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و یک مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند^۱.
ویل دورانت درباره حجاب زنان ایران می‌نویسد:

در نقش‌هایی که از ایران باستان برجای مانده هیچ صورت زن دیده نمی‌شود^۲.
این نقش‌ها نشان می‌دهد که زنان دارای حجاب، مخصوصاً با چادر بوده‌اند.
نویسنده کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در این رابطه می‌نویسد:

تاریخ نویسان درباره پوشاک آن زمان اکثراً به سکوت گذرانده‌اند ... با این وصف از روی برخی نقوش که از آن زمان به جای مانده، به زنانی از این دوره بر می‌خوریم که از پهلو بر اسب‌سوارند، اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده‌اند و در زیر آن یک پیراهن دامن بلند و زیر آن نیز یک پیراهن دیگر بلندتر تا به مچ پا نمایان است^۳.

۱. محمدی پناه، اسدالله، بهشت جوانان، ص ۲۸۴، چاپ نوزدهم ۱۳۸۳، به نقل از کتاب حجاب در اسلام ص ۵۹.

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۴، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۶۵.

۳. به نقل از بهشت جوانان، ص ۲۸۴، همان.





با این حال لباس مذهبی زرتشتیان در حال حاضر نشان‌دهنده وجود حجاب در دین زرتشت است. زرتشتیان دارای جامه ویژه‌ای مذهبی هستند که هر فرد پسر یا دختر، پس از رسیدن به سن پانزده‌سالگی، باید آن را به تن نماید. به‌گونه‌ای که نپوشیدن آن جامه‌ی مذهبی باعث ایجاد دیو «در وچ ناسو»^۱ شمرده است.

این لباس «سدره و کشتی» نام دارد و کیفیت آن که می‌تواند پوشش کاملی برای زنان به حساب آید. تمام بدن را می‌پوشاند؛ و از نظر زرتشت بر هر یک از مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشانند. بنا به گفته مؤبد «رستم شهرزادی» پوشش زنان باید به‌گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سرزن از سرپوش بیرون نباشد در خرده اوستا به طور صریح چنین آمده است: «همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم آنگاه به درگاه دادار اهورا مزدا نماز می‌کنیم»^۲.

بنابراین حجاب در کیش زرتشت مانند سایر ادیان وجود داشته است و این یک ضرورت اجتماعی است که آیین‌های آسمانی به آن توجه کرده‌اند و مورد تأکید قرار داده‌اند، هرچند که عده‌ای از تعالیم دینی خود سرپیچی می‌کنند و رو به سوی بدحجابی و بی‌حجابی می‌آورند.

پس حجاب نه تنها در دین اسلام بلکه در سایر ادیان بخصوص در دین مسیحیت مورد تأکید قرار داده شده است.

۱. در وچ ناسو، در آیین زرتشت نام دیو ناپاکی است که تماس وی برای انسان بسیار خطرناک است و عواقب وخیم دارد و هنگام جدا شدن روح از بدن به انسان حمله می‌کند.

۲. به نقل از: محمدی آشنایی، علی، حجاب در ادیان، نشر یاقوت، چ دوم، سال ۱۳۷۸، ص ۱۳۵.

۲۶. حجاب، عامل آرامش

مردم غرب خسته و ناامید از فرهنگ غرب، کم‌کم به سوی فرهنگ ما و معنویت رو می‌کنند و این بازگشت به سوی فطرت است؛ و حجاب رفتاری موافق فطرت است و هر آنچه موافق فطرت باشد روان و جان را آرام می‌کند و آرامش گمشده عصر ما است.

افرادی که در اوج بی‌حجابی بوده‌اند و حجابی نداشته‌اند بعد از اینکه به سمت حجاب متمایل شده‌اند می‌گویند آرامشی که در حجاب دارند در بی‌حجابی نداشته‌اند.

حجاب سنتی دارای پیشینه تاریخی است و قدمتی طولانی دارد. کتاب قرآن کریم از قدیمی‌ترین و تاریخی‌ترین کتب است که حجاب داشتن در آن آمده است و آورنده‌اش ادعای واسطه بودن بین خدا و مردم و رساندن سخن خدا به آنان را کرده است. به نقل تاریخ او فردی خارق‌العاده و دارای قدرت‌های ماوراءالطبیعه بوده و از جمله کارهایش سخن درآوردن سنگ‌ریزه و سوسمار و شق‌القمر و راه رفتن درخت و... است و تاریخ می‌گوید او که این قدرت‌ها را داشته است، گفته من این قدرت را از موجودی برتر دارم که اسم آن خدا است. ثابت است که حضرت محمد ص پیامبر بوده و دلیل نبوتش و ادعایش که سخنان موجودی قدرتمند به نام الله را به مردم منتقل می‌کند معجزاتش بوده و طبق نقل تاریخی کاملاً مستند و اطمینان بخش تعداد زیادی معجزه از او صادر شده و علم غیب و کارهای ما فوق بشر انجام می‌داده است و قرآن کریم استمرار اعجازشان است.

و بر این اساس ادعای نبوت می‌کرده و رفتار و کردارش هم او را صادق و امین معرفی می‌کرده که فرد مورد اطمینان و صالحی است؛ و مطالب قرآن را قسمت ناخودآگاه جان و روح قبول می‌کند و بر دل می‌نشیند.

بشر با خلقتش ذاتاً خواهان پوشش است؛ و حیاء این پوشش را الزام می‌کند. حیاء را می‌شود حس درونی دانست که ناخودآگاه این مطلب را مثل آژیر هر لحظه





به مغز می‌فرستد که بدنت را بپوشان، رفتار و کردارت را حفظ کن؛ که می‌شود گفت غریزه خود نگه‌داری. و هر شخصی اگر این غریزه را کور نکرده باشد این مطلب را درک می‌کند.

حال که دانستیم پوشیدگی فطری و حالت طبیعی بشر است و بی‌حجابی بر خلاف طبیعت انسان است. می‌شود مسامحتاً فطرت و حالت طبیعی را غریزه روحی و روانی و معنوی دانست؛ هر چه بر خلاف طبیعت باشد استرس و اضطراب می‌آورد و آنچه آرامش می‌آورد چیزی مطابق طبیعت و ذات بشر است. این مطلب بدیهی است و عموماً هر کسی خود به تنهایی این مطلب را تجربه کرده است. حجاب یکی از مصادیق آیه شریفه قرآن است که می‌فرماید «الا بذكر الله تطمئن القلوب»^۱. آگاه باشید فقط با یاد خدا دل‌ها آرام می‌شود و چون پوشیدگی را خداوند فطرتاً در ذات ما گذاشته و ما با پیروی کردن از قانونی که خدا در ما قرار داده آرامش را می‌یابیم و علاوه بر آن نشان می‌دهیم و ثابت می‌کنیم که در مسیر او هستیم و دستور او را گوش می‌دهیم و این یعنی یاد عملی خدا که برتر از یاد ذکری چه بسا باشد یعنی بهتر و با ارزش‌تر از این است که تسبیح برداریم و ذکر بگوییم و انسان زرنگ با یک تیر، سه نشان می‌زند:

۱. آرامش در دنیا و آبرومندی.

۲. آرامش و جاودانگی در بهشت.

۳. رهایی از آتش.

کسانی که دنبال آرامش‌اند گاهی دنبال پول می‌روند و آرزوی ماشین مدل‌بالا یا ویلایی شیک در مکان سرسبز و خوش آب و هوا و شغل و مقام اجتماعی بالا و همسر زیبا و احترام گذاشتن دیگران بر او هستند. می‌بینیم کسانی که پول و خانه و ماشین و شغل آن‌چنانی دارند رفاه دارند ولی همه آرامش ندارند. قلبی آرام و مطمئن ندارند. لذا به دنبال ریلکسیشن‌ها و متدهای آرامش‌بخش و یوگا و مراقبه

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.



های خاص می‌روند. ولی غافل از اینکه آرامش طبق نص صریح قرآن کریم در یاد اوست. در ادبیات عرب قاعده‌ای است که می‌گویند جار و مجرور «بذکر الله» اگر بر عاملش یعنی فعل «تطمئن» مقدم شود افاده حصر و انحصار می‌کند. به این مطلب دقت فرمائید: آرامش غیر از آسایش است؛ یعنی شاید پول و شغل و مقام، رفاه بیاورد ولی آرامش فقط روان آرام است چه فقیر باشی و چه پولدار آرامش با بودن در یاد و سمت خدا حاصل می‌شود؛ و در جای دیگر می‌فرماید هر کس از یاد ما روی برگرداند زندگی سخت و تنگی خواهد داشت. پس کسی که با خدا است، آرامش دارد دوباره عرض می‌کنم فرق است بین رفاه و آرامش این نکته مهم و قابل تأملی است.

نظر اسلام این است که رفاه و آرامش با هم داشته باشیم. لذا سفارش به تقوا برای همه اعم از ثروتمند و فقیر است و احکام شرع برای همه مؤمنین است که شامل نماز و روزه، راست‌گویی و ...

ولی به ثروتمندان می‌گوید به فقراء کمک اقتصادی کنید و صدقه دهید؛ و به افرادی که مالشان اضافه است خمس تعلق می‌گیرد و زکات را باید پرداخت کنند تا زندگی فقراء از سختی درآید و آنان هم بدون دغدغه مالی در مسیر الهی حرکت کنند.

حجاب یاد عملی خداست و نتیجه‌اش آرامش شخص دارای حجاب است.

هر کس کمی دقت و تأمل کند می‌بیند که وجود الله و غیب و فرشتگان و اجنه و ماوراءالطبیعه واقعیت دارد و یا حداقل احتمال قوی وجود دارد که وجود داشته باشند پس باید برای پرهیز از عذاب، دستورات الهی را گوش کنند و باحجاب باشند.

حداقل ما که پیروان ادیان توحیدی هستیم و قرآنی که قبول داریم صراحتاً می‌گوید عالم غیب، بهشت و جهنم، وجود دارد.

اگر کسی بگوید که بنده وجود خدا و غیب و بهشت و جهنم و... را درک نمی‌کنم یا قبول ندارم. به او می‌گوییم در این دنیا هم شما که منکر هستید و ما



که قبول داریم غذا می‌خوریم، نوشیدنی می‌نوشیم، خانه و اتومبیل و مسافرت و همسر و فرزند و ... داریم یعنی هر دوی ما از مواهب و نعمت‌ها و لذت‌های دنیا برخورداریم البته کیفیتش مقداری متفاوت‌اند و شما مقداری آزادی بیشتری داری مثلاً مشروب و مواد مخدر مصرف می‌کنی یا روابط نامشروع متعدد دارید ولی ما این اعمال را انجام نمی‌دهیم چون بنا به اعتقادمان این کارها را نمی‌کنیم.

البته بدانید این حسن و برتری ندارد چون عوض این کار، در همین دنیا معده و بدن شما خراب می‌شود؛ و موقعیت اجتماعی، شغلی و خانوادگی خود را از بین می‌برید و دچار بیماری‌های روانی و جسمی می‌شوید؛ و حتی منکرین غیب که عاقل دنیوی هستند این اعمال را انجام نمی‌دهند. پس در این دنیا هر دو به یک اندازه لذت و راحتی می‌بریم. البته ما یک برتری داریم و آن آرامش روانی است که پوچ‌گرا نیستیم ولی افراد بی‌اعتقاد یا کم‌اعتقاد از لحاظ روانی اذیت می‌شوند.

حال بعد از حدوداً ۷۰ یا ۸۰ سال زندگی هر دو می‌میریم اگر غیب و خدا و بهشت و جهنم نباشد ما ضرری نکرده‌ایم از همان لذات و نعمات دنیایی مثل شما استفاده کرده‌ایم. بلکه راحتی و لذت بیشتری برده‌ایم ولی اگر واقعیت باشد، وای به حالتان! شما دچار عذاب و آتش بی‌حساب خواهید شد؛ و آرزو می‌کنید که کاش خاک بودیم یا می‌خواهید همسر و فرزند و اقوام و تمام دارایی‌تان را فدا کنید تا رها شوید ولی امکان ندارد و فدا پذیرفته نمی‌شود.



۲۷. برهان شرطبندی یا برهان قماربازان پاسکال

آقای پاسکال که ریاضیدانی غربی است در مورد این مبحث مطلب جالبی دارد که به عنوان برهان شرطبندی یا برهان قماربازان پاسکال معروف است. می‌گوید ما بخواهیم یا نخواهیم در یک مسابقه شرکت کرده‌ایم و عقل می‌گوید تنها دو کار می‌توانیم انجام دهیم. ۱. اگر یکی را انتخاب کنیم قطعاً ضرر نمی‌کنیم. ۲. اگر آن یکی را انتخاب کنیم ممکن است ضرر کنیم که عقل حکم به انتخاب اول می‌کند.

توضیح:

در دنیا ما در قماری شرکت کرده‌ایم. اولی اعتقاد به خدا (لازمه‌اش عمل به دستورات او) دومی اعتقاد به عدم وجود خدا (لازمه‌اش بی‌مبالاتی به دستورات منسوب به خدا). پاسکال به لحاظ روان‌شناختی در معقول بودن یک تصمیم سه عنصر را شرط می‌داند: ۱. احتمال وقوع. ۲. سود محتمل. ۳. هزینه‌های انجام‌شده.

معقول بودن یک تصمیم	احتمال وقوع	سود محتمل	هزینه‌ها
اعتقاد به وجود خدا	۵۰٪	نامحدود	زیاد
اعتقاد به عدم وجود خدا	۵۰٪	محدود	کم

یک مسئله ریاضی: هر چیزی در مقابل بی‌نهایت، صفر است؛ یعنی هر چقدر منافع در دنیا باشد در مقابل ابدیت هیچ است.

اعتقاد به وجود خدا معقول‌تر است چون جامع نگاه می‌کنیم می‌بینیم بی‌نهایت بودن سود محتمل کفه اعتقاد به وجود خدا را سنگین می‌کند. لذا چون معتقدیم خدا احتمال زیاد وجود دارد، باید به احکام و دستورات خدا عمل کنیم که از جمله احکام خدا، حجاب است این سخن یک ریاضیدان است.



البته اضافه بر این مطلب ما چندین برهان و دلیل بر وجود خدا و رعایت احکام الهی و از جمله حجاب داریم.

خدا می‌گوید آیا گمان ندارید که معادی خواهد بود و خدا می‌گوید نیاز نیست یقین داشته باشی تا اعمالت قبول شود بلکه صرف گمان کفایت است که اگر عمل نکنی به آتش بیفتی و دفع ضرر محتمل واجب است.

مطلب دیگر اینکه تمام منکرین و شبهه اندازان و شکاکان تمامشان بدون استثناء یک دلیل بر عدم وجود خدا که لازمه‌اش بی‌مبالاتی به عمل به احکام الهی است ندارند و این نکته را اگر انسان روزی ۱۰۰ بار با تسبیح تکرار کند تا ملکه ذهنش بشود ارزش دارد.

اما بی‌حجابی، از بزرگ‌ترین موانعی است که باعث می‌شود که انسان چه زن، چه مرد از توجه و یاد الله و قیامت و قبر و سلوک به سوی خدا باز بماند و اینجاست که بحث اختیار مطرح می‌شود که هر کس خودش و با اراده خودش حجاب یا بی‌حجابی را انتخاب کند و عاقبت به خیر یا به شر شود و سرای آخرت را بسازد یا خراب کند.



فصل دوم

بعضی از علل بی حجابی



علل مختلفی در امر بی‌حجابی دخیل‌اند که تعدادی را ذکر می‌کنیم. مدل نامناسب زندگی امروز بشر و سوسه‌های شیطان درون رفتار نامناسب متدینین القای تصویر نفرت‌انگیز از حجاب توسط کمپانی‌های رسانه‌ای صهیونیستی. شروع بی‌حجابی به این گسترده‌گی و فراگیری در عصر حاضر از غرب بوده و سپس این بی‌حجابی به شرق صادر گشت.

علل بی‌حجابی غرب

همان طوری که در بین مسلمانان بعضی از افراد به قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام عمل نمی‌کنند و در ظاهر مسلمان هستند، در بین مسیحیان و دیگر ادیان هم افراد بسیاری هستند که ادعای پیروی از دینشان را دارند. ولی در عمل از هوا و هوس خود پیروی نموده و هیچ نوع پایبندی به دین و احکام آن ندارند.

اما این بی‌بندوباری تا به این صورت فراگیر نبود. از زمانی که اروپا از نظر علم و صنعت رشد چشمگیری پیدا کرد به همان نسبت از دین و مسائل معنوی دور



شد و رواج فساد و برهنگی در بین بسیاری از زنان آن‌ها یکی از آثار این تحول می‌باشد و این موضوع اختصاصی به اروپا ندارد بلکه کشورهای اسلامی هم در معرض این تهاجم فرهنگی قرار دارند و اگر با رشد صنعت به رشد معنویت جامعه فکری نشود به درد و بلای اروپا مبتلا خواهند شد^۱.

اومانیسیم و انسان‌محوری

در حال حاضر، حیات تمدن غرب بر اساس اومانیسیم و انسان‌محوری است. هوای نفس، لذت و آزادی بی‌حصر، غایت زندگی است و حجاب زنان مخالف فلسفه وجودی غرب جدید است.

یک سؤالی از سفیر فرانسه پرسیده شد که زنان فرانسه تحت تأثیر جواب آن قرار گرفتند این سؤال استراتژیک، این است که شما چرا خلاف قانون اساسی‌تان با حجاب مخالفت می‌کنید؟ وی پاسخ داد: «حجاب یک نوع پوشش نیست بلکه پرچمی است برای یک مکتب برای یک دین که آن دین مبنایش مخالفت با هوای نفس، تمدن غرب مبنایش موافقت با هوای نفس خود مخالفت کند. دلش می‌خواهد با دلم دختر یا یک زن می‌خواهد با هوای نفس خود مخالفت کند آغاز فروپاشی تمدن غرب است. این سخن نشان می‌دهد سعی بر بی‌حجاب بودن زنان در کل جهان از آرمان‌های اساسی غرب است.»

بی‌حجابی موجب ترویج مصرف‌گرایی

ترویج مصرف‌گرایی و مسائل جنسی و سکسی و عرضه زیبایی‌های زن در راستای مصرف‌گرایی، منجر به انحراف انسان از مسیر اصلی زندگی‌اش می‌شود. در جوامع به اصطلاح آزاد، تبلیغات مداوم، زنان را به سوی جلوه‌گری و عرضه و نمایش خویش می‌کشد و زیبایی‌های زن مرتب از طریق رسانه‌ها به جامعه عرضه می‌شود.

۱. بهشت جوانان، ص ۲۸۲.

و با دیدن این تصاویر کالاها فروخته می‌شود و همچنین باعث ایجاد فرهنگ برهنگی عامه می‌شود.

سینما و رسانه، ابزاری برای ترویج بی‌حجابی

اختراع سینما، بی‌شک تحولی عمیق در سبک زندگی مردم، ایجاد کرد. نکته اینجاست که بعضی سود جویان به خاطر منافع خود، مسیر خاصی را به سینما گران و بالتبع تماشاگران‌ش تحمیل کردند و این آغاز فاجعه‌ای شد که تا به حال ادامه دارد و سرانجام ناخوشایند و پلید آن، دامان همه را فرا گرفته و هلاکت نوع انسان در آن به چشم می‌خورد.

«فروید» یهودی الاصل، مطالبی عنوان می‌کند با این مضامین که مشکلات بشر، ریشه در عقده‌ها و ناکامی‌های جنسی دارد و راه درمان افسردگی و ناراحتی‌های بشر، آزادی جنسی است. خواهرزاده فروید، به نام «ادوارد برنایز» که در امریکا ساکن بود، نامه‌ای از او دریافت کرد که حکایت از وضعیت نامناسب مالی فروید بود.

برنایز کتاب‌های فروید را در امریکا چاپ و توزیع نمود و با برگزاری همایش‌هایی، به ترویج افکارش پرداخت.

نکته‌ای که او از تفکرات فروید فهمیده بود برایش مهم بود. او متوجه شده بود که انسان ناخودآگاهی دارد که با تحریک آن می‌توان او را وادار به انجام کارهایی کرد، بدون آنکه خود متوجه باشد و این کلید دستیابی به ثروتی بی‌حساب است. او با تحریک ناخودآگاه مردم آن‌ها را وادار به خرید کالاهایی می‌کرد که نیازی به آن نداشتند.

او در تجربه‌ای، دختران اشراف را در گردهمایی که داشتند با سیگار در منظر همه آورد. نتیجه کار، بی‌اندازه شگفت‌انگیز بود، ناخودآگاه زنان تحریک شده و با همزادپنداری و الگوبرداری شروع به مصرف سیگار کردند و مصرف سیگار بین زنان





امریکا شیوع پیدا کرد و در نتیجه خرید سیگار بیشتر شد و سود زیادی به جیب کارخانه‌داران سیگار آمریکایی رفت.

«برنایز» از جاذبه‌های جنسی و از ستارگان هالیوود برای تبلیغ کالاها استفاده کرد؛ و مسائل جنسی در خدمت مصرف‌گرایی، باعث ایجاد فضای ملتهب و وحشتناکی در میان مردم امریکا شد.

البته با شروع پخش فیلم‌های زنان لخت و روابط خارج از عرف، تظاهرات عمومی در امریکا شکل گرفت و به این بی‌حجابی و بی‌عفتی اعتراض کردند. فشار افکار عمومی، باعث تصویب قانون سانسور فیلم‌های مستهجن در سال ۱۹۱۵ میلادی شد.


اما سلطه‌طلبان آرام ننشستند کم‌کم عادی‌سازی کارهای قبیح شروع شد تا آنجا که هم‌جنس‌گرایی و فیلم‌های پورنو برای تعداد زیادی عادی شد و کنگره نهایتاً در سال ۱۹۵۵ میلادی قانون جرائم جنسی را تغییر و جرائم قبلی را لغو کرد؛ و در سال ۱۹۶۰ میلادی قانون سانسور حذف شد.

و این استثمار و قباحت شکنی تا آنجا پیش رفت که حتی لباس‌های مردم تحت تأثیر هنرمندان با لباس‌های نامتعارف قرار گرفت و در سال ۱۹۶۹ میلادی اولین دامن کوتاه تولید شد و مردم در خیابان آن را پوشیدند.

در سال ۱۹۵۳ میلادی مجله‌ای به نام «کیوهفنر» که عکس‌های برهنه زنان را بر روی جلد مجله چاپ می‌کرد، بسیار محبوب شد به حدی که آرزوی دختران، چاپ عکسشان روی آن بود و تیراژ آن به ماهی هفت میلیون عدد رسید.

مردمی که روزی برای دفاع از حجاب و عفت در امریکا، تظاهرات خیابانی می‌کردند و نگران آثار سوء این نوع برنامه‌ها و نگران آینده خانواده و جامعه خود بودند، حال عاشق این بی‌بندوباری شده بودند.

«آلفرد کنزی» حشره‌شناس آمریکایی که موافق روابط خارج از عرف بود. تحقیقاتی بر مسائل جنسی انجام داد؛ و آمارهایی ارائه کرد که باعث رشد بی‌بندوباری جنسی و افسارگسیختگی در روابط نامشروع مردم امریکا شد. در این



حین کنگره آمریکا بودجه‌ای مشخص می‌کند تا با کمک خانواده پرنفوذ «راکفلر» از تفکرات کنزی حمایت کند و گفتند چون خواست عموم بی‌بندوباری است، پس این توحش جنسی جرم نیست و قانون چیزی است که خواسته عموم باشد. در حالی که در واقع عموم مردم مخالف بودند.

سرمایه‌داران غرب برای ثروت بیشتر از این تفکرات حمایت و مردم را برده فکری طبقه ثروتمند کردند.

جالب است بدانیم زمانی که هم‌جنس‌بازی در آمریکا تابو بود و مورد نهی و انزجار عموم بود، کنزی هم‌جنس‌گرایی داشت به حدی که مورد اعتراض همسر و همکارانش قرار گرفت و روابط جنسی نامحدود داشت و جامعه آماری کنزی، مردم عادی سالم نبودند بلکه او تعمداً از زندانیان با سهم سواد پایین و کسانی که جرائم جنسی داشتند آمار می‌گرفت.

به گفته همکارانش کنزی کار علمی نمی‌کرد بلکه هدفش تغییر سبک زندگی مردم مطابق امیال شیطانی خودش بود.

او تعادل روانی نداشت مثلاً برای آماری که می‌گرفت به ۸۰۰ کودک تجاوز جنسی مخفیانه کرد و با جامعه آماری دلخواه، قوانین دلخواه وضع می‌کرد. او به نوزاد ۵ ماهه تا کودک ۱۰ ساله تجاوز و لیست آماری خود را تهیه کرد.

به عنوان نمونه فقط ۲۶ بار به کودکی ۴ ساله در طول ۲۴ ساعت تجاوز شد.

این فرجام ملتی است که ثروتمندان و سیاستمداران فاسد زمام امورشان را در دست دارند و قوانین بیماری روانی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند چون برایشان تولید ثروت می‌کند اگرچه به نابودی انسانیت بیانجامد، در حالی که می‌دانند واقعیت چیز دیگری است. این نتیجه کنار نهادن عقل است که نظریه اثبات نشده فروید و مطالب کنزی را قبول می‌کنند چون موافق تمدن غرب جدید و الحاد و اومانیسیم است. و نتیجه از بین رفتن عفت و حیا، این شد که به نقل از نقشه خانواده، در سال ۲۰۱۰ آمار فرزندان نامشروع ۴۱٪ شد. در حالی که در سال ۱۹۶۰ آمار فرزندان نامشروع آمریکا ۵/۳٪ بود.



شاید باورش سخت باشد که طی چند دهه بشود جای منکر(بی‌حجابی و بی‌عفتی) و معروف (حجاب و عفت) را برعکس کرد؛ و بشود باورها و اعتقادات مردم را عده‌ای سردمدار فاسد عوض کنند.

برای درک بهتر به نمونه‌ای اشاره می‌کنیم در مورد موسیقی راک و متال آرمان‌گرایانه که تبدیل به موسیقی شیطان‌پرستان شد و همچنین لباس پاره و بوی بدی که نماد همزادپنداری و همدردی با فقرا بود، تبدیل به آخرین مد افراد ثروتمند و مدگرایی شد، که اهمیتی به فقرا نمی‌دادند.

راست گفته اند که اگر در زمان ما پیامبری ظهور می‌کرد معجزه‌اش سینما بود. خنده‌دار است که به چه راحتی بزرگان فاسد، شروع به تغییر اذهان و افکار مردم به سمت منافع عده‌ای انگشت‌شمار می‌کنند و به غیر نخبگان کسی هم متوجه و معترض این دگرگونی نیست.

نمونه‌ای از تغییر افکار و اذهان مردم توسط سردمداران فاسد

جنبش‌های اعتراضی دهه ۶۰ میلادی با اعتراض به جنگ امریکا و ویتنام شروع شد و پس از مدتی به کل اروپا سرایت کرد. موسیقی به عنوان یک رسانه در این حرکت‌ها مورد استفاده گسترده قرار گرفت. پس از مدتی سبک راک و متال با ساختار اعتراض گونه‌ی خود جایگاهی ویژه در این جنبش پیدا نمودند. در سال‌های اول تقریباً تمام اشعار و ترانه‌های متال دارای خمیرمایه اعتراض‌آمیز بر ضد جنگ، عشرت طلبی و سلطه سیاسی- اجتماعی بود. ترانه‌ها برای مبارزه با مدرنیته مصنوعی و سلطه تجاری و بیان رنج‌های جوامع در جهان سوم سروده می‌شد. بخشی از اشعار هم مربوط به مسائل معنوی و نکاتی برای بیدار کردن ضمیر انسان‌ها بود^۱... در آن سال‌ها که تازه رسانه‌های صوتی و تصویری جهان گیر می‌شد، ستاره‌های هنری و سبک‌های تازه در موسیقی و سینما خواسته یا ناخواسته مأمور شدند که ارزش‌ها و اندیشه‌های شیطنانی را در دنیا ترویج کنند؛ و

صد البته این چیزی نبود که جوانان معترض و تحول خواه دهه ۶۰ و یا هنرمندان موسیقی سبک راک و متال می خواستند...

شبکه‌های تلویزیونی و مطبوعات که در اختیار شرکت‌های سرمایه‌داری بودند و با آخرین دستاوردهای پژوهشی در شاخه‌های علوم اجتماعی، علوم ارتباطات، روانشناسی و جنگ روانی هدایت می‌شدند، کار خود را برای استفاده از متالرها برای ترویج افکار شیطانی آغاز کردند.

در گام نخست کوشیدند آن‌ها را در هنجارهای تمدن سرمایه‌داری جذب و هضم کنند و نیز تأثیرگذاری آن‌ها را بر جامعه افزایش دهند. از این رو پیشنهاد ضبط استودیویی به این گروه‌ها دادند تا به وسیله آن بتوانند صدای خود را به گوش افراد بیشتری برسانند؛ اما این موضوع یک پیامد مهم داشت و آن، فروش زیاد نوارها و فیلم‌های گروه و در نتیجه شهرت و ثروت بود و این موفقیت‌ها به قیمت فاصله گرفتن از آرمان‌ها و جذب شدن به ارزش‌های نظام سرمایه‌داری تمام شد...

آخرین اقدام، تغییر هویت این گروه‌ها و ستاره‌هایی بود که به اندازه کافی مشهور و محبوب شده بودند؛ برای نمونه، گروه «بلک سبث» به عنوان یک گروه و آوانگارد، برچسب شیطانی خورد؛ فقط به این دلیل که با برنامه‌ای حساب شده، افرادی با لباس‌های سیاه شیطان پرستی و نمادهایی مثل صلیب بر عکس یا ستاره پنج پر در اجراهای آن‌ها حاضر می‌شدند و این صحنه در تصاویری که از برنامه‌های این گروه می‌گرفتند، برجسته شده و در رسانه‌ها و مطبوعات بازتاب گسترده یافت. در پی این تبلیغات دروغین مبنی بر شیطانی جلوه دادن گروه «بلک سبث» و بعدها سایر گروه‌های متال، خواننده این گروه معروف به «زری» در مصاحبه‌ای گفت: من به خدا اعتقاد دارم و هرگز دنبال تفکرات شیطانی نرفته‌ام و از دیدن طرفداران با آن لباس‌های سیاه می‌ترسم.





اما این تبلیغات مؤثر افتاد و گروه‌های دیگر دیدند که راه شهرت و ثروت، در بازار شیطان‌پرستی است داوطلبانه شیطان‌پرستی را برگزیدند و مرلین منسون خواننده شیطان‌پرست، در حال حاضر نمونه بارزشان است...

گروهی به اسم «پانک» وقتی دیدند موسیقی متال از آرمان‌ها فاصله گرفته، خودشان موسیقی آرمان‌گرایانه را حیاتی دوباره دادند.

برای اعتراض به تجمل‌گرایی، مصرف‌زدگی، سرمایه‌داری، بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی از زباله‌ها کفش و لباس پیدا می‌کردند و می‌پوشیدند و ظاهر ژولیده، لباس‌های پاره و بوی لجن ویژگی آنان بود. آن‌ها توانستند با شور و هیجان شعارهای آرمانی که مردم تشنه آن بودند و نیز با پوشش تبلیغاتی فوق‌العاده، جایگاه چشم‌گیری در فرهنگ جوانان پیدا کنند.

اما داستان پانک نیز به سرانجام نرسید. پس از مدتی، لباس‌های پاره و نامرتب که نماد فقر و بی‌عدالتی بود از سوی شرکت‌های سرمایه‌داری که روی تبلیغات آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده بودند، به صورت مدل روز به تولید انبوه رسید و به قیمت گزاف در بهترین بوتیک‌های نیویورک، لندن، پاریس، بن و سایر شهرهای دنیا به فروش رسید. حتی ادکلن‌های گران‌قیمتی با بوی نامطبوع تولید و توزیع شد. به این ترتیب بازی با افکار، هیجان‌ات و ارزش‌های مردم به صورت سرگرمی برای قدرت‌های پشت پرده درآمد. آن‌ها دیدند که می‌توانند به راحتی به افکار و ارزش‌های مردم جهت بدهند و تصورات آدمی را دگرگون سازند؛ از اینجا بود که با اطمینان به ترویج علنی‌تر اندیشه‌ها و آرمان‌های شیطنانی پرداختند^۱.

واقعاً خنده‌دار است لباس پاره و ادکلن با بوی بد را که نماد فقر و کثیفی است را عده‌ای با افتخار مصرف می‌کنند و هزینه‌گرافی برایش پرداخت می‌کنند و به دیگران فخر می‌فروشند و بعضی هم آرزوی پوشیدنش را دارند.

۱. بی‌نقاب، نگاهی دقیق‌تر به جریان شیطان‌گرایی، حسین عرب ص ۱۵۰ تا ۱۵۸.



اوایل که این لباس‌های پاره آمده بود مردم با دیدن این نوع پوشش‌ها تعجب می‌کردند فکر می‌کردند که فرد از روی نداری و فقر این نوع پوشش را دارد.

قدرت‌های جهانی تصمیم گرفتند که این تفکرات مادی و الحادی و اومانستی را که به ثروت و قدرت آنان ختم می‌شد، به سراسر جهان صادر کنند. لذا ماهواره، اینترنت، فضای مجازی و شبکه اجتماعی و رسانه‌های فراگیر به خدمت درآمد و صادرات این نوع پوشاک به سایر کشورها با هجمه‌ای بزرگ، سرآغاز تحولی در جهان شد.

یکی از مسئولین غربی و میشل هولاک نویسنده فرانسوی گفته اند که اگر به جای بمب، بر سر مردم افغانستان دامن کوتاه می‌ریختیم تا الان پیروز شده بودیم، یعنی ابزار تسلط بر جوامع دیگر بی‌حجابی و بی‌بندوباری است.

آن‌ها تصمیم گرفتند مخالفان این بدعت و فساد را با ابزارهایی مثل حقوق بشر، سازمان ملل، گروه‌های مردم‌نهاد هم سو و فشار مالی و سیاسی در قالب جهانی‌سازی، دهکده جهانی، تطمیع یا مجبور به سکوت و یا حذف کنند، نمونه این اقدامات در خود غرب فراوان است از برخورد با نخبگان و استادان دانشگاه‌های خود تا کارگردانان و مستندسازان مستقل. فقط یک مورد برخورد با کشیشی که از سر دل سوزی مطلبی بیان داشته بود را در آینده ذکر می‌کنیم.

متأسفانه در ایران هم این نوع فرهنگ به قشر جوان سرایت کرده و اعضای خانواده‌ی ایرانی که دیدند پسرشان شلوار نو و پاره‌ای خریده است، فکر کردند که کارگاه تولیدی لباس را خراب کرده و او متوجه نشده، ولی با مطلع شدن از اینکه این مد روز است، مات و میهوت شدند.

به نقل مضمون از آقای عشقی، دکتری روانشناسی و از اساتید نقد عرفان‌های کاذب حوزه علمیه: دوستم مرا در تهران به فروشگاه لباسی برد که تمام لباس‌هایش پاره و عجیب بود، نخست فکر کردم لباس‌های دسته دوم و به اصطلاح تاناک اند، ولی بوی تازگی و نو بودن لباس‌ها مشخص بود. گفت که این لباس‌ها برندهای مشهورند و به قیمت بالایی فروش می‌روند.



روایتی از پیامبر اسلام ﷺ داریم که فرمودند: در آخرالزمان منکر، معروف و معروف، منکر می‌شود.^۱

پوشش زن ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در دهه ۶۰ فضای انقلابی حاکم بر جامعه و نیز در ادامه اتمسفر معنوی و خاصی که در اثر حمله متجاوزان بعثی به کشورمان، میان اقشار و آحاد جامعه به وجود آمده بود، مردم را به سمتی برده بود که دغدغه مُد نداشتند و حجابی مقبول داشتند.

دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی

با پایان جنگ و از میان رفتن الزامات خاص اقتصادی و سیاسی آن از یک‌سو و آغاز دوره تأثیر همه‌جانبه رسانه‌هایی چون ویدئو و ماهواره، دوباره موج مُدگرایی در جامعه آغاز شد. کاهش سختگیری‌ها و افزایش واردات البسه خارجی هم در تشدید این فضا مؤثر بود.

دهه ۷۰ کم‌کم شلوارهای پارچه‌ای جای خود را به جین‌های تنگ داد و پیراهن‌های معمولی مردانه به تی‌شرت تبدیل شد، آرایشگاه‌های مردانه دیگر فقط وظیفه کوتاه کردن موها را به عهده نداشتند.

مدهای زودگذر و دیرگذر مرتب به جامعه می‌آمد، حتی برخی سریال‌های تلویزیونی الهام‌بخش لباس و مُد بودند، مثلاً مدل لباس شعبان بی‌مخ در سریال هزارستان. باعث تولد مانتوی خفافی یا هزاردستانی در آن سال‌ها شد. مدل‌های مختلف روسری و مانتو و تنوع در این حوزه، اتفاق مهم لباس زنانه ایرانی در دهه ۷۰ بود.

دهه ۸۰، دهه اینترنت بود. مُد و مُدگرایی اگر تا قبل از آن از پنجره تنگ ویدئو و ماهواره سلانه‌سلانه به خانه‌ها و میان جوانان و مردم می‌آمد، حالا از بزرگرایی

۱. نهج الفصاحه/ ص ۴۰۱/ج ۱۲۱۸.



به نام اینترنت مستقیماً به خانه‌ها می‌آمد. سرعت تحول مُد در دهه ۸۰، سریع‌ترین دوره بود، به طوری که شاید هر سال یک مُد در جامعه می‌آمد و برچسب «دَمُدِه» یا «از مُدافتاده» به لباس‌های نه‌چندان کهنه داخل کمد‌ها می‌خورد.

در دهه ۸۰، افراط در مُد به حدی رسید که پلیس دوباره مانند سال‌های دهه ۶۰ به برخورد مستقیم با گونه‌های افراطی و ناهنجار مُد و مُدگرایی پرداخت. داستان مُد و مُدگرایی به نظر پایانی ندارد و حال ما در سومین سال دهه ۹۰ خورشیدی، میراث دار این فرهنگ هستیم.^۱

از علل حجاب، حفظ حریم و عفت و حیا بوده است متأسفانه در زمان حاضر قدرتمندان که ثروت و لذت و تسلط کامل بر تمام اقشار را جهان می‌خواهند حجاب را سد راه خود دیده و آن را مخالف دیدگاه‌های خود می‌دانند لذا با از بین بردن عفت و حیا سعی در برده‌داری نوین جهانی دارند.

این برده‌داری ذهنی است که بدتر از برده‌داری جسم می‌باشد.

اندلس سازی ایران

داستان غم بار اندلس

داستان غمبار نابودی یک تمدن؛ چگونه «اندلس» با بی‌حجابی سقوط کرد. حجاب یکی از اصول ارزشمند اسلامی است که اثرات اجتماعی و تمدنی بسیار مثبتی دارد و عدم رعایت آن می‌تواند حتی یک تمدن را مضمحل کند همان‌طور که در تاریخ اسلام نمونه آن را در داستان اندوه‌بار سقوط اندلس در اروپا داریم. به گزارش خبرگزاری مهر:

اسپانیا که در قدیم اندلس نامیده می‌شد در سال ۷۱۱ میلادی توسط مسلمین فتح شد. مسلمانان حدود ۸۰۰ سال بر آن حکومت کردند که هنوز هم آثار اسلامی



و بناهای معماری اسلامی در جای جای آن به چشم می‌خورد. بارها مسیحیان بر این کشور تاختند، اما مسلمانان مقاومت نمودند و آن‌ها را شکست می‌دادند.

بعد از شکست‌های پی‌درپی مسیحیان برای غلبه بر اندلس، آن‌ها به یک حيله فرهنگی متوسل شدند و دختران بی پوشش اروپایی را روانه اسپانیا نمودند. این دختران، جوانان مسلمان را فاسد کرده و کم‌کم آن‌ها را گرفتار فحشا نمودند و این معصیت چنان سریع رواج یافت که دامن سردمداران را هم آلوده ساخت و آنگاه که درخت از داخل تهی شد یک حمله نظامی در سال ۱۴۹۲ میلادی مسلمین را از پای درآورد. صد هزار نفر کشته شدند و بقیه تسلیم شدند و زندگی نکبت باری را تحت حکومت مسیحیت آغاز نمودند. اینان نیز یا به تدریج کشته می‌شدند و یا به دین مسیحیت می‌گرویدند. پس از مدتی مسیحیان به آن‌ها نیز رحم ننمودند و دین آن‌ها را تقیه حساب کرده و همه را از دم تیغ گذرانده یا به مهاجرت وادار نمودند.

چنانچه بسیاری از دانشمندان تاریخ‌نویس گفته‌اند از زمانی که فردیناند اسپانیا را فتح کرد تا آخرین مهاجرت مسلمانان سه میلیون نفر از نفوس اسپانیا کاسته شد.^۱

رواج فحشا همراه تاکستان‌هایی که وقف تهیه شراب برای اندلس شدند برای فروپاشی حکومت کفایت می‌کرد.

حجاب مبنایش مخالفت با هوای نفس است و تمدن اسلامی یعنی مخالفت با هوای نفس، بی‌حجابی آغاز فروپاشی تمدن اسلامی است. تمدن غرب مبنایش موافقت با هوای نفسه و حجاب آغاز فروپاشی تمدن غرب است.

لذا بحث حجاب استراتژیک و مهم است. همان‌طور که آشکارا مسئولین و اندیشکده‌های غرب تصریح می‌کنند ضعیف کردن عقاید و از بین بردن حیا و

عفت باعث شکست نظام دینی است و پایه آن حجاب است که برای سقوط باید از بین برود.

بودجه‌های براندازی نظام ایران

کنگره آمریکا سالیانه مبالغی هنگفت برای براندازی جمهوری اسلامی ایران در ردیف بودجه خود تعریف کرده است؛ و شبکه‌های ماهواره‌ای وظایفشان از بین بردن نهاد خانواده و ترویج بی‌حجابی و بی‌بندوباری است؛ و تأملی شود معلوم می‌شود که مخارج این شبکه‌ها از کجا تأمین می‌شود؟

«رابرت مرداک» مدیر شبکه 1 farsi گفته است برای نابودی ایران باید در خصوص کلمه‌ی مقدسی به نام خانواده هزینه کرد و من قصد دارم تا موضوع مادر را در دستور کار خود قرار دهم. در ایران مادر خانواده همه‌چیز را مدیریت می‌کند و اگر مادر را به لجن بکشیم تمام این جامعه به لجن کشیده خواهد شد.

آمار نشان از اثرگذاری تبلیغات

همه به این مطلب اذعان دارند و آمار قوه قضاییه بیانگر این است که یکی از علل اصلی پرونده‌های طلاق و جرائم اخلاقی ماهواره و شبکه‌های اجتماعی است؛ و خود افراد مراجعه‌کننده اعلام می‌دارند که رسانه‌های فاسد عامل اصلی اختلافاتشان می‌باشند.

الگوسازی پوشش ناهنجار در کشور

چند سال قبل اتوبوسی از زنان و خانم‌ها با آرایش‌های زیاد و بی‌حجاب را توقیف کردند و زنان بی‌حجاب با آن وضع و پوشش زننده وظیفه داشتند که در خیابان‌های شهر تردد کنند و بگردند تا قباحت‌ها را ریخته و جو جامعه را عوض کنند.

یکی از مسئولین امر به معروف و نهی از منکر استان قم در تاریخ ۹ آبان ۹۶ بیان داشت: خانم‌هایی بازداشت شدند که در بهترین هتل‌ها اسکان برایشان تدارک





دیده شده بود با سه وعده غذا و روزی هم پنجاه هزار تومان دستمزد که فقط با پوشش نامتعارف و زننده در شهر تردد کنند از این موارد در شهرهای مختلف گزارش شده است این یعنی دست‌های پشت پرده خط‌شکن، جو جامعه را دارند عوض می‌کنند و سرنوشت اندلس دارد تکرار می‌شود.

چند ماه پیش یکی از دوستان ما سوار تاکسی می‌شود و راننده تاکسی به دوستان ما که طلبه است می‌گوید: مطلبی به شما بگویم قبل از شما اینجا پسری نشسته بود و با ابروهای برداشته و وضع خوبی نداشت با ناراحتی به راننده گفت که خواهر ما وظیفه دارد هر روز با آرایش غلیظ و بدون حجاب در انظار ظاهر شود و افرادی به ما حقوق می‌دهند و حالا که می‌خواهیم این کار را نکنیم ما را تهدید می‌کنند بلایی سرمان بیاورند و به‌ناچار این کار را می‌کنیم.

یا در سطح تهران خانم‌هایی بی‌حجاب را بازداشت کرده بودند با تیپ‌ها و آرایش‌های خاص و غلیظ که اعتراف کرده بودند که پول می‌گیرند با این وضع بگردند تا جو جامعه را خراب کنند. در سایر شهرستان‌ها هم بعضاً این گزارش‌ها وجود دارد.

بی‌توجهی بعضی از مسئولین به مقوله بی‌حجابی

مسئولین امر به علت بی‌توجهی یا عدم آگاهی از عمق فاجعه جلوی این امور را نمی‌گیرند یا بعضاً خود مقصر و در این بحث دخیل اند.

آقایان اگر متشعر نیستند قانون مصوب مجلس را عملی کنند. یکی از نمایندگان سابق مازندان در مجلس می‌گفت: اگر در غرب چیزی را قبیح بدانند و قانون شود به شدت با آن برخورد می‌کنند. در کتاب قانون مجازات اسلامی در ایران، بی‌حجابی به عنوان جرم تعریف شده و قانون‌گذار محکومیت مالی و حبس برای مرتکبین در نظر گرفته است.

در فصل ۱۸-جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی. تبصره ماده ۶۳۸ آمده است زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده

روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.^۱

سردار احمدی مقدم فرمانده سابق نیروی انتظامی مطلب جالبی بیان می‌کند که بعضی از مسئولان دولتی به ما گفته‌اند که با دو مقوله نباید برخورد شود، بی‌حجابی و ماهواره. البته ۲۶ نهاد، موسسه و وزارت خانه در مورد فرهنگ‌سازی حجاب وظیفه دارند که آخرین نهاد ناجا است که عملاً اولین و تنهاترین نهاد مبارزه با بی‌حجابی است با همه کمی و کاستی و انتقاداتی که وارد است. سردار منتظر المهدی سخن‌گو و معاون اجتماعی ناجا: کم کارکردی و ناکارآمدی برخی دستگاه‌های فرهنگی مسئول در حوزه حجاب، کار پلیس را که آخرین ایستگاه ۲۶ دستگاه متولی حجاب است را، افزون کرده است.

بی‌حجابان، با دل‌های پاک و معصوم در خدمت اهداف استکبار

خانم‌هایی که بی‌حجاب‌اند خواسته و ناخواسته به اهداف شیطان‌صفتان کمک می‌کنند و باعث آلودگی کشور اسلامی عزیزمان می‌شوند و دنیا و آخرت خود را خراب می‌کنند. خواسته یا ناخواسته.

آنان قصد بدی ندارند ولی چه بخواهی و چه نخواهی وقتی چاقویی را روی دستت بذاری چه حواست باشد یا حواست نباشد و متوجه کارت بشوی یا نشوی، باعث جراحت می‌شود. پس اگر چه عموم بی‌حجابان چنین قصدی ندارند ولی اثر سوء و بد را در جامعه می‌گذارند البته بعضی از بی‌حجابان به عمد و با طرح و برنامه‌اند و روی بی‌بندوباری کار می‌کنند.

مواد مخدر و مشروبات الکلی

افزایش مصرف مواد مخدر و مشروب در ایران تکمیل‌کننده پروژه اندلس سازی در ایران هستند. دسترسی به آن‌ها سریع، راحت و بی‌دردسر است در هر نقطه‌ای

۱. قانون مجازات اسلامی، فصل ۱۸، ماده ۶۳۸.





از شهرهای ایران باشید فروشندگانی را می‌یابید که در ازای مبلغی ناچیز مواد یا مشروب را در اختیار شما قرار می‌دهند ولی پیدا کردن بعضی داروهای بیماران در داروخانه‌ها هم مشکل است.

مشروب‌خواری و مصرف مواد مخدر تبلیغی عمومی دارد تا ذهن مردم به‌ویژه جوانان را درگیر کند. بعضی مشروب‌های وارداتی، مشروب‌های ارزان قیمتی هستند که با جعل برندهای معروف جهانی تولید می‌شوند. مشروب‌هایی که در داخل کشور به صورت غیرقانونی تولید می‌شود هم، کمک‌کار مصرف زیرزمینی است.

رسانه‌های عمومی

سینما و تلویزیون و سایر رسانه‌ها هم نقش خود را فراموش نکرده‌اند. خیلی اوقات بانوان چادری را افراد بی‌بضاعت، فقیر، یا در زندان و دادگاه، با چادر و ناراحت نشان می‌دهد و بعد از آزادی آن‌ها را بی‌حجاب و شاد نشان می‌دهد و یا خانم‌های چادری افراد سطح پایین جامعه‌اند، ناخودآگاه افراد تحریک‌شده و رغبت به بی‌حجابی دارند برای اینکه در جامعه شاد بوده و شخصیت اجتماعی بالا و بافرهنگی داشته باشند؛ و نمونه‌های زیادی از بانوان محجبه دانشمند، فرهیخته و با وضع مالی مناسب و خوب داریم باید صداوسیما به عنوان الگو به جوانان معرفی کند.

بی‌حجابی، نافرمانی مدنی

متأسفانه بعضاً افرادی که از نظام ناراضی‌اند و یا برخورد مناسبی از مسئولان در جمهوری اسلامی ندیده‌اند برای اینکه تلافی ناراحتی خود را بکنند و اعتراض و ناراحتی خود را به گوش مسئولان برسانند حجاب خود را برمی‌دارند.



و توجه ندارند که در قانون آورده شده که افراد می‌توانند شکایات خود را به مراجع ذی صلاح ارائه دهند، از جمله دیوان عدالت اداری یا نهادهای نظارتی و حراستی؛ و در تمام ادارات این نهادها وجود دارد.

همچنین قانون حق راهپیمایی و تظاهرات اعتراض‌آمیز را در حیطه قانون مجاز دانسته است.

نظام ایران جمهوری اسلامی است و چون سردمداران غرب قدرت معارضه با جمهوریت را ندارند رو به تضعیف اسلامیت کرده‌اند از جمله بی‌حجابی را ابزار کرده‌اند.

و دین‌داری این افراد تحت شعاع سیاست واقع شده است؛ و در نظام‌های اعتقادی معمولاً این موضوع وجود داشته است.

نویسنده آمریکایی، جو کلی جامعه را در استفاده دختران از پوشش‌های نامناسب مؤثر می‌داند و رابطه مستقیمی بین ظاهر سبک سرانه دختران و زنان با مزاحمت‌های خیابانی می‌داند.

خانم وندی شلیت، متولد سال ۱۹۷۵ م در ایالت ویسکانسین آمریکا و فارغ‌التحصیل رشته فلسفه از دانشکده ویلیانر، در کتاب خود به نام بازگشت به عفاف، مشکلات ناشی از بی‌توجهی به عفاف در جامعه آمریکا را با شواهد دقیقی بررسی کرده و به نقش اساسی عفاف در سلامت فرد و جامعه پرداخته است.

او از معدود زنانی است که با منطق و استدلال، نارضایتی درونی زنانی را که قربانی بی‌عفتی شده‌اند، آشکار می‌کند. وی به شکوه‌های زنان زیادی اشاره می‌کند که خود را در حل مشکلات ناشی از بی‌عفتی حاکم بر جامعه، تنها می‌پندارند. در حقیقت او تک صداهای اعتراض‌آمیز را از دل فرهنگ آمریکا بیرون کشیده و آنها را با صدایی بلند بیان کرده است. در اینجا به گزیده‌ای از مطالب این کتاب اشاره می‌کنیم:



خانم شلیت در مقدمه کتاب خود، با اشاره به گرایش روزافزون زنان جوان جامعه آمریکا به پاک دامنی، از اینکه فرهنگ جامعه، علت اصلی این بازگشت را درک نمی‌کند و آن را با دلایلی بی‌اساس توجیه می‌کند، اظهار تأسف کرده و می‌نویسد: بسیاری از مردم گمان می‌کنند زنانی که روش زندگی عفت‌مندان را در پیش گرفته‌اند، افرادی هستند که با آنها بد رفتاری شده یا از بحرانی روحی رنج می‌برند، در حالی که به هیچ‌عنوان این‌گونه نیست و بیشتر این افراد با نشاط، سرزنده و فعال‌اند.

وی معتقد است حمله‌های غیرمنطقی به مسئله پدرسالاری و از بین رفتن نقش پدر در جایگاه راهنما و مراقبی برای دختر، سبب شده این دختران هرگونه رفتاری را از سوی مردان تحمل‌کنند. جامعه بر این باور است که دختران نباید به پدرانشان چندان وابسته باشند، در حالی که به اعتقاد وی، در سرزمینی که روابط جنسی بی‌قانون بر آنجا حاکم است، از دخترانی که از حمایت مردانه برخوردار نیستند، بیشتر سوءاستفاده می‌شود.

جامعه امروز آمریکا، برای دخترانی که روابط اجباری را رد می‌کنند، شرایط دشواری به وجود آورده است! امروزه دختری که می‌خواهد قبل از ازدواج پاک بماند، هیچ پشتیبانی ندارد.

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، دانشگاه‌ها از کسانی که مشتاق درس خواندن بودند، پشتیبانی و آنان را در مبارزه با فشارهای جنسی یاری می‌کردند، به‌گونه‌ای که دانشجویان مجبور بودند مخفیانه رابطه جنسی برقرار کنند... اما اکنون باید از بی‌بندوبار نبودن خود شرم‌منده باشی و با بیم و هراس تمایل خود را به پاک دامنی، نشان دهی... اکنون عفت، تابو به شمار می‌رود.

نویسنده، جوّ کلی جامعه را در استفاده دختران از پوشش‌های نامناسب مؤثر می‌داند و با اشاره به رابطه مستقیم ظاهر سبک سرانه دختران و زنان با مزاحمت‌های خیابانی، می‌نویسد: «به عقیده فمنیست‌ها، زنان باید هر چه می‌خواهند بپوشند و مشکل اصلی، وجود مردان بی‌ادب است.» نویسنده در پاسخ، به نکته



ظریفی اشاره کرده و می نویسد: آنچه مسئله را پیچیده می کند، این است که حتی اگر مردان رفتار نامناسب نداشته باشند، بسیاری از زنان از پوشیدن لباس های بسیار تحریک آمیز، احساس ناراحتی می کنند. این روزها، رعایت وقار در پوشش، همانند واخوردگی در زمینه مسائل جنسی تلقی می شود و زنان برای اینکه ثابت کنند این گونه نیستند، مجبورند از پوشش های نامناسب استفاده کنند. واقعیت این است که نمادهای موقتی، جانشین نمادهای جاودانه زنانگی شده است و این انتظار که زنان خوب باشند، جای خود را به این توقع داده است که در روابط جنسی خوب باشند.

امروزه مردانگی مردان نیز در داشتن روابط بی قیدوبند تعریف می شود، در حالی که زمانی، مردانگی آنان، با شرافتمندانه بودنشان به اثبات می رسید. امروزه رفتارهای مؤدبانه مردان، نوعی تبعیض گرایی به حساب می آید؛ زیرا هنگامی که دو جنس، یکسان و برابر تلقی شوند، دیگر دلیلی برای ادای احترام مردان به زنان وجود ندارد. امری که در گذشته بسیار رایج بود، امروزه توهین به استقلال زنان شمرده می شود.

خانم شلیت در کتابش، به خاموش شدن لذت جنسی در جامعه غربی اشاره می کند و می گوید: ما بدون وجود پاک دامنی، گم شده ایم. دیگر چیز خاصی ما را به هیجان نمی آورد و خود نمی دانیم مشکل چیست! ... ما اکنون همه چیز را تجربه می کنیم و با اینکه همه چیز برایمان مجاز است، هنوز احساس خوش حالی نمی کنیم. شاید اینکه دیگر هیچ چیز ارضایمان نمی کند، از همین مجاز بودن همه چیز سرچشمه می گیرد.

نویسنده از افزایش مزاحمت های خیابانی در جامعه امریکا خبر می دهد و می نویسد: براساس گفته های دختران، آنان پیوسته احساس می کنند با رفتارهای خشونت آمیز به آنها بی احترامی می شود. این رفتارها به صورت های گوناگون دیده می شود، مانند: مزاحمت های جنسی، اذیت و آزار روانی، آزار جسمی و



کلامی و تجاوز به عنف. بیشتر دختران، حتی برای تنها قدم زدن در خیابان، احساس امنیت نمی کنند.

روشن است که زنان از مردان آسیب پذیرترند و نقش پاک دامنی جنسی زنان، از آنان در برابر این آسیب پذیری، به صورت مؤثری حفاظت می کند. برخی به بهانه تساوی زن و مرد، زن را به بی بندوباری جنسی تشویق و آن را نشانه آزادی وی تلقی می کنند، درحالی که در پایان، بسیاری از زنان جوان قربانی می شوند. نویسندگان در بخشی از کتاب، بخش هایی از نظریه های زنان یهودی و مسیحی را درباره پاک دامنی و تأثیر آن بر شخصیت و زندگی خانوادگی زنان و نیز جمله هایی از نامه یک زن مسلمان ۲۰ ساله، ساکن مونترال کانادا را که در مجله وگ آمده است، نقل می کند. در این نامه، دیدگاه اصولی زنی مسلمان در دفاع از حجاب، به عنوان عامل ملامت جامعه، منعکس شده است. نویسندگان در ادامه، با اشاره به الزاماتی که جامعه امروز آمریکا به مردم تحمیل می کند، می نویسند: قرار بود دوران ما، دوران آزادی بزرگ باشد، درحالی که بیشتر مردم اکنون ناگزیرند به فرهنگی که در آن زندگی می کنند، اجازه دهند تا برای آنان انتخاب کند. برخلاف آنچه می پنداریم، گزینش های ما به ندرت از درون ما سرچشمه می گیرد و انتخاب هایمان همواره به ما داده می شوند، پس اکنون که قرار است چنین باشد، چرا این انتخاب ها را از خداوند و از سنتی که پر از گنجینه های حکمت است، دریافت نکنیم؟

نویسندگان درباره آینده پاک دامنی می نویسند:

اکنون زمان آن رسیده که به فرهنگ پاک دامنی روی آوریم. دیگر در مسیر بی عفتی به پایان خط رسیده ایم و چاره ای جز بازگشت نداریم. ممکن است این سخن، مرتجعانه به نظر برسد، اما کم کم شاهد ظهور حسی جمعی هستیم که معتقد است همه چیز خیلی لجام گسیخته پیش رفته است. به همین دلیل است که احتمال یک انقلاب متقابل بسیار زیاد است. در پایان می نویسند:

به دلیل ضربه شدیدی که امروزه به کودکان وارد می شود؛ به این دلیل که مربیان آموزش مسائل جنسی، یا وسایل پیش گیری از بارداری و اشعار مستهجن، به حریم روزهای اولیه زندگی ما تجاوز می کنند یا به این دلیل که والدین، فرزندان خود را رها کرده اند، بسیاری از ما حس می کنیم گویا هرگز فرصت جوان بودن را نداشته ایم. پاک دامنی جنسی برای ما یک فضیلت است و من پیش بینی می کنم که برای شمار رو به افزایشی از جوانان نیز به یک فضیلت تبدیل خواهد شد؛ زیرا می توانیم با آن بر پاک دامنی ذاتی خود تأکید کنیم.^۱





==

فصل سوم: آثار بر حجاب

فصل سوم

آثار بی حجابی



آثار بی‌حجابی در غرب

آمار سازمان‌های بین‌المللی

متأسفانه ما همیشه می‌پنداریم مرغ همسایه غاز است و ساکنان کشورهای خارجی چون بی‌حجاب‌اند لذت بیشتری می‌برند. عده‌ای نیز می‌گویند حجاب مصونیت نیست و حضور با حجاب در جامعه چندان فرقی با حضور بدون حجاب نمی‌کند و حجاب فقط محدودیت ایجاد می‌کند. پاسخ این شبهه را به راحتی با آمار و ارقام مورد تأیید خود غرب می‌توان داد. نگاهی به آثار بی‌حجابی در غرب می‌اندازیم.

دامن‌های کوتاه و لباس‌های نامناسب، دلیل اصلی آمار بالای تجاوز به

زنان در غرب

در دنیای «مدرن» یا دنیای سرمایه‌داری جهانی وضع بدین گونه است که اگر شخصی حرف حقی را بزند ولی حرفش با سیاست‌های جهانی و لابی‌های قدرتمند سیاست و ثروت همخوانی نداشته باشد، محکوم به نابودی و فراموشی است و هیچ فرقی نمی‌کند این شخص سیاستمدار باشد، تاجر باشد، رئیس‌جمهور باشد،



کشیش باشد و یا هر منصب دیگری، مهم همسویی با سیاست‌های پشت پرده است.

«دون پیرو کورسی»، کشیش دهکده سان ترِنسو ایتالیا می‌گوید: دلیل افزایش خشونت علیه زنان دامن‌های کوتاه و لباس‌های نامناسب آن‌ها است و فقط همین عبارت کافی است تا سازمان‌های دفاع از حقوق زنان در ایتالیا و غرب علیه او اعلام جرم کنند و بگویند او آزادی زنان را محدود کرده و به آن‌ها توهین کرده است، فشارهای وارده به حدی بوده است که کشیش ایتالیایی اعلام می‌کند از سمت خود استعفا می‌دهد!

دون پیرو کورسی



به راستی اظهارات این کشیش ایتالیایی ساکن تمدن غرب چه میزان از واقعیت فرهنگی غرب را بیان می‌کند؟ آیا اظهارات او تا این حد خلاف واقع است که سازمان دفاع از حقوق زنان علیه او اعلام جرم کند؟ چرا با وجود دلایل منطقی و علمی مبنی بر تجاوزهای جنسی علیه زنان به دلیل رفتارهای پرخطر و تحریک‌آمیز، هیچ



صدایی برای رفع این مشکل از غرب شنیده نمی‌شود؟ آیا استدلال آزادی زن در جامعه غربی می‌تواند پاسخ مناسبی برای حل این معضل غربی باشد؟

از سوی دیگر، در دنیای مدرن جهانی وضعیت زنان بدین گونه است: تجارت غیرقانونی جنسی سراسر سیاره را در بر گرفته است، هر سال صدها هزار زن ربوده شده و مورد تعدی و اجبار قرار گرفته، به منظور بردگی جنسی مورد خرید و فروش قرار می‌گیرند.

در هندوستان و تایلند هزاران کودک و نوجوان مجبور به روسپی‌گری شده‌اند. هر روز در ایالات متحده آمریکا ۴ زن توسط شوهران یا دوستشان به قتل می‌رسند.

هرسال در ایالات متحده آمریکا حداقل ۲ تا ۴ میلیون زن کتک می‌خورند. هرسال تقریباً ۱۳۲۰۰۰ زن گزارش می‌کنند که قربانی تجاوز یا اقدام به تجاوز بوده‌اند. برآورد شده است که تعداد زنانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند و آن را گزارش نمی‌کنند، بسیار بیشتر و ۲ تا ۶ برابر موارد گزارش شده است.

خشونت علیه زنان در قالب تجاوز جنسی، در آمریکا رتبه بالایی دارد. موسسه RAINN در گزارش آماری قابل توجه خود فاش ساخت که ۴۴ درصد از قربانیانی (عمدتاً زنان) که در آمریکا مورد تجاوز قرار می‌گیرند، کمتر از ۱۸ سال سن داشته و ۸۰ درصد از آنان سنشان کمتر از ۳۰ سال است.

در این گزارش همچنین تصریح شده که سالانه ۲۱۳ هزار نفر در آمریکا قربانی تجاوز جنسی می‌شوند. در سال ۲۰۰۷ این آمار به ۲۴۸۳۰۰ تن رسید. این آمار ظاهراً اعم از مردان و زنان قربانی تجاوز جنسی است اما بدیهی است که تعداد زنان به مراتب بیشتر از مردان است.

بنا بر همین گزارش، قریب به ۶۰ درصد از تجاوزات جنسی هرگز به پلیس گزارش نمی‌شوند و از هر ۱۶ متجاوز، ۱۵ نفر حتی یک روز زندان هم به خاطر این جرم تحمل نمی‌کنند؛ در واقع دولت آمریکا با ایجاد حاشیه امن برای



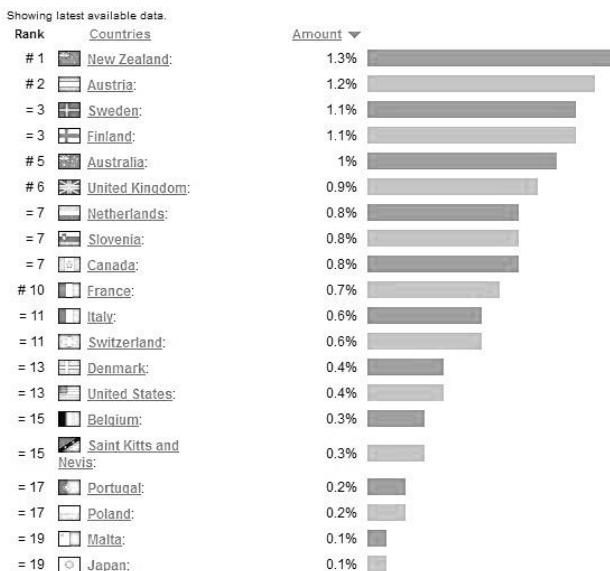
متجاوزان، خیال آن‌ها را از تحت تعقیب قرار گرفتن و مجازات شدن در صورت ارتکاب این جرائم راحت کرده است.

RAINN در یکی دیگر از صفحات خود تصریح کرده که طی ۱۳ سال گذشته، چهار میلیون و دویست هزار نفر در آمریکا قربانی تجاوز جنسی واقع شده‌اند.

نیشن‌مستر: کشورهای غربی حائز بالاترین رتبه‌ها!

پایگاه اطلاع‌رسانی نیشن‌مستر در یکی از صفحات خود، نمودارهایی را در خصوص تعداد قربانیان تجاوز به عنف در کشورهای جهان تنظیم کرده که ایالات متحده آمریکا در این رده‌بندی در جایگاه سیزدهمین واقع شده است؛ جالب اینکه تمام کشورهای غربی مدعی رعایت حقوق بشر، از جمله انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا و سوئد، در ۱۰ رتبه اول قرار دارند و تنها ایتالیا با رتبه یازدهم، نتوانسته در میان ۱۰ کشور برتر قرار بگیرد!

در این نمودار که ۲۰ کشور اول در این زمینه نشان داده شده، هیچ کشور اسلامی به چشم نمی‌خورد.





دلایل روند رو به رشد خشونت علیه زنان در غرب، چیست؟

آنچه در کنار آمار رو به رشد خشونت علیه زنان مهم و اساسی به نظر می‌رسد، دلایل گفته شده برای خشونت علیه زنان است؛ فارغ از فرهنگ خشونت‌طلب غربی و هالیوودی که مسبب بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان و کودکان است، مسائلی دیگری وجود دارد که سرنخ فهم مشکلات زنان در غرب است. تقریباً در تمامی پژوهش‌های انجام‌شده در نقاط مختلف اعم از آمریکا، اروپا، آسیا و ... فرهنگ منحرفانه زنانه یکی از مسائلی است که مردان و بعضاً زنان روی آن تکیه می‌کنند.

در تحقیقات انجام شده، رفتارهای محرک، زننده و جنسی زنان به علاوه نوع پوشش زنان در اجتماع و مکان‌های خاص همچون کلپ‌های شبانه، مواردی است که در فاکتورهای خشونت علیه زنان دیده می‌شود؛ آنچه در این بین قابل توجه است، اختصاص درصد ۴۰ تا ۵۰ درصدی به رفتارهای تحریک‌آمیز زنان به عنوان علت خشونت یا تجاوز جنسی علیه زنان معرفی شده است.

در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه تحقیقاتی آلبرتا، ۴۰ درصد مردان پوشش زننده و تحریک‌آمیز زنان در اجتماع به خصوص کلپ‌های شبانه را به عنوان دلیلی برای رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی دانسته‌اند؛ از سوی دیگر، درصدی از مردان رفتارهای تحریک‌آمیز همچون رقص زنان در کلپ‌های شبانه را دلیلی برای راضی بودن زنان به برقراری رابطه جنسی معرفی کرده‌اند.

در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه "Opinion Matters" انگلیس، قرار گرفتن زنان با لباس محرک در کنار مردان، تنها شدن زن با مرد در مکان‌های خاص، نوشیدن مشروبات الکلی زن همراه با مرد، رقص تحریک‌آمیز زنان در کنار مردان، همه نمونه‌هایی از دلایل تحریک شدن مردان برای تجاوز و یا سوءاستفاده جنسی از زنان است.

آنچه در کنار این موارد ذکر شده، زندگی سراسر تحریک‌آمیز در غرب نیز یکی از موارد خشونت‌های جنسی علیه زنان است، بنا بر اظهارات یکی از مردانی که



مرتکب تجاوز جنسی شده است، فیلم‌ها و صحنه‌های تحریک‌آمیزی که روزانه در ذهن وی به جا می‌ماند، یکی از عواملی است که سبب می‌شود خشونت علیه زنان را مرتکب شود.

جمع‌بندی:

آنچه گفته شد، گوشه‌ای از تمدن مدرن جهانی است و در این تمدن انسان نه تنها به حق خود نرسیده است بلکه از حقوق ابتدایی خود نیز محروم است، در این تمدن به ازای حقوق مورد ادعای غرب، زنان حق دارند آزاد باشند، آزاد بپوشند، آزاد رفتار کنند و ... حال آنکه همین آزادی بدون قید و شرط، بلایی شده است به نام خشونت علیه زنان.

از سوی دیگر، به واسطه آزادی‌های داده شده در غرب به زنان، رفتارهای زننده و تحریک‌آمیز زنان در اشکال مختلف، خود عاملی برای آزار و اذیت آن‌ها محسوب می‌شود و بنا بر شواهد هیچ‌کس به دنبال حل معضل نیست بلکه همه به ارائه صورت مسئله یعنی افزایش خشونت علیه زنان می‌پردازند.

در کنار بی‌تفاوتی غرب به این معضل، کسانی همچون کشیش ایتالیایی که به درستی می‌گویند دلیل خشونت علیه زنان لباس‌های محرک زنان است، به نقص حقوق بشر محکوم می‌شوند و همان زن غربی علیه او شعار می‌دهد و این معمای فرهنگ لیبرالیسم است.^۱

سایت انگلیسی زبان ویکی پدیا آماری را از میزان تجاوز جنسی در کشورهای مختلف دنیا ارائه می‌دهد و متذکر می‌شود بر اساس آمار RAINN (بزرگترین سازمان ضد خشونت جنسی در آمریکا) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، ۵۹٪ از تجاوزها در آمریکا به مراکز قانونی گزارش نشده است!



آمار زیر، میزان تجاوز جنسی به زنان فقط در سال ۲۰۱۰ است.

نام کشور	تعداد تجاوز	تعداد در هر ۱۰۰ هزار نفر
استرالیا	۶۳۷۸	۲۸,۶
سوئد	۵۹۶۰	۶۳,۵
نیوزلند	۱۱۲۹	۲۵,۸
انگلیس	۱۵۹۳۴	۲۸,۸
امریکا	۸۴۷۶۷	۲۷,۳

آمار زیر آمار RAINN (بزرگترین سازمان ضد خشونت جنسی در امریکا)

است:

- ✓ ۴۴ درصد قربانیان جنسی زیر ۱۸ سال سن دارند.
- ✓ ۸۰ درصد قربانیان زیر ۳۰ سال سن دارند.
- ✓ هر ۲ دقیقه (۱۳۳ ثانیه) یک آمریکایی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد.
- ✓ به طور میانگین هر سال ۲۳۷,۸۶۸ قربانی جنسی در امریکا (بالای ۱۲ سال) وجود دارد.
- ✓ ۵/۵ میلیون آمریکایی قربانی خشونت جنسی شده‌اند.
- ✓ ۶۰ درصد تجاوزهای جنسی به پلیس گزارش نمی‌شود.
- ✓ ۹۸ درصد متجاوزین روزی را در زندان نگذرانده‌اند.
- ✓ حدود دو سوم قربانیان متجاوزین خود را می‌شناختند.
- ✓ ۳۸ درصد متجاوزین از دوستان قربانیان بوده‌اند.^۱



نمونه‌ای از واقعیت بی‌حجابی و اختلاط در غرب

به شهادت آمار مرکز کنترل بیماری‌ها (Center of disease control)، ایالات متحده آمریکا بیشترین میزان بارداری نوجوانان زیر ۲۰ سال را در سراسر جهان دارد. بارداری نوجوانان باعث بروز مشکلات عدیده‌ای هم چون ترک تحصیل کودکان، تنها ماندن برای تمام عمر و به دوش کشیدن مسئولیت فرزند ناخواسته و طرد شدن توسط خانواده می‌شود.

مرکز کنترل بیماری‌ها آماری بالغ بر ۷۵۰ هزار کودک باردار در سال را برای آمریکا ارائه داده است و می‌افزاید از هر ده مورد بارداری ۸ مورد ناخواسته بوده است و در ۸۱ درصد موارد این بارداری‌ها در خارج از عرف ازدواج صورت گرفته است.

این آمار در حالی ارائه شده است که در کشور آمریکا آموزش‌های جنسی از سنین کودکی در مدارس به دانش آموزان داده می‌شود و این کشور سالانه میلیاردها دلار صرف آموزش روش‌های ضدبارداری می‌کند.

تنها در سال ۲۰۰۲ میلادی کشور آمریکا ۱,۷۳ میلیارد دلار صرف آموزش روش‌های ضد آبستنی کرده است که ۶۵۳ میلیون دلار آن صرف نوجوانان شده است. با این حال به نظر می‌رسد این آموزش‌ها نتوانسته است کمکی در جلوگیری از سقوط اخلاقی جامعه آمریکا بکند.^۱

از هر سه زن در اروپا یک زن توسط مردان مورد حمله فیزیکی و جنسی قرار می‌گیرند.

بر اساس گزارش آژانس اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ حدود ۴۷ درصد زنان در فنلاند مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند که این آمار نشان‌دهنده آزار جنسی ۵۲ درصدی زنان در کشور دانمارک می‌باشد.^۲

۱. http://www.irannaz.com/news_detail

۲. <http://avaliha.ir>



بعضی فکر می‌کنند که برهنگی فرهنگ و کلاس است و هر چقدر برهنه‌تر با فرهنگ‌تر که فردی ظریف و شوخ‌طبع گفته است: حیوانات که برهنه‌تر از همه‌اند باید با فرهنگ‌تر باشند و این نیز مطلبی مضحک و خنده‌دار است.

اما متأسفانه همین مبانی و قاعده‌های پوچ و بدون دلیل و فقط صرف ادعا باعث می‌شود اعمالمان را طبق آن شکل دهیم که این نشان ضعف تعقل و فهم ما در درک مطالب و تحلیل آنان است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «كَلِّمًا قَوِيَّةَ الْحِكْمَةِ ضَعْفَتِ الشَّهْوَةُ»^۱.

«هر چقدر حکمت و فهم قوی شود شهوت و بی‌بندوباری ضعیف‌تر می‌شود» و علت تحلیل ضعیف و تعقل نکردن همان نداشتن حکمت است که باید آن را قوی کنیم و آن هم حرکت در مسیر طبیعت خودمان و فطرت خودمان است که عشق به خوبی‌ها و صداقت و کمک به دیگران و تشکر از کسی که به ما محبتی کرده و پوشیدگی و خضوع در مقابل خالق است که همگی دست به دست هم می‌دهد و حکمت را قوی می‌کند که لازمه این کارها ضعیف شدن شهوت است؛ یعنی قدرت فهمیدن در ما تقویت می‌شود.

نکته: این ندای درون و فطرت و احکام مثل یک ظرف آب می‌مانند که اگر به یکی از این موارد فطری که در درون ماست و احکام شرعی هم به آن اشاره دارد. عمل نشود سوراخی در آن ظرف ایجاد می‌شود و آب را در خود نگه نمی‌دارد. اینجا انتخاب و اختیار مطرح می‌شود.

این مشکل عمومی است و می‌بینیم که فردی با اینکه عموم احکام را رعایت می‌کند ولی مثلاً خمس مالش را نمی‌دهد یا دروغ می‌گوید. لذا حلاوت و شیرینی ایمان که مثل آب در ظرف است را نمی‌چشد. چون ایمان زمانی در ظرف وجود انسان جای می‌گیرد که این ظرف سالم باشد و اگر سوراخی و لو کوچک باشد ایمان در آن باقی نمی‌ماند ما با اعمال خوبمان از یک طرف در ظرف وجودمان

۱. غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۵۳۵.



حقیقت ایمان که لازمه‌اش آرامش است را می‌ریزیم. ولی چون سوراخ است از طرف دیگر خارج می‌شود و ما اصل ایمان را در وجود خود حس نمی‌کنیم و حلاوت و شیرینی‌اش را حس نمی‌کنیم و لذا است که افراد تیزهوش و مؤمن در اعمال و کردار خود دقیق‌اند تا مبادا سوراخی ولو ریز و کوچک در ظرف وجود آنان ایجاد نشود و ثمره عمل و تلاش آنان به هدر نرود. روایت: کسی که غیبت کند یا به نامحرم نگاه کند حلاوت ایمان را نمی‌چشد.

کسی که حجابش را رعایت نمی‌کند خواسته و یا ناخواسته باعث می‌شود که سد راه آرامش روانی و حرکت خود و دیگران به سمت الله شود و باعث غفلت خود و آنان شود. بدین صورت که ذکر (توجه) و وقت و پول خودش را صرف چیزهایی ناپایدار و بی‌ارزش یا کم‌ارزش می‌کند مثلاً مدهای روز دنیا چیست و فلان فرد مشهور سینما و تلویزیون چه مدل لباس و مو و غیره دارد یا الآن مدل روز چیست؟ و چه لباس با چه کفش من ست و هماهنگ است و ... البته هر چیز به اندازه و متعادلش را نفی نمی‌کنیم. ولی افراد به افراط می‌افتند و به افراط کشیده می‌شوند. مثلاً خانمی که بعد از رفتن به مناطق عملیاتی جنوب و مکان شهادت شهیدان دفاع مقدس متحول شده بود و چادر می‌گذاشت می‌گفت قبل از چادری شدنم مشهور بودم که تا روسری و مانتو و شلوار و لاک انگشتانم را هماهنگ و ست نکنم بیرون نمی‌روم و وقتی صرف این جور کارها و اینکه مد چیست؟ و مدل و ... بود. لذا تمام وقت و فکرم و زندگی‌ام صرف این اموری می‌شد که نفعی نداشت که همه‌اش ضرر بود و الآن راحت هستم و فکر و خیال و دغدغه این مباحث را ندارم. یا اینکه خانم محجبه دیگری می‌گفت در نمازخانه بودم و هوا گرم بود خانمی بی‌حجاب به من گفت چرا انقدر خودت را اذیت می‌کنی. گفتم به خاطر شما. گفت به خاطر ما؟

گفتم بله. چون پدر، شوهر یا برادر شما را با آرامش و جلوه‌گری به سمت خود نکشم و خانواده‌ها را متلاشی نکنم. این گرما و اذیت را تحمل می‌کنم. این یعنی احترام به حقوق معنوی دیگران که نشان از رشد و فهم عمیق فرد دارد.



مطلب فوق کاملاً درست است خانم بی‌حجاب و بد پوشش علاوه بر اینکه خودش و ذهنش و تفکراتش و مسیر و جهت زندگی‌اش به سمت لغویات و بیهودگی می‌رود؛ و به سمت گناه کشیده می‌شود، چون حواس و توجهش به این سمت است ناخودآگاه از توجه به غیب و الله و معنویت غافل می‌شود. دیگران را هم از غیب و معنویت غافل و به گناه می‌کشد. چون خدا فرموده ما برای شما دو قلب قرار نداده‌ایم.^۱

پس وقتی دل فرد توجه به لغویات و گناه کند قطعاً از یاد الله و حرکت به سمت غیب خالی است. مثل یک ظرف که یا در آن می‌توانی آب بریزی یا شراب و انسان یا به سمت راست می‌تواند حرکت کند یا سمت چپ.

عموم افراد پیرو خط‌شکن‌ها اند و خود تابع‌اند

اکثر افراد که حجاب ندارند طبق جوّ و مد جامعه بی‌حجاب‌اند و اگر محیط و جوّ جامعه به سمت حجاب برود آنان باحجاب‌اند و تابع اجتماع‌اند. تجربه‌اش تاریخ انقلاب خودمان است که در جوّ سال‌های اول انقلاب و دفاع مقدس که خانم‌های خط‌شکن با حجاب و با معنویت، بیشتر بودند، باحجابی جو غالب جامعه بود.

مکافات عمل

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: آنچه از حسنات (خوبی‌ها و پیروزی‌ها) به تو می‌رسد از ناحیه خداوند است و آنچه از بدی‌ها (ناراحتی‌ها و شکست‌ها) دامن‌گیر تو می‌شود از ناحیه خود تو است.^۲

۱. سوره احزاب، آیه ۴.

۲. سوره نساء، آیه ۷۹.



«فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام می‌دهند آشکار شده خداوند می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آن‌ها را به آن‌ها بچشاند شاید برگردند»^۱.
روایات وارد شده:

امام صادق (علیه السلام): «إِنَّ عَمَلَ الشَّرِّ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ» تأثیر شوم عمل شر در صاحبش از کارد در گوشت سریع‌تر است.^۲

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): «مَنْ زَنَى زَنَى بِهِ» کسی که به ناموس مردم تجاوز کند، به ناموسش تجاوز خواهد شد (و یا ناموسش مورد نگاه‌های شهوت‌رانا قرار خواهد گرفت)^۳.

امام صادق (علیه السلام): «مَا يَأْمَنُ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَدْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يُبْتَلَوْا بِذَلِكَ فِي نِسَائِهِمْ» کسانی که به پشت سر زنان نظر می‌افکنند هیچ ایمنی نیستند از اینکه دیگران به پشت سر زنان آن‌ها نظر افکنند.^۴

ابو بصیر از امام (علیه السلام) پرسید: «زنی از کنار مردی عبور می‌کند و آن مرد به پشت آن زن نگاه می‌کند! این عمل چگونه است؟ حضرت فرمود: آیا شما خشنود می‌شوید کسی اندام خانواده و فامیل شما را از پشت سر نگاه کند؟! عرض کردم: نه. امام فرمود: پس برای مردم همان را بپسند که برای خود می‌پسندی»^۵.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند سبحان به حضرت موسی (علیه السلام) وحی فرمود: ای موسی! به مردم بگو زنا نکنند که باعث می‌شود زنان خودشان چنین کنند» و فرمود: «کسی که با زن مسلمان از راه نامشروع هم‌بستر شود، در مقابل دیگری با همسر او هم‌بستر خواهد شد»^۶.

۱. سوره روم، آیه ۴۱.

۲. بحار الانوار/۷۰/۳۵۸.

۳. پاسخ به پرسش‌های جوانان ص ۱۹۰ - نهج الفصاحه/ حدیث ۳۰۰۰.

۴. همان ص ۱۹۰ - وسائل/۱۴/۱۴۵ - مستدرک الوسائل/۱۴/۲۷۳ - و مانند آن کافی/۵/۵۵۳.

۵. همان ص ۱۹۰ و ۱۹۱ - بهشت جوانان ص ۴۵۳ - وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۲۳۶ - مستدرک الوسائل/۱۴/۲۷۳.

۶. همان ص ۱۹۱ - بهشت جوانان ص ۴۵۳ - مستدرک الوسائل/۱۴/۳۳۵ - ۳۲۷.



امام علی علیه السلام: به خدا قسم رفاه و خوشی از ملتی زایل نمی‌گردد مگر به واسطه کردار زشتی که انجام دادند زیرا خداوند به بندگان ستم نمی‌کند^۱.

امام علی علیه السلام: از گناهان اجتناب کنید که تمام بلاها و کمبود روزی به واسطه گناه است. حتی خراش بدن و زمین خوردن و مصیبت دیدن. خداوند عز و جل می‌فرماید: هر مصیبتی که به شما می‌رسد نتیجه اعمال خود شماست^۲.

طبق دلایل فوق، بی‌حجابی که از مصادیق گناهان است موجب بلا و سختی در این دنیا می‌شود.

هر که باشد نظرش در پی ناموس کسان پی ناموس وی افتد نظر بلهوسان

بعضی دیگر از آثار بی‌حجابی

۱. با ارزش‌ترین سرمایه یعنی وقت و عمر از بین می‌رود به لغویات و چیزهای بی‌ارزش.

۲. پول و اموال فرد نابجا خرج می‌شود.

۳. باعث پاشیده شدن خانواده‌ها یا تسخیر قلب مردان می‌شود که لازمه‌اش طلاق و بی‌بندوباری نیست ممکن است زنی که باعث شده مردی به او نگاه کند دل و قلب او را تا آخر عمر به بیماری مقایسه زن خود با او، یا احساس عدم لذت و آرامش با همسرش دچار کند چون فکر می‌کند آن خانم، با آن پوشش و آرایش و اندام چگونه است و همدمی با او چطور است و این خیالات که مثل آتش که هیزم را می‌سوزاند زندگی آن مرد و زن و بچه‌اش را از بین می‌برد و دعوا و دلخوری و ...، بعضی نهایتاً به طلاق می‌رسند و اکثریت می‌سوزند و می‌سازند و عقوبت عمده‌اش گردن خانمی است که بی‌حجابی کرده.

۴. خود شخص آسیب می‌بیند از مزاحمت و تجاوز در این دنیا و اضطراب روانی.

۱. نهج البلاغه/خطبه ۱۷۸.

۲. بحار الانوار/۸۳/۳۵۰.



۵. نگاه غیرمطمئن مردم به آنان و نهی کردن فرزندان و آشنایان از ارتباط با آنان.

۶. عقوبت و عذاب جهنم در آن دنیا.

مواظب نگاه‌های آلوده باشیم

از آن جایی که روابط نامشروع، اول از راه نگاه آغاز می‌شود و انسان در اثر نگاه کردن کم‌کم در میدان هوس قدم گذارده و به تدریج به صحنه‌ی گناه وارد می‌شود، بنابراین باید نگاه‌ها محدود و کنترل شود. چشم انسان دریچه حساسی است که لذت جنسی در آن متوقف نشده، بلکه از این راه تا درون پیشروی می‌کند؛ و با تکرار نگاه‌های متعددی، غریزه‌ی جنسی طغیان و هیجان خود را شروع می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» نگاه کردن به زن نامحرم، تیری است زهرآلود از ناحیه شیطان، چه بسیاری از نگاه‌هایی که بعدها حسرت‌ها و تأسف‌های طولانی به دنبال خود آورده‌اند.

دختران و پسرانی که فریب زلف‌های رنگین و ژست‌های مصنوعی جوانان را خورده‌اند، در اول کار بیش از یک نگاه به شخص و نگاه متقابل نبود و همه‌ی بدبختی‌ها از همین نگاه شروع شده است. تاریخ بشر شاهد و گواه است که بسا یک نگاه، طوفانی به پا کرده است و به جایی رسانده که مردان به ظاهر بزرگ روزگار را از پای در آورده و رسوایی آنان برملا شده است.

آثار بد پوششی و بی‌حجابی در جامعه ایران

الف. ساعت ۱۱ صبح دختری که قصد حضور در جلسه امتحان را داشت وقتی از پیاده‌رو عبور می‌کرده، دو جوان شرور مقابل در زیرزمین یک کارگاه به وی حمله کردند و او را به زیرزمین کشاندند، پس از گذاشتن لبه تیز روی گردنش به آن

دختر تعرض کردند و بعد از محل متواری شدند البته این دو جوان بعد از چند روز دستگیر شدند و حکم اعدام این مجرمان صادر شد^۱.

ب. چند روز پیش زن جوانی با مراجعه به کلانتری رازی در جنوب تهران مأموران را از وقوع یک آدمربایی باخبر ساخت و طی شکایتی گفت:

هنگامی که از خیابان هلال احمر در نزدیکی گمرک تهران می‌گذشتم. سه جوان به سویم آمدند و مرا سوار بر خودرویی کردند و با خود به پارکینگی انتقال دادند و پس از اذیت و آزار من به سرعت گریختند^۲.

ج. گروه حوادث، جوانی که متهم است با هتک حرمت یک دختر جوان، موجب مرگ او شده، روز گذشته در شعبه ۱۶۰۴ جنایی تهران مورد تحقیق قاضی جنایی قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، در پی مرگ یک دختر ۱۸ ساله به نام آریتا، موضوع رسیدگی به این پرونده به شعبه ۱۶۰۴ جنایی تهران ارجاع شد.

چند روز پس از مرگ این دختر، خانواده وی با مراجعه به مجتمع امور جنایی، طی شکایتی عنوان کردند که فرزند ۱۸ ساله آنها پیش از مرگ به یکی از دوستان خود و خواهرش گفته است، زمانی که قصد بازگشت به خانه را داشته است، پس از آنکه سوار یک خودرو شده، دو نفر از سرنشینان آن با تهدید چاقو او را به یک محله‌ای در جنوب کشانده و پس از هتک حرمت وی را در میدان آزادی رها کرده و گریخته‌اند و چون او قادر به ادامه زندگی نیست، مجبور است خودکشی کند.

مأموران با کنترل تلفنی موفق شدند جوانی را که اعتراف کرده با این دختر در پارک شهر آشنا شده دست‌گیر کنند^۳.

۱. پاسخ به پرسش‌های جوانان، ص ۱۵۸ - جام جم/۱۳۸۱/۵/۱۰ شماره ۶۴۳.

۲. همان، ص ۱۵۸ - روزنامه قدس ۸۱/۴/۵، شماره ۴۱۶۸.

۳. همان، ص ۱۵۸ و ۱۵۹ - جام جم، ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۲۳، شماره ۶۴۸.





علت ربودن زنان در روز روشن

وقتی برخی از زنان مخصوصاً دختران با بدن نیمه عریان، همراه با آرایش، ناز و عشوه لباس‌های جذاب و حرکات تحریک‌آمیز در کوچه و خیابان و محل کار ظاهر شدند، در نتیجه مردان بیشتری را به طرف خود جلب می‌کنند؛ و نیز چشم‌های زیادتری را به سوی خود خیره می‌نمایند؛ اما عکس‌العمل مردان نسبت به این‌گونه زنان متفاوت است.

۱. مردان مؤمن و غیرتمند با دیدن این صحنه‌های ابتذال ناراحت می‌شوند و با عصبانیت عبور می‌کنند. اگر چه وظیفه آنان امر به معروف و نهی از منکر است.

۲. اما برخی از مردان ضمن نگاه شهوت‌انگیز به این زنان به مسیر خود ادامه می‌دهند.

۳. عده دیگر از مردان هستند که ضمن نگاه شهوت‌انگیز به چنین زنان عروسک نما، نقشه ارتباط با آنان را در ذهنشان می‌کشند که گاهی موفق به ارتباط نامشروع خواهند شد. البته این ارتباط با زنان شوهردار کمتر و با دختران بیشتر اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، مردان غیور و کسانی که دوست ندارند کسی به ناموسشان چشم طمع داشته باشد، باید از وقوع این حوادث پیش‌گیری نمایند.

اما تعدادی از جوانان هستند که با دیدن این‌گونه زنان و دختران چنان غریزه جنسی تحریک و اعصابشان خرد می‌شود که هوش و عقل را از دست می‌دهند و اتفاقی که نباید بیافتد می‌افتد.

جان باختن زنی پاک، ولی بی‌حجاب و خودنما

مرد جوانی با حالت نگرانی به گونه‌ای که کنترل خود را از دست داده بود به نیرو انتظامی مراجعه و اظهار داشت همسرم به طرز فجیعی در منزل کشته شده است. مأمورین سریع در محل حادثه حاضر و مشاهده نمودند خانمی در حالی که لباس‌هایش پاره‌پاره شده با ضربات کارد از پا در آمده است. تحقیقات از همسایگان و شوهر وی و همچنین اثر برداری آغاز شد. نهایتاً مأمورین متوجه شدند که از



مدتها قبل توسط یکی از جوانان محل برای این زن - مقتول - مزاحمت‌هایی صورت می‌گرفته است. در این خصوص پس از بررسی‌های غیر محسوس مأمورین، جوان مذکور را به عنوان مظنون بازداشت و تحت بازجویی قرار داده که وی پس از دروغ‌گویی‌های مکرر تسلیم شده و با گریه و زاری و استمداد از مأمورین جهت کمک، پرده از روی حقیقت بر می‌دارد و اظهار می‌دارد:

ماجرا از آنجا آغاز گردید که این زن از لحاظ ظاهری با وضع نامناسبی در محل رفت و آمد می‌نمود که من با مشاهده او تحریک شده و چندین بار سر راه او حاضر و قصد برقراری ارتباط با وی داشتم که با مخالفت شدید او روبرو می‌شدم و در نهایت یک روز که شوهرش از منزل خارج گردید من از دیوار وارد منزل شده و قصد انجام عمل منافی عفت را داشته که آن زن مقاومت نموده و با من درگیر شد. در آن لحظه که به هیچ چیز جز دسترسی به او فکر نمی‌کردم وقتی با این وضعیت مواجه شدم، لحظه‌ای حالت جنون به من دست داد. لذا داخل آشپزخانه شده و کاردی برداشتم و او را با چند ضرب از پا در آوردم.^۱

کس غنچه نهان شده در برگ را نچید از بی‌حجابی است اگر عمر گل کم است دادگاه در این دنیا حکم به اعدام این جوان می‌دهد چون مرتکب جرم شده ولی در محکمه عدل الهی احتمالاً شوهر زن و خود زن عذاب شدیدی خواهند داشت.

چون مرد جلوی بی‌حجابی و وضع نامناسب و تحریک‌کننده زن را نگرفته است؛ و در این حادثه شریک جرم است. زن هم به علت اینکه با تحریک جوان او را به این مهلکه کشاند چه بسا اگر زن رفتار باوقار و پوشش کامل می‌داشت و لباس‌های تنگ و چسبنده با آرایش نداشت، الآن این حادثه رخ نداده بود.

نکته: مطلب جالب این است که این خانم زن عقیف و سالمی بوده است؛ و از قشر زنانی‌اند که در جو جامعه زندگی می‌کنند و جلوه‌گری را بد نمی‌دانند و



قصد سوئی از پوشش نامناسب خود شاید نداشته باشد. چون جواب مزاحمت‌های او جواب مثبت نداده بود. ولی این طبیعت خانم است که زینت و آرایشش مردان را جذب می‌کند هر چند این قصد را نداشته باشد. لازمه زدن کلید برق، خاموش شدن لامپ است. هر چند ناخواسته دستت بخورد.

پوشش زننده محرک شهوت مردان است؛ یعنی هر خانمی پوشش چسبناک و نامناسب داشته باشد سبب می‌شود مردانی که او را می‌بینند تحریک شوند.

این خانم با بی‌حجابی خود خانواده خود را از هم پاشاند، پدر و برادر و تمام فامیل خود را دچار حادثه‌ای با خاطرات بد نمود. خانواده شوهرش را هم همچنین. خانواده جوان قاتل هم دچار مصیبت شدند. چون در هر صورت به همه این خانواده‌ها آسیب رسیده؛ و دچار ضربه وحشتناکی به تمام تک‌تک افراد این خانواده‌ها شده است. ۱. خانواده خانم بد پوشش. ۲. خانواده شوهر بد پوشش. ۳. خانواده پسر جوان.

سه خانواده دچار غصه و ناراحتی و حادثه‌ای تلخ شدند به علت رفتار ناخواسته خانمی که لازمه کارش را نمی‌دانست و توجه نداشت.

این جور مسائل الی ماشاءالله زیاد است که پسر همسایه یا مردی با دیدن پوشش نامناسبی از خانم تحریک‌شده و چه بسا ماه‌ها در انتظار فرصت مناسبی می‌مانند تا کام خود را بگیرند و آتش این شهوت افروخته را خاموش کنند.

مردانی که کشیک خانه زن بد پوشش را می‌کشند و سر فرصت که می‌دانند کسی در خانه نیست، به اسم خواندن کنتور گاز و برق و ... یا مأمور یا همسایه که چیزی لازم دارد وارد خانه شده و عمل خلاف منافی عفت را انجام می‌دهند. آن خانم این مطلب و حادثه دل‌خراش را به خاطر حیاء و حفظ آبروی خانواده در سینه خود نگه می‌دارد؛ و ضربات سختی از این حادثه در حیات خود از لحاظ روحی و روانی می‌بیند. (خدا نکند زنی عالمانه و عامداً این بد پوششی را انتخاب کند).



آثار بد پوششی و بی‌حجابی در آخرت

خانم به خاطر پوشش بد خود، مقصر می باشد چون محرک این حادثه بوده است.

رسول خدا ﷺ فرمودند: شبی که به معراج رفتم، زنانی از امتم را دیدم که به انواع عذاب دچار بودند. گروهی به موی خود آویزان بودند و آنان زنانی بودند که موی خود را برای مردم نمی پوشانند. گروهی گوشت تن خود را می خوردند و آنان زنانی بودند که بدن خود را برای مردم زینت می کردند. زنی را دیدم که گوشت تنش را از پایین تا بالا با قیچی آتشین می بریدند و آن زنی بود که خود را در معرض مردان قرار می داد!.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر زنی خود را برای غیر شوهرش خوشبو کند و از خانه اش خارج شد مورد لعنت قرار می گیرد. تا اینکه به منزلش برگردد!.

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: هر زنی به خدا و روز قیامت ایمان دارد، چیزی از زینت خود را برای غیر شوهرش قرار ندهد. محل سینه و مچ دست خود را آشکار نکند و هر زنی که چیزی از این‌ها را برای غیر شوهرش قرار دهد، قطعاً دینش را فاسد کرده و پروردگارش را خشمگین کرده است. لازمه به خشم در آوردن پروردگار، آمدن عذاب اوست!.

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: ای اسماء همین که دختر به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر مچ دست به پایین و صورتش!.

و نیز فرمودند: دو گروه از دوزخیان را دیدم که در این زمان هنوز نیامده‌اند ... زنانی که پوشیده برهنه‌اند! کج‌راهه می‌روند و دیگران را نیز به کج‌روی تشویق می‌کنند، سرهایشان را همچون کوهان شتر برجسته می‌کنند ایشان به بهشت

۱. وسائل الشیعه/۲۱۳/۲۰.

۲. وسائل الشیعه/۲۰/۱۶۱.

۳. مستدرک الوسائل/۱۴/۲۴۴.

۴. میزان الحکمه/باب حجاب. سنن ابی داوود، ج ۴ ص ۶۲.



نمی‌روند؛ و بوی بهشت را که از فاصله‌ای بسیار زیاد به مشام می‌رسد، استشمام نمی‌کنند.^۱

عذاب شوهر خانم بد پوشش و بی‌حجاب

شوهر این خانم مذکور در صفحه قبل هم مقصر است و عذاب در انتظار اوست: رسول خدا ﷺ: اگر مردی راضی شود به آرایش نمودن و خارج شدن زن از خانه، بی‌غیرت است و کسی که این مرد را بی‌غیرت بنامند گناهی نکرده است؛ و زن هنگامی که از خانه‌اش با آرایش و عطر خارج شود و شوهرش به این عمل رضایت دهد، به هر قدمی که زن بر می‌دارد، برای شوهر او خانه‌ای در جهنم ساخته می‌شود. پس وصیت مرا در مورد زنان خود به خاطر بسپارید تا از شدت حسابرسی خدا نجات پیدا کنید.^۲

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: آیا حیاء نمی‌کنید و غیرت ندارید؛ زنان شما به بازارها در می‌آیند و با مردان نامحرم برخورد می‌کنند.^۳

جوان هم مقصر است چون خدا می‌فرماید: چشمان خود را حفظ کنید (غض البصر) این از مصادیق حجاب مردان است و اگر چشم ناخودآگاه به زنی بی‌حجاب بیافتد باید مرد سریع رو برگرداند و گرنه شهوت و غفلت شعله‌ور می‌شود و این اتفاق می‌شود که ذکر شد. با اعدام و بی‌آبرویی زندگی خود و خانواده‌اش را از بین برد هر چند امید داشت که کار و ازدواج و تحصیل و دیگر لذات و نعمت‌های دنیایی را داشته باشد و از امکانات خود استفاده کند؛ ولی با این ذلت به آخرت رفت.

۱. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۳۰.

۲. جامع الاخبار، ص ۱۵۸.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۵.



بالاخره کسی که ذره‌ای تعقل کند، درک می‌کند که این همه اثر سوء و بد که ما برخی را ذکر کردیم و اگر دقت شود آثار سوء دیگری هم می‌شود احتمالاً یافت برای یک کار است و آن بی‌حجابی، بی‌حجابی، بی‌حجابی است.

لذا در جهنم جهنمیان می‌گویند اگر شنونده حرف حق بودیم و فکر و تعقل می‌کردیم از جهنمیان نبودیم!

پس برای جلوگیری از ضرری که طول و عمق و عرض و وزن و زمان و مکان و ... آن به قدری زیاد است که اندازه ندارد. قدری فکر کنیم؛ و اگر حق بود بپذیریم.

حجاب و آزادی

آیا آزادی می‌گوید باحجاب باشیم یا بی‌حجاب، در غرب می‌گویند زن آزاد باید بی‌حجاب باشد و لذا است که حجاب از سر زنان مؤمنه می‌کشند و آنان را به اجبار به بی‌حجابی می‌اندازند و باعث تحریک مردان می‌شوند و زن مؤمنه ناخواسته عامل فساد می‌شود و امنیت روانی جامعه را به هم می‌زنند.

در حالی که ملاک آزادی این است که منفعت عموم مردم در نظر گرفته شود مثلاً کسی بگوید من دوست دارم ماشینم را وسط خیابان بگذارم و خیابان به علت پارک بد من بسته شود و عبور و مرور مردم بسته شود به من ارتباطی ندارد چون من آزادم و اگر نگذارند که من هر جور که دلم می‌خواهد زندگی کنم آزادی مرا سلب کرده‌اند و این درست نیست. در حالی که هر فرد عاقل و بچه خردسالی هم می‌فهمد که کار این فرد اشتباه است؛ و می‌گوید ماما چقدر دیگر باید وایستیم تا آقاهه ماشینش را بردارد و چرا آقاهه نمی‌رود تا راه باز شود و ما مثلاً می‌خواهیم برویم پارک. حجاب هم همین طور است یعنی اگر کسی پوشش بد داشته باشد باعث اذیت و آزار دیگران می‌شود و از دیگران سلب آزادی می‌شود. لذا اصل آزادی می‌گوید که جهت سلب آزادی دیگران و عدم تهییج شهوت دیگران نباید پوشش بد داشت.



و به اسم آزادی نباید آزادی دیگران را نقض کرد و آزادی هر فردی به اندازه‌ای است که محل آزادی دیگران نباشد و این حدود آزادی است.

به بیان دیگر آزادی زنان در نوع حجاب و پوشیدن هر نوع لباس و آرایش زننده سبب تحریک مردان و در نهایت آزادی زن را به مخاطره می‌اندازد. به دلیل آمارها و ...

حجاب شما به ما ارتباط دارد

تو اتوبوس پیرمرد به دختری که کنارش نشسته بود گفت دخترم این چه حجابیه که داری همه موهات بیرونه؟ دختر بدون رعایت ادب گفت: تو نگاه نکن! بعد از چند دقیقه پیرمرد کفشش را در آورد بوی جوراب در فضا پخش شد! دختر در حالی که دماغش را گرفته بود به پیرمرد گفت آه آه آه این چه کاریه می‌کنی، خفمون کردی؟ پیرمرد با خونسردی گفت دخترم تو بو نکن.

گروهی می‌گویند مسئله شخصی است و نمی‌خواهیم باحجاب باشیم؛ و ما می‌گوییم که مسئله شخصی تا آنجایی است که به دیگران ارتباط ندارد. مثل بی‌حجاب یا همان بد پوشش، مثل کسی است که داخل کشتی نشسته و دارد زیر پایش را سوراخ می‌کند وقتی نهی‌اش می‌کنیم می‌گوید به شما ارتباطی ندارد زیر پای خودم است. نتیجه اینکه باعث غرق شدن همه می‌شود، بی‌حجابی باعث سلب امنیت روانی همه می‌شود و می‌بینیم که اثرات حجاب داشتن یا نداشتن در جامعه و دیگر افراد اثر می‌گذارد. پس مسئله اجتماعی است؛ و طبق حرف گذشته، فطرت، وجدان و ندای درون الهی می‌گویند که باید حجاب داشت و حجاب در طول تاریخ شاهد این ادعا است.

همچنین برویم ببینیم خداوند نظرش چیست حق را به شما می‌دهد یا به ما، گذشت که خداوند فرمود حرف فطرت را گوش کنید و باحجاب باشید که به نفع خودتان است.



مسیر بی‌حجابی با تجربه‌ای تلخ

این راه و روشی که الآن زنان ما در آن مسیر افتاده‌اند آخرش غرب است که خود پشیمان‌اند و دچار مشکل. به این مطلب خوب دقت فرمایید تجربه این روش زندگی، الآن موجود است که خودشان می‌گویند این روش زندگی غلط است. به قول معروف این راهی که زنان ما می‌روند آخر جاده‌اش را غربی‌ها یادگاری نوشته‌اند که اشتباه کردیم و کاش این راه را نمی‌آمدیم.

ولی حیف که با کاش نمی‌شود زمان را به عقب برگرداند و عین گاوی که سرش را در کوزه کرده نه راه پس دارند و نه راه پیش. هر چقدر جلوتر می‌روند اوضاع خراب‌تر می‌شود و قدرت برگشت به قبل از این دوران را هم ندارند چون جامعه مثل یک گاو زخمی عصبانی شده که نمی‌شود رامش کرد و به آرامی حرکتش داد، جامعه اراده‌اش خیلی ضعیف شده است و چشمان حقیقت بین به ندرت پیدا می‌شود.

وقتی سراغ مدارس می‌رویم، با آمار تجاوزهای مذکور و تنش‌ها و میزان بارداری و سقط‌جنین‌ها در مدارس مواجه می‌شویم.

در دانشگاه‌ها، آمار و مطالب در مورد اثرات سوء بی‌حجابی به قدری زیاد است که خود غربی‌ها و اساتید و بزرگان و اندیشمندان اعتراف کرده‌اند تا آنجا که خود دست‌اندرکاران فهمیده‌اند که این روش آموزشی مختلط به صورت کاملاً آزاد غلط است و بازده آموزشی کم می‌شود لذا قوانین خاصی در اینجاها وضع کرده‌اند که زنان و مردان چه بپوشند و چه نپوشند تا اگر نمی‌توانند مطلق ضرر را دفع کنند؛ جلوی ضرر بیشتر را بگیرند.

در چین یا ژاپن، واگن‌های مترو و قسمت عقب اتوبوس‌ها را مخصوص بانوان گذاشته‌اند که اذیت نشوند و تا جامعه سالم بماند و آثار جرم و جنایت کم شود با اینکه موحد نیستند.



به عنوان نمونه زنان نظامی انگلیسی که در افغانستان بوده‌اند، عموماً مورد تجاوز جنسی همکارانشان قرار گرفته‌اند

جمعی از خانم‌هایی که مسئولیت‌های بزرگ سیاسی در اروپا دارند، به صورت علنی از آزار و اذیت جنسی خود می‌گویند و تصمیم گرفته‌اند که با کنار گذاشتن خجالت و ترس، تمامی زنان دیگری که این آزارها را پنهان می‌کنند تشویق به شکایت کنند و پویشی مردمی راه انداخته‌اند.

کلینتون رئیس‌جمهور سابق آمریکا به علت تجاوز به یکی از کارمندان کاخ سفید محاکمه شد.

یا نخست‌وزیر سابق ایتالیا برلوسکونی که فساد اخلاقی‌اش شهره عام و خاص بود به دادگاه رفت و محکوم شد.

مسئولان نظامیان آمریکایی علناً در رسانه‌های عمومی گزارش از تجاوزات بسیار در بین نظامیان می‌دهند و اینکه خود معترف‌اند به این مطلب، برای این است که فشار افکار عمومی کاسته شود و نشان از درماندگی‌شان است.

آن قدر کثافت‌کاری‌هایشان زیاد و بی‌شمار است که بوی گندش همه جا پیچیده و به ناچار به آن اعتراف می‌کنند یعنی اگر کم بود سرپوش رویش می‌گذاشتند.

ولی کار به جایی رسیده که عین روز، روشن است مصائب این بی‌حجابی و بدپوششی و رابطه آزاد بین زن و مرد و عدم رعایت محرم و نامحرمی که ما می‌گوییم باید بین زن و مرد باشد، لذا نمی‌توانند انکارش کنند و این اعتراف از قوی‌ترین ادله مصائب و ضررهای دنیایی است؛ و خود بهتر به این مشکل اجتماعی واقف‌اند ولی در باتلاقی گیر کرده‌اند که نمی‌دانند چه کنند.

چند نکته

اندام و زیبایی زن ناخودآگاه مردان را جذب می‌کند و عین پنبه و آتش است که اگر نزدیک هم باشند آتش‌سوزی حتماً رخ می‌دهد.

راه‌حل، دور بودن زن و مرد از هم است و اسلام می‌گوید زنان باحجاب اندام و زیبایی خود را حفظ کنند؛ و به مردان می‌گوید چشم‌های خود را از نگاه ناپاک نگه دارند و غض بصر کنند (نگاه نکنند).

زمان پیغمبر ﷺ جوانی در مدینه می‌رفت که از رو به رو زنی که حجاب نداشت می‌آمد و جوان چشم به او دوخت و وقتی زن از کنارش رد شد برگشت و از پشت تا می‌توانست نگاه کرد ناگهان جسم تیزی که از دیوار بیرون زده بود به گونه‌اش خورد و او را زخمی کرد و او با همان حالت خونین به سوی پیغمبر ﷺ رفت تا مسئله را بازگو کند و حل مسئله کند.

نکته‌ای از این مطلب متوجه می‌شویم این است که این جوان آدم بدی نبود و مؤمن و از اصحاب پیامبر ﷺ بود ولی قوانین موجود در عالم برای همه جاری است. همان طور که نور خورشید مرد را گرم می‌کند، مسلمان، کافر و زن و کودک را هم گرم می‌کند، جذبه جنسی فرقی ندارد و جاری بین مؤمن کافر و زن و مرد است.

چندی پیش در پیاده‌رو یکی از خیابان‌های شلوغ عبور می‌کردم؛ که زنی بی‌حجاب در حال عبور بود دقت کردم خیلی از کسبه‌ها و عابری‌ن خواه و نا خواه چشم به عبور این خانم دوخته بودند که ناگهان جوانی که از روبرو می‌آمد انگار مست و از خود بی‌خود شده باشد مستقیم به سوی این زن آمد و چشم به چشم... و نزدیک بود به او بخورد که آنی به خود آمد و خود را کنار کشید تا برخورد نکند. جذبه جنسی این خانم این پسر جوان را جذب کرده بود و او با قرار گرفتن در این قانون اثرش را دید یعنی نه خانم پوشش را رعایت کرده بود و نه جوان دیده را. پس آن جذبه و کشش خاص و شدید رخ داد.

نکته: از مرحوم مقدّس اردبیلی پرسیدند: دروغ می‌گویی؟ فرمود: نه، گفتند: فلان گناه را می‌کنی؟ فرمودند: نه، گفتند: اگر با زنی تنهایی باشی چه می‌کنی؟ سریع فرمودند: به خدا پناه می‌برم (این نشان می‌دهد که جذبه و قانون الهی در





این مورد چقدر قوی است و جای هراس دارد ولو از بزرگ مردانی که تاریخ در مقام عظمتشان حرفی برای گفتن ندارد).

لذت چند نوع است: الآن با لذت انجامش می‌دهی و بعداً هم ضرری به تو نمی‌رسد. ازدواج با همسر که این دنیا لذت دارد و در آن دنیا هم ثواب می‌دهند.

کسی که مرض قند دارد اگر شیرینی و غذای قندی بخورد مثلاً الآن لذت می‌برد ولی بعدش بیمارستان و بیماری سخت و مرگ زودرس.

اولش لذت دارد ولی فرجامش ناخوش است و خیلی ضرر بزرگی است، بد پوششی و رابطه نامشروع از نوع نگاه و غیره شاید الآن لذت داشته باشد. ولی فرجامش همان ضرر بزرگ و بی‌اندازه و غیر قابل جبران است. خدا ما را حفظ کند از ضررهایی که قابل جبران نیست.



فصل چهارم چند راه کار



اشتغال و ازدواج

مسئولین با ایجاد اشتغال و فراهم کردن ازدواج آسان و پر کردن اوقات فراغت جلوی انحرافات را بگیرند چون اکثریت با داشتن مشغولیت دیگر فرصتی برای اینکه دنبال مدپرستی و ظاهرنمایی بروند را، ندارند. و اگر مسئولین کاری برای اشتغال نمی کنند یا کم کاری می کنند، خودمان به طور جدی دنبال اشتغال باشیم.

تحول در صدا و سیما

حقایق را نشان دهند در فیلمها و سریالهایشان، زنهای چادری را شخصیت‌های فرهیخته و دارای مشاغل مهم و با کارکردهای اجتماعی مناسب نشان دهند که در رفاه کامل‌اند و زندگی مادی و معنوی را جمع کرده‌اند. متأسفانه خیلی اوقات صداوسیما محورش شده زنی بی‌حجاب که ماشینی شاسی‌بلند و گران‌قیمت دارد و پسری که یا به او می‌رسد یا نمی‌رسد و عشق و عاشقی مادی غلبه دارد بر معارف حقیقی و تعالی.



به نظر می‌رسد که رسانه نتوانسته از زیر سایه ابهت هالیوود و جهان غرب اومانیستی خارج شود و نیاز به انقلابی اسلامی عقلانی، در صداوسیما مشاهده می‌شود.

پیش‌صحیح دادن به مردم و عمل به قانون

آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی و دانشگاه‌ها و محافل علمی باید وارد کار شوند و اذهان مردم را بیدار کنند الآن در کشور اوکراین در اروپا، خانم‌های راهبه کلیسای ارتدوکس در دره سنت ولادیمیر و در کشور کانادا قسمتی از یهودیان حریدی در پوشش کامل‌اند با چادر؛ و محجبه شدن زنان در جهان و رعایت حدود شرعی یکی از مسائل واضح است مثلاً مارک والبرگ بازیگر هالیوودی و سلبریتی مشهور برای محافظت از دخترش او را به مدرسه دخترانه (تک جنسیتی) می‌فرستد. باید دانشجو و خانم اقناع فکری بشوند و از درون خود، حجاب داشتن را فریاد کنند و این نیاز به عزم عمومی دارد و نهادهای ۲۶ گانه باید به وظایف خود در مقوله حجاب عمل کنند.



کشور اوکراین در اروپا، خانم‌های راهبه کلیسای ارتدوکس در دره سنت ولادیمیر



دادن مدل‌های پوشش محجبه کاربردی در جامعه

غالباً جوانان و زنان بنابه دلایلی خاص گرایش بیشتری به مُد و لباس دارند و وجود این ویژگی، فرصتی مغتنم برای فعالان عرصه پوشاک و مسئولان فرهنگی کشور برای ارائه الگوهای ایرانی-اسلامی خلاقانه را فراهم می‌سازد.

فرهنگ غنی و چند هزارساله ایرانی قابلیت گران‌بهایی برای طراحان مُد و لباس است که می‌توان به وسیله آن بر چالش «بحران هویت» و «هویت‌یابی» جوانان فائق آمد. گرچه گسترش رسانه‌ای و فن‌آوری اطلاعات، فرهنگ ملی و بومی را تهدید می‌کند اما استخراج و معرفی هنرمندانه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زیبای فرهنگ اقوام کهن ایرانی در زمینه البسه و پوشاک و تلفیق طرح‌ها و رنگ‌ها در تولید پوشاک می‌تواند این تهدید را به فرصت مبدل سازد.

امروزه مهندسی فرهنگ در لباس براساس زندگی به سبک ایرانی-اسلامی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بوده و متولیان امر باید برای تثبیت هویت ایرانی از مبانی روان‌شناختی طیف‌های مختلف جامعه بهره‌برداری کنند و با اتخاذ روش‌های مناسب و رعایت اصول فنی در جهت برند سازی لباس ایرانی اسلامی گام بردارند.^۱



روش امام موسی صدر در برخورد با زنان بی حجاب لبنان

امام موسی صدر می فرماید: در لبنان مسئله حجاب و بی حجابی زن مطرح نیست، داستان برهنگی زن یا به تعبیر عربها «خلاعت» مورد مطالعه قرار می گیرد. علت این افراط، گذشته از نزدیکی لبنان به اروپا، روش مقامات مسئول و متنفذان و سرمایه داران بزرگ است. این دسته با زن تجارت می کنند. تجارت با زن تنها به معنای معروف این کلمه نیست. بلکه مجله و روزنامه یا فروشگاه‌هایی که با عکس‌های نیمه‌عریان زن و فروشندگان زیبا سطح فروش خود را بالا می‌برد، با زن تجارت می‌کند.

در لبنان برای جلب گردشگر سعی می‌شود لباس‌های زن‌ها در خیابان، در مجالس، هتل‌ها، کناره‌های دریا، فروشگاه‌ها، تفریحگاه‌ها و حتی در ادارات دولتی طوری طراحی شود که گزینه‌ی بینندگان را به بهترین وجهی ارضا کند؛ تهیه‌ی لباس‌های آخرین مد و افراط در تعدد و تنوع لباس خانم‌ها، بزرگ‌ترین رقم بودجه‌ی خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد.

در نتیجه، بی‌پروایی و برهنگی زن در لبنان با هیچ کشور شرقی قابل قیاس نیست. آنچه خطر این بی‌پروایی را می‌افزاید، مسئله‌ی بی‌سوادی و تهی مغزی و دور بودن آن‌ها از تعالیم اخلاقی و دینی است. این امر زره و وسیله‌ی دفاع زن را در برابر سیل فساد و هجوم شهوات از او می‌ستاند. مشکلات خانوادگی و اختلالات بی‌حد و حصری که در این کشور مشاهده می‌شود، یکی از آثار این روش است. در بی‌خبری و دوری زن‌ها از تعالیم دینی مشاهدات حیرت‌انگیزی دارم که از حوصله‌ی این بحث خارج است. این دورنمایی از وضع زن در لبنان بود که به عرض رسید. حال وظیفه چیست؟ چه باید کرد؟

دعوت دینی به طور غیرمستقیم

باید سطح فکری و تربیتی خانم‌ها را از لحاظ دینی و اخلاقی بالا برد تا خطر لغزش در آن‌ها کمتر شود و آن‌ها چون کاهی ملعبه کوچک‌ترین باد نشوند؛ اما چون خانم‌ها در لبنان، برخلاف خانم‌ها در ایران، به‌هیچ‌وجه در مسجد و مجالس عزاداری شرکت نمی‌کردند، تأمین این منظور بسیار مشکل بود. به‌علاوه، چون شخصیت خانم‌ها غالباً با زیبایی و تظاهر به تجمل و مد آمیخته بود، ترس از دعوت به پوشیدگی و حجاب سبب شده بود که از روحانی و دعوت دینی فاصله گیرند و از اول الف را نگویند تا مجبور به ادای سایر حروف نگردند.

این عوامل که دعوت خانم‌ها به تعالیم دینی را بسیار مشکل می‌ساخت، بنده را مجبور کرد در حدود یک سال مطالعه کنم. نتیجه‌ی مطالعات این شد که دعوت دینی را به‌طور غیرمستقیم شروع کنیم. به این صورت که در لبنان، نخست جمعیت احسان و نیکوکاری اعلان کرد که خانم‌ها هم حق دارند در جمعیت عضویت داشته باشند. با تبلیغاتی که شد، در مدتی کوتاه، متجاوز از ۲۰۰ نفر زن عضو جمعیت شدند و در اول سال، خودشان ۸ نفر اعضای هیئت‌مدیره را انتخاب کردند.

فعالیت خانم‌ها در امور خیریه، به علت روح مردم‌دوستی و زیادی عاطفه، افزایش گرفت تا آنجا که برنده‌ی جایزه‌ی فعال‌ترین عضو در سال ۱۹۶۰ یکی از خانم‌ها بود. برای تشدید و ازدیاد علاقه‌ی خانم‌ها به اهداف و افکار جمعیت، توزیع شهریه‌ی فقرا و رسیدگی به حال خانواده‌های فقیر را دو بار در هر ماه بر عهده خانم‌ها گذاشتیم. مشاهده مناظر فقرا و رضایت روحی‌ای که در اثر رسیدگی و ملاحظت با مستمندان در این خانم‌ها به‌وجود آمد، شخصیت اصلی خانم‌ها یعنی روح انسانی را در آنان زنده کرد و به‌خوبی درک کردند که به‌جز زنانگی و مدپرستی و لباس خوب پوشیدن، شخصیتی دیگر هم می‌توان داشت و این شخصیت عظمت و ثبات و لطف بیشتری دارد.





خانم‌های عضو جمعیت رفته‌رفته جلسات سخنرانی ماهانه، نماز جماعتِ روزهای جمعه و مجالسی ویژه عیدها و وفات‌ها برپا کردند و پس از یک سلسله بحث و گفت‌وگو، در لباس پوشیدن حد متوسطی انتخاب کردند. امید به آینده این خانم‌ها بسیار زیاد است. در حال حاضر سطح فکری آن‌ها به تدریج بالا می‌رود، آن‌ها را از مسیر «با هر بادی» و همکاری با پاره‌ای دسته‌جات سیاسی و حتی جمعیت‌های خیریه‌ای که نیات و مقاصد ناصواب دارند، بازداشته‌ایم و اشتیاق و علاقه‌ی فطری آن‌ها به تعالیم دینی رو به تزاید گذاشته. البته، در این راه از مردها نیز کمک گرفته شده و می‌شود، همان‌طور که خانم‌ها نیز به نوبه خود در مراقبت و تأثیر بر مردهایشان نقش مهمی دارند.^۱

سخن پایانی

متوجه شدیم که حجاب فطری است و خصلت ذاتی انسان است و نشانه عفت، حجاب است و این مطلب مورد پذیرش تمام افراد انسان‌ها است و ادیان آن را توصیه می‌کنند و می‌بینیم وقتی این حیا و عفت انسانی زیر پا گذاشته می‌شود فساد همه جا را می‌گیرد و آرامش روانی از بین می‌رود از جمله نارضایتی زوجین از هم، خشونت و عدم آرامش روانی تمام اجتماع را می‌گیرد.

حفظ حجاب احترام به حقوق عمومی و روانی زنان و مردان و کودک‌کامان است، حجاب عدم تحریک است و شامل پوشش، نوع ارتباط با نامحرم، اختلاط زن و مرد، لحن و شیوه صحبت، نگاه، حرکات و هر آنچه محرک باشد است.

اگر مسائل جنسی در محیط خانه بماند جامعه‌ای پویا، شاداب، رو به رشد علمی، اقتصادی، فرهنگی خواهیم داشت و امنیت تا حد زیادی وابسته به این مطلب است. باید زنان در اجتماع پرشور و فعال باشند و فعالیت‌های ورزشی، علمی، فرهنگی، هنری و اقتصادی داشته باشند اما همیشه و همه جا حدود و قوانین را رعایت کنند تا سعادت دنیا و آخرت نصیب آنان شود.

و این مختص زنان نیست مردان هم باید حدود و قوانین مخصوص خود را همیشه و در همه جا رعایت کنند.

جان کلام این است که از علل مهم سعادت و خوشبختی زوجین و خانواده و جامعه حفظ حجاب است.

ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه

با نظرات، پیشنهادات و انتقادات ما را در غنی سازی هر چه بیشتر

این مطالب یاری کنید.

راه ارتباطی: ۰۹۳۸۲۷۳۴۲۴۸





منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، دشتی محمد، قم، مشهور، ۱۳۷۹ش، اول.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی (ط - الإسلامية)*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار (ط - بیروت)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، دوم.
۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۶. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۷. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق، اول.
۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق، اول.
۹. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الأخبار (للسعیری)*، نجف، مطبعة حیدریه، بی تا، اول.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، رجایی سید مهدی، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق، دوم.



۱۱. ابوداود، سلیمان بن اشعث، *سنن أبی داود، قاهره (مصر)*، دار الحدیث، ۱۴۲۰ق.
۱۲. *انجیل عیسی مسیح*، سازمان ترجمه تفسیری کتاب مقدس، تهران، ۱۳۵۷ش. چاپ اول.
۱۳. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳، چاپ چهارم.
۱۴. ابوالقاسم فردوسی طوسی، شاهنامه، تهران، شرکت چاپ و انتشارات علمی، ۱۳۷۰، چاپ اول.
۱۵. آبراهام کهن، *گنجینه ای از تلمود*، ترجمه از متن انگلیسی امیر فریدون گرگانی، ترجمه و تطبیق با متون عبری یهوشوع نتن الی، تهران، ۱۳۸۲، چاپ اول.
۱۶. جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، علی جواهر کلام، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲، چاپ دهم.
۱۷. مرتضی راوندی، *تاریخ اجتماعی ایران*.
۱۸. *فیگوئروا گارسیا دسیلوا، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*، غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
۱۹. حسین عرب مارکده، *بی نقاب*، قم، ناشر صهبای یقین، ۱۳۹۳، چاپ اول.
۲۰. منصور جهانگیر، *قانون مجازات اسلامی*، تهران، نشر دیدار، ۱۳۸۹، چاپ سی و سوم ویرایش چهارم چاپ هفتاد و هفتم.
۲۱. اسدالله محمدی نیا، *پاسخ به پرسش های جوانان*، قم، ناشر سبط اکبر علیه السلام.
- ۱۳۸۱، چاپ اول.
۲۲. علی شریعتی، *تاریخ و شناخت ادیان {قسمت اول}*، تهران، ناشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، چاپ نهم.



۲۳. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی تهران.

پایگاه های اینترنتی

۱۵۱

منابع و مآخذ

1. <http://sharesokhteh.blogfa.com/post/4>.
2. <http://www.asriran.com/>.
3. <http://bastan4.parsiblog.com>.
4. <http://www.mehrnews.com/news/3582941>.
5. <http://mehrkhane.com/fa/news/6393/>.
6. <http://www.bultannews.com/fa/news/20901>.
7. <http://rasekhood.net/article/show/203183/>
8. <http://qademqademha.blogfa.com/tag/>
9. www.khizeshtv.blog.ir.
0. <http://newheart.persianblog.ir/1392/4/1>.
1. <http://www.jc313.ir/10224>.
2. <http://www.fardanews.com/fa/news/364039/>
3. <http://hijabs.blogfa.com/post/108>.
4. <http://www.mehrnews.com/news/2006942/>
5. <http://harime-reihane.mihanblog.com/>
6. <https://www.tasnimnews.com>.
7. <http://www.talab.ir/news/different>.
8. http://www.irannaz.com/news_detail_
9. <http://avaliha.ir/>
20. <http://www.khabaronline.ir/detail/556498/culture/religion>.
21. <http://bookroom.ir/people>.